

چند نکته آغازین

توسعه پایدار بدون حضور فعال زنان در عرصه های مختلف اجتماعی پدید نمی آید. زنان در بسیاری از فعالیت های اجتماعی مشارکت دارند. اما مشارکت آنان از بسیاری جهات با مردان متفاوت است نظیر نوع کار، ساعات کار، سن مشارکت، میزان پرداخت، تاثیرات کار و

در جامعه ما هنوز در ارتباط با تحقق مسئله اشتغال زنان، موانع و مشکلات ساختاری وجود دارد که باید آنها را به خوبی شناخت و در پی هموار کردن شرایط برآمد. اشتغال زنان از دو جهت حائز اهمیت است یکی از لحاظ نقشی که در فرآیند تولید ایفا میکنند و دیگر به خاطر نقشی که زنان شاغل به عنوان مادر در روند تربیت و اجتماعی کردن افراد دارند.

اشتغال زنان باعث تاثیراتی بر روی مناسبات خانوادگی اعم از روابط زن و شوهر، روابط فرزندان و نیز برخی از جنبه های زندگی خود زن می شود. اشتغال زن تیغ دو لبه است که استقلال بیشتر زن بعد مطلوب آن و تعدد وظائف وی به صورت سنگین بعد مکمل آن است.

پیشگفتار

هدف من از این تحقیق ارائه بایی تازه در زمینه تحقیقات مربوط به زنان و مسایل آنان با نگاهی به مسئله اشتغال زنان، ویژگیها و موانع اشتغال آنان و نیز تاثیرات اشتغال زنان بر خانواده به عنوان مهمترین پایگاه اجتماعی تربیت و رشد افراد جامعه بوده است. امید آن دارم که انشاءالله این گونه تحقیقات توسط دانش پژوهان و محققان دیگر پیگیری شود، چه اینکار تنها فتح بایی بوده است.

این تحقیق ادعای آن را ندارد که آخرین کلام و بهترین کلام را در این عرصه بیان نموده است و صحبت را تمام، بلکه آن را مقدمه ای میداند که به همت دیگران در آینده پیگیری خواهد شد. ولی به هر حال شکر خداوند سبحان را که به لطف او توفیق پایان این کار نصیب شد، اما در این راه یارانی داشته ام که بدون حمایتها و راهنماییها و مساعدتهای آنان این کار به سامان نمی رسید.

نخست لازم میدانم از استاد ارجمند آقای دکتر محمد تقی شیخی که با صبر و حوصله و راهنماییهای مناسب مرا یاری نمودند تشکر کنم. همچنین از جناب آقای دکتر موسوی که به عنوان استاد مشاور در ابعاد مختلف از نظرات و راهنماییهای ایشان بهره بردم کمال امتنان را دارم. قسمت اعظم کار تهیه و تنظیم و نیز تایپ و آماده سازی کار بدون یاری و مساعدت همسرم امری دور از دسترس بوده که با حمایت ایشان توانستم علیرغم مشکلات بسیار کار را به سرانجام برسانم.

جا دارد یادی هم از دوست عزیزم مرجان خلیلی داشته باشم که در این کار بسیار مرا یاری نمودند و نیز از خانمها محبی و سمیعی و سایر دوستان که در امر پرسشگری مرا یاری نمودند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول - مقدمه و طرح مسئله
	فصل دوم - جامعه شناسی اشتغال زنان
۵	۲-۱ - بررسی فعالیت و اشتغال زنان در ایران مقدمه
۶	۲-۱-۱- فعالیت اقتصادی زنان
۱۰	۲-۱-۲- اشتغال زنان
۱۱	۲-۱-۳- تنوع اشتغال زنان در فعالیت های گوناگون
۱۱	۲-۱-۴- اشتغال زنان در گروه های عمده فعالیت
۱۳	۲-۱-۵- وضع عمومی اشتغال زنان
۱۳	۲-۱-۶- اشتغال در بخش دولتی
۱۴	۲-۱-۷- اشتغال در بخش خصوصی
۱۴	۲-۱-۸- ویژگی های اشتغال زنان
۱۶	۲-۲- موانع اشتغال زنان
۱۷	۲-۲-۱- موانع اقتصادی
۲۰	۲-۲-۲- موانع اجتماعی
۲۷	۲-۲-۳- موانع فرهنگی
۲۷	۲-۲-۴- موانع سیاسی
۲۸	۲-۲-۵- موانع بیولوژیکی
۲۹	۲-۲-۶- عوامل مؤثر در اشتغال زنان
۲۱	۲-۳- زنان و توسعه
۲۲	مقدمه ۲-۳-۱- نقش زنان در توسعه

۲۳	۲-۳-۲- عوامل مؤثر بر مشارکت زنان
۲۵	۲-۳-۳- معیارهایی برای توانا سازی زنان
۳۷	۲-۳-۳-۱- مرحله اول رفاه
۳۷	۲-۳-۳-۲- مرحله دوم دسترسی
۴۸	۲-۳-۳-۳- مرحله سوم آگاهی
۴۸	۲-۳-۳-۴- مرحله چهارم مشارکت
۴۸	۲-۳-۳-۵- مرحله پنجم کنترل
۲۹	۲-۳-۴- زنان به عنوان عامل تغییر
۲۹	۲-۳-۵- موقعیت زنان و حق تصمیم گیری آنها
۴۰	۲-۳-۶- زنان و دسترسی به فرصت های اجتماعی
۴۲	۲-۳-۷- بهداشت
۴۳	۲-۳-۸- ازدواج و بچه دار شدن
۴۴	۲-۳-۹- ناباروری
۴۴	۲-۳-۱۰- سالمندی
۴۵	۲-۳-۱۱- اشتغال زن و کنترل جمعیت
۴۸	۳-۴- اشتغال زن و تمهیدات جهانی
۵۴	تأثیرات اشتغال زنان بر خانواده
۷۸	فصل سوم - روش تحقیق
	مقدمه
۷۸	۳-۱- معرف های متغیرهای وابسته
۷۹	۳-۱-۱- معرف ها و سنجش متغیر رابطه زوجین
۸۰	۳-۱-۲- معرف ها و سنجش متغیر نزدیکی با فرزند
۸۰	۳-۱-۳- تأثیرات اشتغال بر خود زن
۸۱	۳-۲- معرف های تبیین کننده و تأثیرگذار
۸۱	۳-۲-۱- متغیرهای مستقل مربوط به شغل
۸۱	۳-۲-۲- متغیرهای فردی و خانوادگی

۸۳

۳-۳- روش سنجش متغیرهای تبیین کننده

۸۴

۳-۴- جامعه آماری و انتخاب پاسخ گویان

فصل چهارم - یافته ها

۸۵

۴-۱- تأثیرات اشتغال مادران

۴-۲- معرف های تبیین کننده و تأثیرگذار

۴-۲-۱- متغیرهای مستقل مربوط به شغل

۴-۲-۲- تأثیر متغیرهای مربوط به شغل بر متغیرهای وابسته

۴-۲-۳- متغیرهای فردی و خانوادگی

۴-۲-۴- تأثیر متغیرهای فردی و خانوادگی بر متغیرهای وابسته

۴-۳- تعیین رگرسیون چند متغیری برای تبیین دو متغیر وابسته

فصل پنجم - نتیجه گیری و پیشنهادات

ضمائم

فصل اول

مقدمه و طرح مسئله

نیروی انسانی پایه و اساس ثروت ملت ها را تشکیل میدهد و بهره برداری کامل و متناوب از منابع انسانی به عنوان یکی از اهداف استراتژیک توسعه در نظر گرفته میشود و چنانچه این نیروی انسانی ماهر و متخصص باشد سهم زیادی را در رشد و توسعه خواهد داشت. یکی از مسائل مهم مربوط به نیروی انسانی در ایران بالا بودن نسبت جمعیت غیرفعال و پائین بودن میزان فعالیت در کشور است. یکی از عوامل مهم پائین بودن میزان فعالیت کشور می تواند مشارکت کم زنان در امور اقتصادی و اجتماعی خارج از منزل باشد.

نقش زنان عمدتاً در برنامه های ملی و حتی بین المللی در مناطق در حال پیشرفت نادیده گرفته شده است، در حالیکه آنان میتوانند با کسب آموزش های مختلف در بالا بردن سطح تولید و بهره وری بیشتر اقتصادی و توسعه کشور سهم به سزائی داشته باشند. مرد و زن هر دو کار میکنند ولی کار آنها از بسیاری جهات با یکدیگر تفاوت دارد. نظیر ساعت کار، نوع کار، میزان پرداخت، سن مشارکت و ... که در تمام این موارد زنان به طور عمده نقش فعالتری نسبت به مردان دارند.

نکته مهم اینست که دامنه اشتغال زنان نسبت به مردان محدودتر بوده و زنان هر شغلی را با توجه به فرهنگ جامعه و رسالت خانوادگی خویش نمی توانند انتخاب کنند. زنان سعی میکنند به مشاغلی روی آورند که علاوه بر کسب درآمد بتوانند به انجام رسالت خطیر خویش یعنی تأمین انتظار جامعه به عنوان یک زن خانه دار خوب را برآورده نمایند. در نتیجه زنان به سوی مشاغل متوسط که چنین کارکردی را به همراه دارد هدایت می شوند، و کمتر مشاغل در سطوح بالاتر برعهده آنان گذاشته میشود.

مسئولیت پرورش فرزندان و اداره امور خانه مسئله ای است که به واسطه آن زنان امکان دسترسی به تخصصها و آگاهی های سطوح بالا را کمتر دارند و همچنین زمانی را که میتوانند در شغل و حرفه خود صرف نمایند محدود میباشد. بنابراین، آنها به مشاغلی روی می آورند که هم نیاز به تخصص بالا نداشته باشد و هم وقت کمتری را بیرون از خانه صرف کنند. آنان نسبت به مردان از اوقات فراغت کمتری برخوردارند زیرا به محض تمام شدن وقت کار در بیرون خود را به منزل می رسانند تا به مراقبت از بچه ها و رسیدگی به امور منزل پردازند به لحاظ آنکه براساس عرف و هنجار و عادات اجتماعی و قوانین موضوعه مردان نان آور خانواده به شمار میروند، اکثر مشاغل مهم و سنگین در انحصار و یا اختیار مطلق مردان قرار گرفته است. در شرایط رکود و در حالتی که کشور با بیکاری روبرو بود کارفرمای بخش عمومی و بخش خصوصی ناچار از اولویت

دادن به استخدام و به کارگیری و ابقای مردان در مشاغل گوناگون بوده است. شیوه‌ها و مناسبات تولیدی و کارکردهای بازار نقش تعیین کننده‌ای در این میان داشتند به این ترتیب نوعی محدودیت در مشاغل زنان به وجود آمد که دامنه آن در شهرها محدود به شغل معلمی و بهیاری و در روستاها محدود به مشاغل مربوط به کشاورزی است.

در زمینه مشاغل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، میتوان مشاهده کرد که نگرش‌های سلطه‌طلبانه نسبت به زن، مشاغل طراز بالای مدیریتی و سیاسی را در انحصار مردان درآورده است. اشتغال زنان از جمله مسائلی است که هرچه زمان میگذرد بیشتر در جامعه مطرح میشود و با رشد بیسابقه تعداد زنان تحصیل کرده و افزایش سطح تحصیلی آنان این مسئله بیشتر جلب نظر میکند. در سال‌های اخیر چند مسئله به طور گسترده به مسئله اشتغال دامن زده است.

تاوقتی که اجتماع و خانواده در حالت سنتی و به دور از صنعت و زندگی پرهیاهوی ماشینی به زندگی خود ادامه میداد، مسئله اشتغال زنان نیز به این شکل مطرح نبود و اشتغال زنان در جامعه‌ای که به شکل سنتی و برپایه کشاورزی جریان داشت بیشتر معطوف به کارهای کشاورزی و دامپروری بود.

در زمانی که خانواده هم یک نهاد اجتماعی بود و هم یک محل تولید، زن نقش خود را به عنوان همیار در کارهای کشاورزی و امور اقتصادی خانواده ایفا میکرد که البته این نوع از اشتغال اکنون در نظر ما نیست.

با گسترش روزافزون سازمانها و نهادهای اجتماعی و ایجاد مراکز خدماتی و افزایش جمعیت شهرها با مسئله اشتغال زنان برخورد میکنیم. کاهش و از بین رفتن الگوی خانواده‌های گسترده و رشد خانواده‌های هسته‌ای که در آن سبب می‌شود تا زن و شوهر به عنوان دو رکن اصلی خانواده جدا از خانواده‌های خویش با یکدیگر زندگی کنند، این مسئله را که زنان بیشتر وارد اجتماع شوند سبب افزایش توجه به موضوع مشارکت زنان می‌شود.

به تعبیر دیگر وجود خانواده‌های هسته‌ای و استقلال بیشتر زنان اشتغال آنان را نیز در پی داشت.

از جمله مسائل اساسی در رشد اشتغال زنان و طرح این مسئله وارد شدن هرچه بیشتر زن در اجتماع است که در این بین مسئله تحصیلات و مدارک علمی زنان از اهمیت بیشتری برخوردار است. افزایش دانشگاهها و رشته‌های دانشگاهی همچنین محیط و شرایط مناسب باعث شده است که نزدیک به نیمی از رشته‌های دانشگاهی را زنان بدست گیرند. این مسئله جدای از نتایج فرهنگی آن این نکته را به ما نشان میدهد که با افزایش وسیع و گسترده زنان تحصیل کرده مواجه هستیم، زنانی که امید دارند تا بتوانند در آینده وارد مشارکتهای اجتماعی شوند و به عنوان عضو فعالی که در این جامعه زندگی میکنند در صحنه اجتماع فعالیت داشته باشند و علاوه بر آنکه به

پیشرفت اجتماع خود بهتر یاری می‌رسانند بتوانند در تثبیت موقعیت خود در اجتماع نیز بهتر عمل کنند.

نکته دیگری که به رشد اشتغال زنان و اساساً به طرح این مسئله دامن زده است، مسئله نیازهای اجتماعی است. رشد و توسعه جوامع براساس مسئله علمی و تکنولوژیک تقسیم بندی مشاغل به شاخه های متنوع و ایجاد رشته های علمی متفاوت را در برداشته است و در این بین وجود زنان در بعضی مشاغل ضروری به نظر می‌رسد.

سومین مسئله ای که باعث به وجود آمدن و گسترش مشارکت زنان شده است مسئله نیازهای مادی خانواده ها هست و به نظر می‌رسد که این نکته در جامعه کنونی ما به شکل جدی مطرح باشد. به همین جهت از دید کارشناسی اشتغال زنان بر سطح رفاه خانواده می‌افزاید زیرا تغییر و بهبود نگرشها نسبت به اشتغال زن و ایجاد حمایت ها و تسهیلات لازم در این میان نه تنها متضمن تأمین منابع فردی است، بلکه باعث بالابردن سطح رفاه خانواده و در نتیجه بالارفتن رفاه عمومی خواهد شد و این یکی از تأثیرات مهم اشتغال زنان است. کاهش اشتغال زنان باعث افزایش بار تکفل مردان میشود و با توجه به تورم رو به تزاید، فشارهای شدید اقتصادی خانواده را متلاطم میکند.

نگرشها و دیدگاه های منفی نسبت به اشتغال زنان نیز مسئله بسیار مهمی است که حتی در میان خود زنان نیز به صورت عمیق و نهفته دیده میشود که در مواردی حاکی از آن است که توانائیهای خود را دست کم میگیرند. در برخی موارد هم به ناسالم بودن مناسبات و محیطهای شغلی (به خصوص محیطهای کوچک و غیررسمی) اشاره میشود. تأثیر اشتغال زنان بر روابط خانوادگی و وظایف زنان به عنوان همسر و مادر نیز از اهم موانعی است که در زمینه اشتغال زنان به خصوص در مواردی که ساعات کار طولانی است و با نوبت های کاری شبانه وجود دارد مطرح میشود. این بعد از اشتغال زنان که به طور مستقیم یا غیر مستقیم تأثیراتی بر خانواده و زندگی خود زن به جای میگذارد حائز اهمیت است. اشتغال زنان از جمله مواردی است که به طرز آشکاری تعادل سنتی نقشهای خانوادگی را برهم زده و خود به خود بر جنبه های دیگر زندگی خانوادگی اثر گذاشته است.

بطور کلی می‌توان گفت یکی از مسائل اجتماعی بحث انگیز در دهه های اخیر در جامعه ما مسئله اشتغال زنان است که جا دارد تحقیقات و بررسی های لازم در زمینه ابعاد مختلف آن و تأثیرات مثبت و منفی و نیز متناسب کردن این مسئله با شرایط جامعه ما انجام شود.

در تحقیق حاضر سعی شده تا به برخی از مسائل جامعه شناختی اشتغال زنان از جمله بررسی فعالیت آنان، موانع مشارکت، ارتباط اشتغال زنان با توسعه و تمهیدات جهانی در زمینه اشتغال زنان

پرداخته شود و سپس به منظور اختصاصی تر کردن کار، مسئله تأثیر اشتغال زنان در خانواده با تأکید بر تأثیر بر فرزندان، روابط با همسر و تأثیر بر خود زن بررسی شود. روش کار ما در این تحقیق بررسی نظرات و دیدگاه های متفاوت به روش کتابخانه ای و تحقیق میدانی در زمینه تأثیرات اشتغال زنان بوده است که برای نیل به این مقصود به بررسی مسائل و مشکلات تعدادی از زنان شاغل متأهل پرداخته ایم.

تئوریهای گوناگونی در زمینه جامعهشناسی خرد در موضوع تأثیرات اشتغال زنان گردآوری و سعی شد تا درستی فرضیه ها به شکل منطقی در نمونه آماری انتخاب شده از بین زنان متأهل شاغل بررسی شود.

فصل دوم:
جامعه‌شناسی اشتغال زنان

بخش اول

۱-۲- فعالیت و اشتغال زنان در ایران

مقدمه

نخستین ضابطه ای که باید در هرگونه توصیف از جمعیت فعال در نظر گرفته شود وجه تمایزی است که بین افراد فعال و غیرفعال و همچنین شاغلان و غیرشاغلان وجود دارد. اشتغال همواره با کار رابطه مشخصی دارد. این رابطه را میتوان تحت عنوان رابطه سود بخش برای کسب درآمد (پول، جنس یا خدمات) تعریف کرد که خود وسیله ای برای ارضای برخی از احتیاجات است. در سه سرشماری عمومی نفوس و مسکن با همین تعریف شاغلین را از غیرشاغلین تمیز میدهند. در سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ کسانی که در هفت روز گذشته کار میکرده اند شاغل محسوب میشده اند و کار را هر فعالیت فکری یا مدنی دانسته که قانونا مجاز بوده و به منظور کسب درآمد (نقدی یا غیرنقدی) صورت گرفته است تعریف کرده اند. در مقابل عدم اشتغال چندین شکل کاملا مشخص به خود میگیرد که شامل موارد ذیل است.

۱- ناشی از ناتوانی های جسمانی به صورت بیماری پیری و اطفال

۲- ناشی از نبودن کار (بیکاران در جستجوی کار)

۳- ناشی از نهادهای اجتماعی (تحصیل در مراکز دانشگاهی و پیش دانشگاهی)

با توجه به این تعریفها کسانی که شاغل هستند و کسانی که نیستند ولی در جستجوی کار هستند، جمعیت فعال را تشکیل میدهند این افراد بخش عمده و اصلی نیروی کار را در هر جامعه تشکیل می دهند. و این جمعیت نیروی انسانی جامعه را که تنها در گروه های سنی ۱۵-۶۴ سال هستند را شامل میشود. در کشور ما جمعیت ده ساله و بیشتر جمعیت بالقوه فعال در نظر گرفته میشود و میزان اشتغال در جمعیت ده ساله و بیشتر کشور در سال ۱۳۷۵ حدود ۹۱ درصد بوده که با توجه به توسعه صنعتی کشور این نسبت در طی چند دهه گذشته بیسابقه است. در سال ۱۳۶۵ هم زمان با جنگ تحمیلی میزان اشتغال کشور طی نیم قرن گذشته به پائینترین مقدار خود رسید و حدود ۸۶ درصد محاسبه شد. طی چند دهه گذشته میزان اشتغال در مناطق شهری همواره بالاتر از مناطق روستائی بوده اما در سال ۶۵ به دلیل وجود جنگ تحمیلی و بمباران مدام شهرها و تخریب مراکز صنعتی که بیشتر در مناطق شهری فعالیت میکردند میزان اشتغال در مناطق شهری نسبت به

مناطق روستائی پائین تر بوده است. در این سال میزان اشتغال کشور در مناطق شهری حدود ۸۵ درصد و در روستاها حدود ۸۷ درصد جمعیت فعال بوده است (شاخصهای اقتصادی و اجتماعی زنان در جمهوری اسلامی - ۱۳۷۴).

صرفنظر از حوادثی مانند جنگ مشکلی که از لحاظ کیفی در آمار و ارقام مربوط به اشتغال ملاحظه میشود و مشکل اغلب کشورهای توسعه نیافته می باشد عدم انطباق آن با واقعیت های اجتماعی است.

در مسئله بیکاری شاخص کل آن در زنان و مردان محاسبه میشود و حال آنکه تفکیک زنان از مردان در مسئله بیکاری به خصوص در سن ۲۰ تا ۳۰ سالگی یک ضرورت است. چون در این سنین بیکاری مردان به لحاظ اجتماعی یک مشکل عمده است و باید با حساسیت مورد توجه قرار گیرد. در حقیقت در جوامعی که غالباً تامین زندگی با مردان است با توجه به اینکه زنان تا قبل از ازدواج وابسته به خانواده هستند مشکلی ایجاد نمیشود ولی اگر مرد کار نکند نه تنها احساس سرباری میکند بلکه تشکیل خانواده را به تأخیر می اندازد و اگر مسئولیت خانواده را هم به عهده داشته باشد مسئله حادث تر میشود. با توجه به این مطالب میزان بیکاری زنان بطور طبیعی بیشتر از مردان است و در روستاها که سنتی تر هستند باز هم بیشتر است. در سال ۷۵ حدود ۱۲/۵ درصد زنان شهری در مقابل ۸ درصد مردان شهری جویای کار بوده اند.

۱-۱-۲- فعالیت اقتصادی زنان

با استفاده از نتایج سرشماری های ۷۵ - ۱۳۵۵ ، میزان مشارکت اقتصادی زنان در قالب فعالیت اقتصادی به مفهوم جمعیت شناختی آن را در سطح کل کشور، به منظور اختصار مطلب ملاحظه می کنیم.

جدول ۱. نرخ فعالیت زنان در گروه های سنی فعال در کل کشور
 ۱۳۷۵ - ۱۳۵۵ (ارقام به درصد)

سن	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵
۶ - ۹	-	۰/۴	-
۱۰ - ۱۱	۷/۸	۲/۸	۲/۹
۱۲ - ۱۴	۱۲/۹	۵/۶	۲/۹
۱۵ - ۱۹	۱۵/۷	۹/۴	۸/۶
۲۰ - ۲۴	۱۷/۹	۱۲	۱۳/۲
۲۵ - ۲۹	۱۶/۱	۱۱/۱	۱۴/۱
۳۰ - ۳۴	۱۴/۱	۱۱/۱	۱۲/۹
۳۵ - ۳۹	۱۲/۸	۹/۴	۱۳/۱
۴۰ - ۴۴	۱۱/۷	۷/۷	۱۲/۹
۴۵ - ۴۹	۱۰/۹	۶/۲	۱۰
۵۰ - ۵۴	۹/۷	۵/۴	۷/۲
۵۵ - ۵۹	۸/۱	۴/۷	۵/۵
۶۰ - ۶۴	۶/۶	۴/۱	۴/۴
۶۵ /+	۴/۵	۲/۸	۲/۷

مأخذ: سرشماری های نفوس و مسکن. مرکز آمار ایران ۱۳۵۵/۶۵/۷۵

ارقام نشان میدهد که در فاصله بیست سال (۷۵ - ۱۳۵۵) درصد فعالیت زنان عموماً در تمامی گروه های سنی سیر نزولی داشته است. اگر وضعیت فعالیت زنان را در دو سرشماری ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ مقایسه کنیم، به روشنی ملاحظه می کنیم که افت شدیدی در گروه های سنی وجود دارد و شاید بتوان این کاهش را، نتیجه شرایط خاص اقتصادی - سیاسی دوران جنگ دانست. اما از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ گرچه افزایش نسبی در ارقام مشاهده میشود، ولی فقط در برخی گروه های سنی کمابیش محسوس است. اما در سایر گروه ها چنین نیست و تناسبی بین افتی که در دهه ۶۵ - ۱۳۵۵ پیش آمده و بهبود نسبی که در دهه ۷۵ - ۱۳۶۵ صورت گرفته مشاهده نمی شود. نیازی به گفتن نیست که شرایط اقتصادی ناشی از دوران جنگ و سال های پس از آن از یک سو و افزایش پرشتاب جمعیت در سال های قبل از جنگ و سال های بعد که آثار آن در دهه ۶۵ - ۷۵ ظاهر شده، از سوی دیگر، زمینه ساز این وضعیت است. حال نسبت بین شاغل - بیکار را در این سه سرشماری در مقایسه هم قرار می دهیم.

جدول ۲. نسبت های شاغل - بیکار زنان در سرشماری (۷۵-۶۵-۱۳۵۵) کل کشور

سن	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵
۶-۹	-	-	-
۱۰-۱۱	۷/۳	۱	۲/۶
۱۲-۱۴	۷	۱/۹	۲/۶
۱۵-۱۹	۵/۱	۱/۱	۲/۲
۲۰-۲۴	۵/۹	۱/۶	۳/۳
۲۵-۲۹	۶/۴	۷/۸	۹/۵
۳۰-۳۴	۵/۴	۱۴/۲	۲۰
۳۵-۳۹	۴	۱۹/۱	۴۰
۴۰-۴۴	۳/۵	۱۹	۵۵
۴۵-۴۹	۳/۱	۱۶/۱	۵۱
۵۰-۵۴	۳/۴	۱۲/۶	۳۴
۵۵-۵۹	۳/۴	۱۲/۸	۲۸
۶۰-۶۴	۴/۵	۸/۲	۲۳
۶۵ /+	۴/۸	۱/۹	۱۰/۵

مأخذ: سرشماری های نفوس و مسکن. مرکز آمار ایران ۱۳۵۵/۶۵/۷۵

این ارقام نشان می دهد که مثلاً در گروه سنی ۲۴ - ۲۰ در سال ۱۳۵۵، به ازای هر ۵/۹ نفر فرد شاغل، یک نفر بیکار در جستجوی کار وجود داشته است. و همچنانکه ملاحظه می شود، از گروه سنی ۲۹ - ۲۵ به بعد، این نسبت هم در دو سرشماری ۶۵ و ۷۵ افزایش قابل ملاحظه ای را نشان می دهد. در سال ۱۳۷۵، بالاترین رقم، در گروه سنی ۴۴ - ۴۰ است که نشانگر این است که به ازای ۵۵ نفر زن شاغل، یک نفر بیکار متقاضی کار وجود داشته است. صرف نظر از نوع کار چه از لحاظ اقتصادی و چه اجتماعی، قرائن حاکی از بهبود وضعیت برای کسب موقعیت ها و امتیازات اقتصادی است. آنچه گفتنی است، این است که با محاسبه نرخ باسوادی زنان در سال ۱۳۷۵، ضریب همبستگی قوی: $V = ۰/۷۲$ به دست آمده، به این معنی که با یک رابطه مستقیم، هر قدر نرخ باسوادی رو به افزایش بوده، نرخ فعالیت نیز، بالا بوده است و به این ترتیب عامل سواد و برخورداری از تحصیلات در سطوح مختلف، موقعیت مناسبی را برای کسب موقعیت های اقتصادی پدید آورده است.

ولی این نکته نیز باید اضافه شود که تفاوت های قابل توجهی بین مناطق شهری و روستائی در سطح کشور وجود دارد، به گونه ای که نسبت باسوادی - بی سوادی در شهر و روستا در گروه های سنی حتی به ۵ برابر اختلاف می رسد:

جدول ۳. نسبت های باسوادی - بی سوادی در شهر و روستا بر حسب سرشماری ۱۳۷۵

روستا	شهر	سن
۱۰	۴۹/۱	۱۱ - ۱۴
۶/۳	۳۲/۱	۱۵ - ۱۹
۳/۵	۱۵/۳	۲۰ - ۲۴
۱/۸	۸/۵	۲۵ - ۲۹
۱	۵/۳	۳۰ - ۳۴
۰/۵	۳/۳	۳۵ - ۳۹
۰/۳	۲/۱	۴۰ - ۴۴
۰/۱	۱/۳	۴۵ - ۴۹
۰/۱	۰/۸	۵۰ - ۵۴

سرشماری نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران - ۱۳۷۵

از الگوهای مشخصی که در مورد نرخهای مشارکت نیروی کار در کشورهای مختلف در حال توسعه از جمله ایران مشاهده میشود این است که نرخ مشارکت نیروی کار زنان و مردان در سنین پائین در حال کاهش است. در واقع این روند با گسترش نظام های آموزشی همبستگی بسیار قوی دارد (یعنی همانطور که دیده شد تعداد دانش آموزان در سال های پایان متوسطه و دانشجویان افزایش چشمگیر یافته است و در این دوره هزینه زندگی و تحصیل با خانواده بوده است).

دیگر علل این کاهش عبارتند از:

- علاقه مندی زنان جوان به تربیت فرزندان در خانه
- کاهش فعالیت بسیاری از کارخانه ها و مؤسسات بخش خصوصی در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

در سال ۱۳۷۰ برپایه آمارگیری جاری جمعیت زنان ۱۵ ساله و بالاتر، ۱۵ میلیون نفر بوده اند که از این تعداد ۱/۴ میلیون نفر فعالیت اقتصادی داشته اند.

در شرایط کنونی ایران طبق داده های آماری تنها ۹ درصد از زنان به مشاغل رسمی اشتغال دارند. از جمعیت ۶۴ میلیون نفری ایران حدود ۴۹ درصد زنان و ۵۱ درصد مردان است. جمعیت بالغ و در سن فعالیت در ایران ۳۶ میلیون نفر است که حدود یک میلیون نفر آنان از کار افتاده است. در میان زنان در سن فعالیت یعنی ۱۷/۶ میلیون نفر فقط ۶۴۰ هزار نفر به طور رسمی شاغل هستند (حجازی ۱۳۷۶). مطابق آمار ارائه شده در گزارش ملی زنان در سال ۱۳۷۴ از کل ۱۵ میلیون زن و دختر بالاتر از ۱۵ سال تنها ۱/۱ میلیون نفر و یا ۷/۶ درصد شاغل بوده اند. (فلاح ۱۳۷۵)

شایان ذکر است که بسیاری از فعالیت هایی که زنان ایرانی به طور داوطلبانه در خانه انجام میدهند جنبه اقتصادی داشته و کمک به درآمد و کاهش مخارج خانواده دارد، لیکن با توجه به شیوه فعلی آمارگیری به عنوان اشتغال محسوب نشده است.

۲-۱-۲- اشتغال زنان

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همچنانکه برای نقش مادری زن و سهم حساس وی در بقاء و گرمی کانون خانواده، ارزش و اهمیت فراوان قائل است، اشتغال زنان و فعالیت اجتماعی اقتصادی ایشان را نیز مهم و سودمند تلقی کرده است. در دیباچه قانون اساسی ایران آمده است که زن ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پرارج مادری در پرورش انسانهای مکتبی پیشاهنگ، و خود هم‌رزم مردان در میدان فعال حیات میباشند و در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود. سیاستهای اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی سیاستهای حمایتی جهت گسترش مشارکت زنان در صحنه های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را تبیین نموده است.

در قانون کار جمهوری اسلامی ایران نیز ضمن توجه به کلیه توصیه نامه های بین المللی در مورد زنان کوشش شده است که به لحاظ اهمیتی که اسلام برای نقش زن در خانواده قائل است، مقررات مربوطه طوری تهیه شوند که زنان ضمن اشتغال در مشاغل مختلف بتوانند به وظایف مهم خود در خانواده عمل کنند. در قانون مزبور به خصوصیات روحی و جسمی زن نیز توجه شده است که این توجه در موادی از قانون کار بازتاب دارد. برای نمونه قوانین مربوط به اشتغال در بخش قوانین بیان شده است. در بخش خصوصی نیز زنان شاغل، تحت حمایت و پوشش قانون تامین اجتماعی قرار دارند و وجوه خاص قانونی برای آنان در نظر گرفته شده است.

۳-۱-۲- اشتغال زنان در گروه های عمده شغلی

مطابق سرشماری سال ۱۳۵۵، از جمعیت ۹/۲ میلیون نفری زنان ۱۵ سال و بالاتر کشور یک میلیون نفر، یعنی ۱۱/۱ درصد جمعیت مزبور شاغل بوده اند. در سال ۱۳۶۵ از ۱۳ میلیون زن ۱۵ ساله و بیشتر ۹۰۲ هزار نفر - معادل ۶/۸ درصد جامعه آماری مورد نظر - شاغل گزارش شده اند و در آمارگیری جمعیت سال ۱۳۷۰ جمعیت ۱۵ ساله به بالای زنان ۱۵ میلیون تن برآورد شده است که ۱/۱ میلیون نفر آنها (۷/۶ درصد) شاغل به حساب آمده اند.

در سال ۱۳۵۵، نسبت زنان شاغل در گروه عمده شغلی علمی، فنی و تخصصی، ۱۳ درصد و در سال ۱۳۶۵، ۳۲/۸ درصد و در سال ۱۳۷۰، ۳۹/۷ درصد بوده است. در سال ۱۳۷۰ در این گروه ۴۵۷ هزار زن ۱۵ ساله و بیشتر به کار اشتغال داشته اند که معلمان و مدرسان زن با ۶۷/۲ درصد، پزشکان و داروسازان و ماماها و پرستاران با ۱۳/۱ درصد و حسابداران با ۲/۵ درصد بیشترین شاغلان گروه در سال ۱۳۷۰ بوده اند (گزارش ملی وضعیت زنان در جمهوری اسلامی - دفتر امور زنان ریاست جمهوری - ۱۳۷۴).

۴-۱-۲- تنوع اشتغال زنان در فعالیت های گوناگون

زنان شاغل در بخش خدمات در سال ۱۳۵۵، ۳۱۷ هزار نفر ثبت شده است که این رقم در سال ۱۳۶۵، حدود ۴۴۸ هزار و در سال ۱۳۷۰ به بیش از ۶۵۰ هزار نفر افزایش یافت. بنابراین ظرف مدت پانزده سال، حدود ۳۳۰ هزار فرصت شغلی تازه برای زنان در این بخش به وجود آمده است. بیشترین شاغلان زن در بخش خدمات (حدود ۹۲ درصد) در گروه خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی فعالیت داشته اند. گفتنی است که از ۶۰۹ هزار نفر زن شاغل در گروه اخیر در سال ۱۳۷۰، زنان شهرنشین ۵۵۴ هزار شغل را در اختیار داشته اند و سهم زنان روستائی از این میان، تنها ۵۵ هزار شغل بوده است.

ماهیت مشاغل زنان این گروه شغلی، که فعالیتهای مربوط به خدمات درمانی، بهداشت و آموزش را نیز در برمیگیرد، به گونه ای است که میتواند در کند کردن یا شتاب بخشیدن به روند مهاجرت روستائیان به شهرها، بسیار مؤثر باشد. بنابراین لازم است توازن و تعادل اینگونه مشاغل در تصدی زنان، در شهرها و روستاها مورد توجه قرار گیرد.

میزان اشتغال زنان در گروه عمده فعالیت های کشاورزی، دامپروری، شکار، جنگلداری ماهیگیری در خلال سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ و سپس تا ۱۳۷۰، فراز و فرودی بدین شکل داشته است که در سال اول ۱۸/۸ در سال دوم ۲۶/۶ و در سومین مقطع آمارگیری، ۱۳ درصد را نشان میدهد.

در فاصله پنج سال از ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۷۰، زنان تقریباً ۱۰۰ هزار فرصت شغلی در این گروه را از دست داده اند. البته افزایش امکانات تحصیل و راغب شدن مردم به ویژه روستائیان به گسیل دخترانشان به مدارس و نتیجتاً ترک مزارع توسط دختران را به عنوان دلیلی در این مورد باید مطمع نظر قرار داد.

عدم تمایل روستائیان به اعلام اشتغال زنان و اصولاً شاغل نشناختن زنان روستایی از سوی خانواده را میتوان دلیل عمده برای کاهش سطح اشتغال زنان در آمارگیری ها دانست. متأسفانه شیوه های فعلی آمارگیری میزان اشتغال زنان در کارهای کشاورزی و جانبی را دقیقاً معین و معلوم نمیکند و بسیاری از کارهای زنان، همچون قالی بافی و صنایع دستی، میوه خشک کنی، شیردوشی و پخت نان و جزء وظایف خانه داری محسوب میشود و اشتغال به حساب نمی آیند. با اقدامات اخیر سازمان تأمین اجتماعی و تسری پوشش بیمه بر قالی بافان در آینده این افراد نیز در شاخص های اقتصادی و آماری جایگاه خود را خواهند یافت.

زنان شاغل در بخش صنعت - که فعالیت های مربوط به استخراج معادن، آب و برق و گاز ساختمان و صنعت به معنای خاص را شامل میشود - در سال ۱۳۵۵، متجاوز از ۶۵۰ هزار نفر و در سال ۱۳۶۵، بالغ بر ۲۲۳ هزار نفر بوده اند. رقم اخیر در سال ۱۳۷۰ به ۳۱۷ هزار نفر افزایش یافته است. همچنان که مشهود است، تعداد شاغلان زن در سال ۱۳۶۵ به نسبت مقطع اول در بخش صنعت کاهش و سپس در مقطع سوم آمارگیری افزایش داشته است. زنان در سال ۱۳۵۵ نزدیک به ۳۸ درصد اشتغال در بخش صنعت را به خود اختصاص داده بودند، در حالی که در سال ۱۳۷۰ این میزان به ۱۵ درصد تنزل کرده است.

همچنانکه از مقایسه ارقام میتوان دریافت، از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ جمعیت زنان شاغل ایران کاهش داشته و سپس تا سال ۱۳۷۰ روبه افزایش می باشد.

بررسی سبب ها در این مورد نشان میدهد که:

۱- در طول مدت جنگ تحمیلی (۱۳۶۷ - ۱۳۵۹) و در فاصله کوتاه خاتمه آن تا سال ۱۳۷۰، افزایش میزان بیکاری به طور کل برای زنان و مردان (به ویژه در مناطق شهری) قابل رؤیت است که ناشی از ویرانی و یا رکود برخی از کارخانه ها و مهاجرت از مناطق جنگی میباشد.

۲- تغییر تعریف شهر، تبدیل برخی از روستاهای بزرگ به شهر و افزایش میزان شهرنشینی (از ۴۷ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۵۷ درصد در ۱۳۷۰) موجب شد که بسیاری از زنان فعال در کشاورزی و دامداری و صنایع روستایی به زنان خانه دار- که به نادرست غیرفعال محسوب می شوند - مبدل شوند.

۳- افزونی گرایش خانواده ها برای تحصیل دختران به خصوص در روستاها، و در نتیجه کم شدن تعداد دختران و زنان در کارخانه ها و کارگاهها و مزارع و بیشتر شدن آنان در مدارس و علاقه مندی زنان جوان به تربیت فرزند در خانه را از عوامل این کاهش میتوان برشمرد.

۴- تغییر در مفاهیم و تعاریف مربوط به اشتغال در سه مقطع یاد شده سرشماری را نیز از دیگر علل افت آمار اشتغال زنان میباشد.

۵-۱-۲- وضع عمومی اشتغال زنان

بررسی اطلاعات نشان میدهد که بیشترین تعداد شاغلان زن در گروه حقوق بگیر و مزدبگیران جا گرفته اند. در سال ۱۳۷۰ تقریباً ۶۰ درصد زنان شاغل در کل کشور و ۸۳/۳ درصد زنان شاغل شهری، حقوق ماهیانه یا دستمزد می گرفته اند.

بعد از گروه فوق کارکنان مستقل بالاترین نسبت را دارا هستند (۲۰/۹ درصد) نسبت اشتغال زنان در گروه کارکنان مستقل در سال ۱۳۷۰، نسبت به سال ۱۳۵۵ دوبرابر شده و از ۱۰/۸ درصد به ۲۰/۹ درصد رسیده است. پس از این گروه کارکنان فامیلی بدون مزد قرار دارند که نسبتشان از ۴۰/۹ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۱۲ درصد در سال ۱۳۷۰ کاهش یافته است و علت آن را باید در تغییر الگوی معیشتی و کنشهای اقتصادی خانواده در سالهای اخیر جستجو کرد، که افراد خانواده عمدتاً به شغل های مستقل روی آورده اند (گزارش ملی وضعیت زنان - دفتر امور زنان).

۶-۱-۲- اشتغال در بخش دولتی

براساس آمارهای موجود در سال ۱۳۷۰ جمعاً ۲/۰۸ میلیون نفر در بخش دولتی به کار اشتغال داشته که ۵۳۲ هزار نفر ایشان را زنان شامل میشده اند. بررسی آماری نشان میدهد که تعدد

کارکنان زن در بخش دولتی از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰ نزدیک به دو برابر شده است. در سال ۱۳۷۲ جمعا ۱/۷۹ میلیون نفر در بخش دولتی مشغول بکار بوده اند که ۶۰۳ هزار نفر آنان را زنان تشکیک می‌داده اند که این نشانه توجه دولت به استفاده از خدمات زنان در دستگاه های دولتی است. نکته قابل توجه اینکه در بخش دولتی بیشتر زنان در مشاغل تخصصی تر به کار گرفته شده اند.

بیشترین تعداد زنان یعنی ۴۳/۸ درصد آنان، در وزارت آموزش و پرورش اشتغال به کار داشته اند و وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی با استفاده از خدمات ۴۰ درصد از آنان در مرحله دوم قرار دارد. کمترین میزان استفاده از خدمات زنان مربوط به وزارت خانه هایی با وظایف فنی و صنعتی مانند وزارت نیرو، صنایع، معادن و فلزات و امثال آنها بوده است (کمتر از ۵ درصد). در حال حاضر ۳۳/۶ درصد زنان شاغل در بخش دولتی دارای مدرک فوق دیپلم و بالاتر هستند این رقم در سال ۱۳۵۷، ۱۹/۵ درصد بوده است.

۷-۱-۲- اشتغال در بخش خصوصی

بر اساس آمار موجود در سال ۱۳۷۲ جمعا ۳۵۳۹۶۴۰ نفر شاغل در بخش خصوصی و تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی بوده اند که ۲۳۶۶۵۸ نفر از ایشان را زنان تشکیل می‌داده اند، این تعداد در مقایسه با ۱۰۹۱۱۹ زن بیمه شده در سال ۱۳۶۲، ۱۲۷۵۳۹ نفر افزایش داشته و نسبت به ۸۸۲۶۳ نفر بیمه شده زن در سال ۱۳۵۸ نیز ۱۴۸۳۹۵ نفر افزایش را نشان میدهد (شاخصهای اجتماعی و اقتصادی زنان در جمهوری اسلامی - ۱۳۷۴).

۸-۱-۲- ویژگی های اشتغال زنان

مردان از زمانی که وارد بازار کار میشوند معمولا تا هنگام بازنشستگی در نیروی کار باقی می‌مانند و مشارکت آنان تقریبا تحت تأثیر مراحل سیکل زندگی نیست. مثل سطح آموزش، وضعیت خانوادگی (تجرد یا تأهل، طلاق، داشتن و نداشتن فرزند) و محل اقامت، در صورتی که مشارکت زنان ناپیوسته و قطعه قطعه است. آنها بارها در طول زندگیشان وارد بازار کار شده و الگوی مشارکت آنها تحت تأثیر تغییرات در زندگیشان است مانند وضعیت تأهل، تعداد بچه ها و غیره. معمولا کسانی که فعالیت اقتصادی منظمی دارند زنانی هستند که یا تحصیلات عالی دارند و یا ازدواج نکرده اند و یا در صورت ازدواج فرزندی ندارند و اغلب در مشاغلی هستند که تداوم نقش خانه آنهاست مثل تدریس پرستاری و غیره. نظریات طرفداران حقوق اجتماعی زنان نشان میدهد

که چگونه موقعیت زنان در بازار کار بخشی از سیستم جامع اجتماعی است که زن در آن مقام پائینتری دارد. طرح نظریات آنان ما را به ریشه های عمیق اجتماعی نابرابری جنسی در بازار کار متوجه میسازد. مدت طولانی برای ارتقاء زنان شاید به دلیل تعهدات خانوادگی آنها باشد به ویژه تعهدات مربوط به فرزندان جوان که زنان برای رسیدگی به آنها ناچارند از بسیاری از امکانات چشم پپوشند و همین مسأله آنها را در انتخاب دپارتمان های خوب و بهتر مختار می کند.

البته در این میان نباید نقش امکانات مناسب و تأمین اجتماعی را برای زنان نادیده گرفت. در غرب تسهیلاتی مانند مهد کودکهای وسیع و مجهز با مربیان دوره دیده و انواع مؤسسات آموزشی و پرورشی با شهریه های متناسب، انواع غذاهای آماده و نیمه آماده سالم با قیمت مناسب (که همه در جهت این است که زن بتواند وقت و انرژی خود را در خانه صرفه جوئی کند) مرخصی های زایمان طولانی تر، کار نیمه وقت با برخورداری کامل از اختیارات شغلی، همکاری و مسئولیت پذیری همسر در کارهای منزل و نگهداری از فرزندان، قوانین مدون و نامدون مدنی و اجتماعی حمایت کننده از زن (البته تا سقف ارزشهای عقیدتی خودشان) وسایل رفاهی مدرن، سرویس های ایاب و ذهاب سریع و ارزان و..... زن کار زیادی در خانه ندارد که انجام دهد و به سهولت میتواند در صورت تمایل به یک کار مؤثر در اجتماع بپردازد و حتی در زندگی زناشوئی به این وسیله احساس رضایت بیشتری کند (زنان در بازار کار ایران - مهرانگیز کار - ۱۳۷۳).

بخش دوم

۲-۲- موانع اشتغال زنان

نگاهی به روند اشتغال زنان در ایران نشان دهنده این نکته است که میزان عمومی فعالیت زنان با کاهش همراه بوده است، و این کاهش هر ساله سیر نزولی به خود می‌گیرد. نگاهی به آمار و ارقام سرشماری‌های موجود نیز حاکی از آن است که علیرغم رشد جمعیت زیاد زنان در ایران میزان زنان فعال در این مجموعه با کاهش مواجه بوده و می‌توان گفت از هر صد زن ده ساله و بالاتر تقریباً ۹۱ زن هیچ نقشی در فعالیت اقتصادی ایفا نمی‌کنند و صاحب درآمدی نیستند و از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۶۵ حدود ۹/۷ درصد از میزان فعالیت عمومی زنان به طور مطلق کاسته شده است.

علاوه بر کاهش مشارکت زنان در فعالیت‌های بخش دولتی، میزان اشتغال زنان در بخش خصوصی نیز رو به افول بوده است و به طور متوسط هر ساله حدود ۶ درصد از اشتغال زنان در این بخش کاسته شده است.

علاوه بر آن نگاهی به توزیع اشتغال زنان در بخش‌های مختلف جامعه نیز حاکی از آن است که رسته شغلی آموزشی، فرهنگی دارای بیشترین میزان اشتغال زنان است. در خلال سال‌های اخیر به دلیل کم‌توجهی به مسائل اشتغال زنان بیکاری آنها روندی صعودی داشته است. به طوری که از ۱۶/۳ درصد در سال ۵۵ به ۲۵/۴ درصد در سال ۱۳۶۵ رسیده است.

بنابراین نکته‌ای که به طور کلی می‌توان استنتاج و تفسیر کرد، این است که در جامعه ما علیرغم تأکید بر اشتغال زنان و جلب مشارکت آنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه، هنوز در ارتباط با تحقق این امر موانع و مشکلات و تنگناهای ساختاری وجود دارد که می‌توان آنها را به این شرح تقسیم بندی کرد.

الف - موانع اقتصادی

- ۱- رکود اقتصادی سال‌های انقلاب و جنگ
- ۲- تأکید بر ویژگی‌ها و نقش‌های غیراقتصادی زنان
- ۳- اجتناب بخش خصوصی از سرمایه‌گذاری در کارهای اشتغال‌زا
- ۴- عدم تنوع یا کم‌تنوعی فرصت‌های شغلی برای زنان
- ۵- بالا بودن هزینه نیروی کار زنان برای کارفرمایان
- ۶- صاحب سرمایه نبودن زنان

ب - موانع اجتماعی

- ۱- بی سواد و پایین بودن سطح سواد
- ۲- تبعیض در نمود زن در بسیاری از کتب آموزشی
- ۳- تبعیض در نمود زن در سینما و نمایش ها
- ۴- تفاوت و تبعیض در فرآیند اجتماعی شدن زن و مرد در جامعه
- ۵- ازدواج در سنین پایین
- ۶- سنگینی وظایف مربوط به خانه داری

ج - موانع فرهنگی

- ۱- طرز تلقی و نگرش جامعه نسبت به وظایف زنان
- ۲- تاکید بر فعالیت های خانه داری و انزوای اجتماعی زن
- ۳- وجود سنت ها ، باورها و نگرش های خاص در خانواده ها
- ۴- وجود فرهنگ مردسالاری
- ۵- تبعیض ایستارها و طرز نگرش جامعه به زنان

ه - موانع سیاسی

- ۱- عدم وجود نهادهای سیاسی مشارکتی
- ۲- کمی شانس زنان در کسب مقامات دولتی
- ۳- ساختار قدرت و نقش های سیاسی

و - موانع بیولوژیکی

۱-۲-۲- موانع اقتصادی موجود در زمینه اشتغال زنان

معمولا امروزه میزان مشارکت و اشتغال، یکی از شاخص های نوسازی اقتصاد ملی و توسعه اقتصادی به حساب می آید و میزان و نحوه مشارکت اقشار مختلف در فعالیت های اقتصادی تعیین کننده یکی از عوامل و شاخص های توسعه است. با این ضرورت و الزام اقتصادی اشتغال و

مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی همواره در تاریخ جوامع بشری مطرح بوده و لیکن هنوز در کشور ما تعادل مطلوب و قابل قبولی در این زمینه بین زنان و مردان در فعالیتهای مختلف ایجاد نشده است. یکی از دلایل این عدم تعادل و کاهش سهم زنان را می توان روند منفی توسعه در سال های اخیر ذکر کرد. این روند منفی موجب شده یا میزان اشتغال زنان در بسیاری از مشاغل حذف و یا به میزان پایینی کاهش داده شود. رکود اقتصادی سالهای انقلاب و جنگ تغییراتی را در کل سیستم اقتصادی کشور به وجود آورد که منجر به دگرگونی هایی در بازار کار گردید. این رکود و تغییرات، امکان تولیدات صنعتی و اشتغال مولد را با محدودیت هایی روبرو ساخت و به تبع آن اشتغال زنان نیز در مجموع دچار تغییرات کمی و کیفی شد. شرایط اجتناب ناپذیر دوران جنگ بسیاری از فعالیت ها و سرمایه گذاری های کشور را به صورت موجی بزرگ به سوی پیشبرد اهداف دفاعی سوق داد. موجی که حیطة ای برای مشارکت اقتصادی زنان باقی نمیگذاشت.

با نگاهی به ویژگی صنعت و وضعیت توسعه اقتصادی می توان گفت که رونق و رکود اقتصادی تاثیر بسزائی در میزان اشتغال دارد. از اینرو زمانی که درآمد سرانه ایران در سال ۱۳۲۸ از ۲۰۰ دلار به ۵۰۰ دلار در نیمه دهه ۱۳۵۰ افزایش یافت، میزان استخدام زنان از ۹/۲ درصد کل جمعیت به ۱۱ درصد رسید که این استخدام بیشتر در بخش صنعتی و کشاورزی و خدمات بوده است. علاوه بر آن آمارهای مربوط به سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ نیز بیانگر این نکته است که میزان اشتغال تا سال ۱۳۵۵ روندی افزایشی داشت و تنها در دهه ۵۵-۵۶ است که این میزان کاهش نشان میدهد. و در طی این مدت حدود ۹/۷ درصد از میزان فعالیت عمومی زنان بطور مطلق کاسته شده است. و تعداد زنان شاغل از ۱/۲ میلیون نفر به ۹۷۵ هزار نفر کاهش پیدا کرده و نسبت اشتغال زنان از ۱۳/۸ درصد کل اشتغال به ۸/۹ درصد رسیده است که بطور متوسط در هر سال ۲۳/۷ هزار نفر زن از حیطة اشتغال کنار رفته اند.

- تاکید بر ویژگی ها و نقش های غیراقتصادی زنان، همراه با اجتناب بخش خصوصی از سرمایه گذاری در کارهای اشتغال زا، فشار را بر بخش عمومی درجایی که ضرورت ها ایجاب میکرد، بیشتر کرده و موجب ایجاد یک نوع ساختار شغلی خاص برای زنان شده که محدوده آن از دو یا سه نوع حرفه و شغل شاید فراتر نرود.

این امر با نگاهی به آمار موجود بیشتر واضح است. در سالهای ۵۵ تا ۶۵ به طور متوسط در هر سال ۶ درصد کاهش در میزان اشتغال زنان در بخش خصوصی و ۱۱ درصد کاهش در اشتغال مزد و حقوق بگیری آن وجود داشته است. از آنجا که یکی از آسیب پذیرترین گروههای شغلی، زنان شاغل در هر مجموعه می باشند، در مقابل هرگونه نوسان بازار کار، اولین کسانی که از صحنه خارج میشوند زنان هستند و دراینباره میتوان به تعطیلی، ورشکست شدن و رکود تولید در بسیاری موسسات بخصوص کارخانجات بخش خصوصی اشاره کرد که اولین کارکنان اخراجی آنها را زنان

تشکیل می دادند. به طوری که از کل شاغلان بخش خصوصی که در سال ۵۵ حدود ۱۳/۵ درصد آنها را زنان تشکیل میدادند در سال ۶۵ به ۷ درصد رسیده است.

کم تنوعی فرصت های شغلی برای زنان پدیده ای است که در مورد کلیه تقسیم بندی های شغلی در سطح کلان و در زیر بخش های (بخش خصوصی و عمومی) منطقه ای (شهری و روستایی) و بخش مدرن و سنتی و دیده می شود. که جدای از مرزبندی های مرئی و نامرئی به انگیزه ها و تفکرات خود زنان و توقع آنان از شغل نیز برمی گردد. عرف جامعه، شغل های محدودی را برای زنان ایجاد و تشویق میکند که به هر حال دامنه گسترش محدودی دارند که از کل زنان شاغل ۲۵ درصد معلم و مدرس، ۲۳/۵ درصد بهره بردار کشاورزی، ۱۸ درصد ایفاکار و بافنده و کشفاف هستند و بقیه ۳۲/۵ درصد که کمتر از ثلث زنان شاغل هستند در بقیه گروه های شغلی پراکنده اند.

بنابراین ساختار اقتصادی بحرانی در طول چندین سال گذشته و اجتناب بخش خصوصی در جذب و استخدام زنان جویای کار یکی از علل کاهش اشتغال زنان و مانع افزایش آنان بوده است.

- بالا بودن هزینه نیروی کار برای کارفرمایان

هرگاه هزینه کارگر زن زیاد باشد این امر سبب ترجیح کارگر مرد می شود و این خصوصیت در مورد جهان سوم صادق است. میزان باروری زیاد در کشورهای جهان سوم و در نتیجه افزایش میزان مرخصی زایمان از یک طرف و جایگزینی نیروی کار دیگر در هنگام مرخصی زایمان و پرداخت مزد زن در دوران مرخصی زایمان از جمله دلایلی است که موجب شده تا زنان شانس کمتری در مقایسه با مردان در احراز مشاغل داشته باشند. این مسئله بخصوص در بعضی از کشورها که هزینه ایجاد مهد کودک نیز برعهده کارفرماست سبب استخدام کمتر زنان میشود. لذا در بسیاری از کشورهای جهان سوم که باروری در سطح بالائی قرار دارد و کارفرما از هزینه مادری آگاهی دارد رغبت کمتری نسبت به استخدام زنان از خود نشان میدهند.

از طرف دیگر معمولاً این پیشداوری نیز وجود دارد که زنان بیش از مردان غیبت غیرموجه دارند و نیز این تصور که زنان بطور متوسط گرایش به آن دارند که در کار خود ثابت نباشند و مسئولانه با آن برخورد نکنند، سبب میشود که کارفرما اغلب جنس مرد را در استخدام ترجیح دهد.

از جمله موانع اقتصادی دیگر در زمینه مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی، اجتماعی جامعه، صاحب سرمایه نبودن زنان در جامعه است. اغلب به لحاظ قواعد و عرف حاکم بر بسیاری از کشورها از جمله ایران در بسیاری از مناطق حق مالکیت، ارث یا اداره اموال به شکل قانونی یا در عمل از زنان سلب میشود. و لذا در عمل موجب میشود که در بسیاری از مشاغل بخش خصوصی و بازار، زنان امکان راهیابی و ایجاد کارگاهها و بنگاههای تولیدی و را نداشته باشند. چرا که

بسیاری از امور و مشاغل بخش خصوصی مستلزم سرمایه گذاری یا خرید سهام افراد است که به دلایل عدیده فوق زنان از برخورداری از چنین حقوق و توانایی خود به خود محروم میشوند.

۲-۲-۲- موانع اجتماعی

۱- بیسوادی و پائین بودن سطح سواد

آموزش یکی از زمینه های زیربنایی تقویت آگاهی فرد بوده و موجب میگردد تا افق های جدیدی را فراروی او بگشاید. یکی از ابعاد مهم آموزش این است که دامنه فرصتها و دامنه وسیعتری از انتخاب و اختیار را فراروی انسانها میگشاید و بطور کلی آنان را نسبت به اندیشه های نو، پذیراتر کرده و آنان را در انتخاب توانا میکند.

یافته های حاصل از پژوهش نشان می دهد که حتی زنانی که تاحدی از آموزش ابتدائی برخوردارند مدیران توانمندی برای اداره منابع خانه داری بوده و در زمینه فعالیتهای مربوط به تندرستی، بهداشت، تغذیه و تعلیم و تربیت و موجب ارتقاء و بهزیستی خانواده را فراهم می آورند.

علاوه بر آن آموزش و پرورش این امکان را برای زنان فراهم می آورد که بر پیشداوریهای اجتماعی غلبه کنند و سررشته زندگی خود را به دست گیرند و جایگاه و هویتی ورای بچه زایی بیابند و به این طریق در زندگی اجتماعی هرچه بیشتر مشارکت داشته باشند.

عکس این قضیه نیز مصداق دارد که عدم آموزش و پائین بودن سطح آگاهی، دامنه انتخابهای یک زن را محدود میکند و به این ترتیب وابستگی او را به مرد و ماندن وی را در نقش های خانه داری تشدید میکند و او را در خانواده و زندگی عمومی به صورت حاشیه ای درمی آورد. بنابراین بیسوادی به عنوان یکی از موانع و تنگناهای اساسی در مسئله مشارکت و اشتغال زنان محسوب میشود. حتی سایر عوامل و شرایط اجتماعی، اقتصادی، نظیر شغل، تندرستی، کنترل جمعیت و باروری، فاصله گذاری فرزندان، نگرش به مسائل، درک عمومی و اجتماعی، قدرت تحلیل و حل مسائل، استقلال یابی و بالاخره اشتغال و مشارکتهای اجتماعی و اقتصادی، همگی از عامل آموزش و کم و کیف تحصیلات زنان متأثر است و چنانچه شرایطی فراهم شود که این پارامتر تحقق یابد زمینه تحول و ایجاد فرصت های گوناگون فراروی زنان در جامعه گشوده ایم. طبق آمارهای موجود در سال ۱۳۶۵ سطح سواد در بین مردان (۶سال به بالا) ۷۱درصد و در بین زنان (۶سال به بالا) ۵۲ درصد است. که شکاف این میزان در مناطق روستایی به مراتب بیشتر است.

این رقم در مناطق شهری و روستایی نیز گویای شکاف عمیقی است. کل جمعیت زنان با سواد بالغ بر ۹۸۳۵۲۹۹ نفر بوده اند که ۶۵/۸ درصد زنان ۶ ساله و بالاتر در جامعه شهرنشین باسواد و ۳۴/۲ درصد بیسواد میباشند. و در سطح روستاها ۴۶/۶ درصد باسواد و قریب به ۶۳/۴ درصد از زنان بیسوادند. در جامعه عشایری غیر ساکن نیز ۱۰ درصد باسواد و ۹۰ درصد بیسواد هستند.

توزیع جمعیت زنان باسواد و بیسواد در سال ۱۳۶۵
در مناطق شهری، روستایی و عشایری

شرح	زنان باسواد	درصد	زنان بیسواد	درصد
جامعه شهری	۶۷۴۱۹۴۱	۶۵/۸	۳۵۰۰۶۵۴	۳۴/۲
جامعه روستایی	۳۰۸۳۸۹۰	۳۶/۵	۵۳۵۹۴۱۵	۶۳/۵
جامعه عشایری	۹۴۶۸	۱۰	۸۴۶۹۷	۹۰
جمع				

از جمعیت شش ساله و بالاتر زنان در سال ۱۳۳۵، ۸۵ درصد بیسواد بوده اند. این نسبت در سال ۶۵، ۴۷/۶ درصد می باشد. گرچه نسبت جمعیت زنان بیسواد طی سالهای ۳۵ تا ۶۵ به شدت کاهش یافته است. لیکن در جمعیت روستایی نسبت کاهش جمعیت بیسواد آهنگی بطئی و کند داشته است.

ضمناً در تمامی گروههای سنی پیش از نیمی از جمعیت زنان بیسواد هستند. جز در گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله در گروههای سنی بالا نسبت بیسوادی افزایش نشان میدهد. در مورد تحصیلات عالی زنان گرچه نسبت به سال ۳۵ و ۵۵ رشد کمی نشان میدهد. لیکن این رشد نسبت به افزایش جمعیت بطئی و کند است، بطور کلی میتوان گفت که سهم زنان در کارهای تخصصی و عالی بسیار ناچیز بوده، این امر موجب شده تا توزیع کار در میان زنان شاغل که خود درصد کوچکی از زنان را بطور کلی تشکیل میدهند. پائین و در مقایسه با مردان غیر عادلانه جلوه کند. بطوری که مشاغل زنان اغلب غیر تخصصی و ساده بوده و آنان در برنامه ریزی و اجرای طرحها تقریباً دارای نقشی

ناچیز هستند. حتی مقایسه بین میزان باسوادی زنان کشورمان با سایر کشورها نیز نشان دهنده فاصله نسبتاً زیادی است. حتی در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان سوم نیز هنوز ما عقب ماندگی زیادی داریم. از مقایسه آمار میزان بی سوادی زنان ۲۵ سال به بالا در گزارشی که سازمان ملل در همین زمینه از ۱۷۷ کشور منتشر شده است بدست میاوریم که از کشورهای آسیایی فقط در سه کشور میزان بیسوادی زنان ۲۵ سال به بالا از ایران بیشتر بوده است و کشور ایران بیشترین میزان بیسوادی را در میان ۴۸ کشور داشته است. تحصیلات دختران در روستاها بیشتر محدود به دوره ابتدائی بوده و پوشش تحصیلی دختران در روستاها در مقاطع راهنمایی و متوسطه به ترتیب فقط ۲۶/۵ درصد و ۳/۹ درصد است.

پوشش تحصیلی دختران در سطح آموزش متوسطه در کل کشور ۲۲/۴ درصد است که این نسبت در شهرها به ۴۲/۵ درصد میرسد. یعنی در شهرها فقط نیمی از دختران در مدارس متوسط تحصیل میکنند. در سطح آموزش عالی در سال ۶۹-۷۰ فقط ۲۷/۳ درصد از کل دانشجویان کشور را زنان تشکیل میداده اند که به نسبت سال ۶۵-۶۶ که نسبت دانشجویان دختر ۲۹/۲ درصد بوده، روند پذیرش دختران در دانشگاه رشد منفی را نشان میدهد. و این درحالی است که در بسیاری از کشورها مطابق گزارش یونسکو نسبت زنانی که به دانشگاه راه میابند بیشتر از مردان است (زن، علم، صنعت و توسعه - ۱۳۷۴).

۲- تبعیض در نمود زن در بسیاری از کتب درسی

یکی از موانع موجود بر سر راه مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی، اجتماعی جامعه مسئله معرفی و نمود زن در بسیاری از کتب و منابع درسی مقاطع مختلف تحصیلی در جامعه ما است. معرفی و نمود زن در این کتب حاوی یک موجود خانه گزین و خانه نشین است که این مسئله در فرآیند اجتماعی شدن و جامعه پذیری کودکان و نوجوانان دختر در جامعه اثربخشی فراوانی دارد و زمانی که در محتوای این کتب یکسری مشاغل خاص مورد تعریف و تمجید قرار گیرد و انعکاس زنان در فعالیتهای مختلف صرفاً مختص به چند شغل معین باشد، چنین روندی خواه ناخواه از گرایش نوجوانان و جوانان دختر جهت احراز مشاغل در آتی تاثیر به سزائی داشته و دارد.

بررسی مشاغل در کتابهای درسی دوره ابتدائی به تفکیک مشاغل خارج از منزل و مشاغل داخل منزل نشان میدهد که اکثریت قریب به اتفاق مشاغل خارج از کنترل یعنی ۸۹/۷ درصد به مردان و تنها ۱۰/۳ درصد از آنها به زنان اختصاص داشته است. که در مقابل کلیه مشاغل داخل منزل به زنان تعلق مییابد. مقایسه درصد مشاغل در کتابهای مختلف درسی حاکی از آن است که بیشترین

درصد اختلاف بین مشاغل مردان و زنان متعلق به کتب تعلیمات دینی و فرهنگ اسلامی (۱۷/۵ برابر) و کمترین درصد مربوط به کتاب ریاضی (۴/۵ برابر) مربوط میشود (محمد عفتی - ۱۳۷۶).

بررسی نوع مشاغل مردان و زنان در کتب درسی مورد بررسی نشانگر آن است که آموزگاری تنها شغل خارج از منزل برای زنان عنوان شده، در حالی که مشاغل خارج از منزل مربوط به مردان از تنوع به مراتب بیشتری برخوردار بوده است. بطوری که ۲۷ نوع شغل را دربر میگیرد. از جمله مشاغل ذکر شده برای مردان میتوان به مخترع، دانشمند، پزشک نظامی، پاسدار، کشاورز، دامدار، آهنگر، ماهیگیر، راننده، پستیچی، نانوا، نجار و..... اشاره کرد و این در حالی است که براساس داده های سرشماری سال ۱۳۶۵ درصد زنان در مشاغل علمی و فنی در نقاط شهری کل کشور ۶ برابر مردان و در نقاط روستایی درصد زنان در این گروه شغلی تقریباً سه برابر مردان بوده است. به طور مثال بررسی شغل زنان و مردان در کتابهای فارسی دوره ابتدائی حاکی از آن است که درصد مشاغل مردان حدود ۷ برابر درصد مشاغل زنان است. مقایسه درصد مشاغل در پایه های مختلف تحصیلی کتابهای فوق بیانگر آن است که به بالا رفتن پایه تحصیلی از درصد مشاغل زنان کاسته و بردرصد مشاغل مردان افزوده شده است. به طوری که در پایه تحصیلی پنجم صددرصد کل مشاغل مربوط به مردان است.

در ارتباط با کتب درسی دوره راهنمایی هم تنها در سه کتاب درسی (فارسی، دینی و حرفه و فن دختران و پسران) از مشاغل زنان نام برده شده که آن هم درصد ناچیزی از کل مشاغل را به خود اختصاص می دهند. (از حداکثر ۸ درصد در کتاب حرفه و فن دختران تا حداقل ۱/۹ درصد در کتاب تعلیمات دینی)

علاوه بر آن این مشاغل در رده های پائین شغلی مانند دایه، خدمتکار و کودکیار بوده و تنها در چهار مورد شغل پزشکی برای زنان مطرح شده است. به طور کلی آنچه از خلال بررسی محتوای کتابهای درسی به دست آمده حاکی از آن است که در کلیه کتب درسی دوره راهنمایی تنها مشاغلی از قبیل کودکیاری، خانه داری، دایگی مشخصاً به زنان منتسب شده و مشاغل پزشکی، فنی و مهندسی، علمی و تخصصی از قبیل نویسنده، فیزیكدان، طبیب، دانشمند، قاضی تنها برای مردان اختصاص یافته است و محتوای کتب درسی سعی در بازآفرینی نقش های سنتی زنان در گذشته را دارند.

این امر به آن جهت حائز اهمیت است که در شرایط تعارض میان واقعیت اجتماعی و آموخته ها چه انگیزه ای در دختران دانش آموز جهت ادامه تحصیل ایجاد میشود. در حالی که همین دانش آموزان در زندگی اجتماعی خود با زنان بیشماری مواجهند که مشاغل و تخصصهای متفاوت و مسئولیت های حساسی را برعهده دارند و از جمله نماینده مجلس، پزشک، جراح، استاد دانشگاه، محقق، نویسنده و شاعر هستند. مشاغلی از قبیل خانه داری و کودکیاری طبیعتاً بخشی از وظایف

زنان ما را در جامعه تشکیل میدهد ولی تنها اکتفا کردن به ذکر این نوع مشاغل در کتب درسی انگیزه لازم برای دانش آموزان دختر جهت ادامه تحصیل در مراحل بالاتر را ایجاد نمیکند. علاوه بر مطالب فوق در کتب درسی این دوره نه تنها زنان سهم بسیار ناچیزی را نسبت به مردان در عرصه های مختلف اجتماعی - سیاسی به خود اختصاص داده اند بلکه در بعضی از کتب درسی مانند علوم اجتماعی اصلا نامی از زنان برده نشده است. در کتاب حرفه و فن دختران تنها به تدریس دروس آشپزی، خیاطی، گلدوزی اکتفا شده ولی در کتاب حرفه و فن پسران به آموزش رشته های متنوع تر و تخصصی تر پرداخته شده است. بنابراین با چنین روندی و چنین محتوای آموزشی کتابهایی که نقش اساسی در شکل گیری شخصیت کودک و نوجوان ما دارد و در حقیقت او را در ورود به جامعه و اجتماع، جامعه پذیر و اجتماعی میکند، نباید انتظاری بیش از این داشت که دختر نوجوان و جوان فارغ التحصیل از این مدارس بتوانند یا انگیزه ای داشته باشند که مشاغلی در آینده احراز کنند که سایر زنان آنرا انتخاب نکره و یا در عرف و فرهنگ جامعه آن را برای زنان چندان خوشایند میدانند و این مسئله در حقیقت عاملی است که در کلیشه ای ساختن ذهن دختران در انتخاب یک یا چند نوع مشاغل محدود تاثیر بسزائی داشته و دارد (محمد عفتی - ۱۳۷۶).

۳- تبعیض در نمود زن در سینما و نمایش ها

یکی دیگر از جنبه های تبعیض در نقش زنان و معرفی چهره ها و الگوهای زنان، سینما، تئاتر و هنرهای نمایشی است. نگاهی به روند سینما و فیلمها در بسیاری از کشورها از جمله کشور ما مبین این است که نقش زنان همواره در چنین مواردی اغلب محدود در قالبهای کلیشه ای است. زن در سینما هویت و شخصیت اصلی خود را به معنای واقعی دارا نبوده و به طور احسن منزلت اجتماعی اش حفظ نشده است. لذا کمتر فیلمی به چشم میخورد که در آن زنان مقام منبع و موثری داشته و از احترام در خورشان برخوردار باشند.

در تحلیلی حتی اجمالی از سینمای بعد از انقلاب کاملا واضح است که در کل میتوان این فیلمها را به چندگروه تقسیم کرد، گروهی که حضور زن در آن از چند صحنه کوتاه تجاوز نمیکند به طوری که اگر آنها را حذف کنیم هیچ تغییری در شکل داستان حاصل نمیشود و یا گروهی دیگر که کارگردانها از شور و احساس زنانه سوء استفاده کرده و زنان را در قالبی احساساتی پرشور قرار داده تا مستمسکی برای فروش فیلمهایشان باشد.

به طور کلی در اکثر فیلمهای نمایشی زن وسیله ای شده برای تشدید احساسات و ایجاد کشش های عاطفی و اشک برانگیز یا وجودی سطحی، حراف و سخن چین که وجودش یا از نظر زیستی

ضرورت دارد یا برای ایجاد درگیری هایی که استخوان بندی سناریو را از یکنواختی و ملال نجات بخشیده و باعث سرگرمی هرچه بیشتر تماشاچی میگردد.

علاوه بر آن زن در زندگی روی پرده همواره متهم به خواری و ذلت بوده و همواره شخصیتی تحت الشعاع عوامل گوناگون و مخصوصا شخصیت مرد دارد. اغلب مشاغلی که در این صحنه ها به زن داده میشود مشاغلی سطحی، با تاکیدات تام بر چهاردیواری خانه و یا یکسری مشاغلی که همواره در جامعه متداول بوده و هست. امثال معلمی، پرستاری و بنابراین نوجوان دختر نشسته در پای این فیلمها و سریالها نیز چیزی را یاد نمیگیرد جز محصور ماندن وی در یک یا چند حرفه و شغل محدود و یا احراز مهارت فوق العاده در هنرهای خانه داری از قبیل آشپزی، خیاطی و که همواره نهایت آرزوی وی برای غلبه بر آمال و آرزوهای شوی آتی وی خواهد بود. و تا زمانی که شخصیت وی چنین الگوهای رفتاری را بر خود بپذیرد سخن از جلب مشارکت وی در فعالیت های مختلف و متنوع جامعه نیز شعاری بیش نخواهد بود (نشریه زنان - بهمن ۱۳۷۶).

تفاوت و تبعیض در فرآیند اجتماعی شدن زن و مرد در جامعه

در جامعه ما پسر و دختر معمولا از بدو تولد در عرصه های گوناگون جامعه اعم از خانه، مدرسه، در محیط کار و بالاخره در باورهای عمومی با تبعیض روبرو هستند. علاوه بر آن زنان در باورهای عمومی نیز با تبعیض مواجه بوده و هستند. در مقایسه با مردان در جایگاه پائینتری ارزشیابی میشوند و در سلسله مراتب اجتماعی در مرتبتی پائینتر قرار دارند.

دختر از همان اوایل کودکی یاد میگیرد که باید موجودی خموش، گوشه گیر، انزوا طلب و خجالتی باشد. ممنوعیتهای اجتماعی بیشتر شامل حال دختر است تا پسر، لذا بر اثر تلقین این باورها و ارزشهای اجتماعی شخصیت دختر، طوری شکل میگیرد که به سختی میتواند در عرصه فعالیت های اجتماعی، اقتصادی حضور یابد.

دختر بچه از کودکی یاد میگیرد که دیگران در مورد این که او چه کارها و اموری را انجام دهد تصمیم بگیرند لذا سعی میکند مطابق خواست دیگران رفتار و کردار خویش را جهت ببخشد، از اولین دوران شروع حمایت و زندگی به تدریج نقشهایی را برعهده میگیرد که مورد پسند و تحسین جامعه است. جامعه ای که در آن والدین، دوستان، خویشاوندان و هم سن و سالانش از گوشه و کنار برای او تعیین میکنند که چه چیز بایسته زن است و چه اموری شایسته مرد، دختر یاد میگیرد که میبایست چه مشاغلی را در آتی انتخاب و برگزیند تا مورد تحسین و پسند جامعه باشد، مشاغلی همچون معلمی، مامائی، پرستاری و

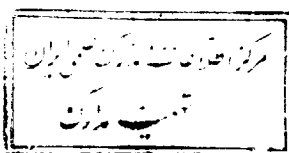
در فرآیند اجتماعی شدن کودک و جامعه پذیری زن در جامعه به او تلقین میشود که خانه داری، تربیت کودکان، یادگیری مهارت های خانگی از قبیل خیاطی، گلدوزی، آشپزی و بچه داری

مهمترین مشاغل و وظایفی است که یک زن میبایست در وهله اول یادبگیرد. یادگیری مهارت ها و وظایفی که ضامن موفقیت او در زندگی زناشویی آینده است تازمانی که چنین نگرشی و طرز تلقی در فرهنگ جامعه ای حکمفرما باشد، مشاغل زنان، تنوع حرف و فعالیت های آنان و بالاخره حضور فعال آنها در کارها و امور با موانع و مشکلاتی مواجه خواهد بود.

ازدواج در سنین پائین

از جمله موانع دیگر در زمینه اشتغال زنان، ازدواج در سنین خیلی پائین و تصمیم گیری والدین برای ازدواج فرزندانشان قبل از رسیدن به سن بلوغ و واگذاری تمامی وظایف خانه به زن است. براساس نتایج حاصله از داده های سرشماری سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ وضعیت ازدواج در ایران حاکی از پیش رسی فوق العاده شدید ازدواج زنان در کل کشور و در سطح شهری و روستائی است. نسبت بالای ازدواج در زنان گروه سنی ۱۹-۱۵ ساله استانهای مختلف که ابعاد آن در استانهای کهگیلویه و بویراحمد به (۵۴درصد) و سیستان و بلوچستان (۴۸درصد)، لرستان (۴۶/۹درصد)، ایلام (۴۴/۶درصد) و میرسد. و به طور کلی در سطح کشور از ۳۴/۳ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۳۳/۵ درصد در سال ۱۳۶۵ یعنی به میزان بسیار ناچیزی کاهش پذیرفته است. در شهرها از ۳۰/۵ به ۳۲/۴ درصد افزایش یافته و در نواحی روستایی از ۳۸ به ۳۴ درصد کاهش داشته است.

علاوه بر آن ازدواج زودرس خود موجب باروری زیاد و افزایش تعداد بچه ها میشود وظیفه نگهداری و مراقبت از آنها را نیز به همراه دارد و گاهی اوقات این امر در تعداد زیادی از زنان موجب دست کشیدن از اشتغال بعد از ازدواج و بچه دارشدن میشود. سنگینی وظایف مربوط به نگهداری و مواظبت از کودکان همراه با انجام امور خانه داری و درعین حال پذیرفتن حرفه و شغلی بیرون از محیط خانه امری است که خود نوعی فشار و تبعیض در روند اشتغال زنان محسوب شده و اغلب منجر به رها کردن شغل بیرون از منزل از سوی زن میشود. این مسئله نیز به عنوان یک مشکل و معضل برای کسانی که خواهان اشتغال هستند و هم برای زنان شاغل مطرح است. در حالی که اگر فرهنگ حاکم بر جامعه این نگرش و باور را در مردان ایجاد کند که آنها به عنوان همسر و پدر در مسئولیت نگهداری فرزندان و فعالیت های مرسوم در خانه با همسرانشان سهیم و شریک شوند این امر نه تنها به ثبات خانواده و رشد جسمی و فکری اطفال کمک میکند بلکه به زن نیز وقت و انرژی بیشتری میدهد تا بتواند شغلی به دست آورد و به ارتقاء وضعیت خانواده، منطقه و کشور خود کمک کند.



۳-۲-۲- موانع فرهنگی اشتغال زنان

یکی از موانع عمده بر سر راه مشارکت زنان تنگناها و محدودیتهای فرهنگی است که علیرغم پیشرفتهای به عمل آمده در زمینه های متعدد، هنوز هم محدودیت های فوق سبب میشود که زنان در خانه بمانند و کمتر در صحنه های اجتماع امکان حضور داشته باشند این اعتقاد و باور که وظیفه زن صرفا انجام امور خانواده و نگهداری و تربیت فرزندان است همواره موجب شده که نقش مرد همیشه به عنوان نان آور خانواده محسوب شود و وظیفه زن منحصر به تولید مثل و انجام امور منزل شود این طرز تلقی از جهان و هستی مردانه و زنانه موجب میشود که همواره ایستارهای زنان نسبت به خود و همچنین ایستار و وجه نظر مردان نسبت به زنان بگونه ای متفاوت شکل گیرد. از همان ابتدای تولد و فرآیند اجتماعی شدن دختران، بی ارزشی جهان خویش و جهان زنانه را به عنوان جنس دوم جامعه لمس میکنند. مادر را تحقیر شده می بیند، تحقیر شده در سلسله احترامات درون خانواده و هم در درون جامعه، در مقابل موقعیت برتر جنس مذکر در عرصه های مختلف فعالیت ها در جامعه را نیز حس میکند و به تدریج احساس حقارت و عزلت گزینی جزء نهاد وی میشود و آن را در وجود خویش درونی میکند که نباید در هر اجتماع و فعالیتی حضور یابد و یا حتی ابراز وجود کند. زن و دختر در جامعه زیر سلطه فضای فرهنگی زنانه بدون آنکه الزاما آگاه باشد این قضا و هستی زنانه را آن طوری که فرهنگ هر جامعه ای به او القاء میکند میپذیرد. سنتها، باورها و آداب و رسومی که از هر سو او را احاطه کرده و دنیای ویژه ای برای او و هم جنسهایش خلق کرده، به او چنین القاء می کند که در این دنیا او باید موجودی عاطفی، حس گرا و گاهی بی منطق جلوه کند و در مقابل دنیای مردانه دنیایی خردورز، منطقی و بی احساس نامیده میشود.

۴-۲-۲- موانع سیاسی مشارکت زنان

عناصر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ساختن موقعیت زنان مؤثر است، عنصر مهم دیگری که در تحلیل موقعیت زنان حائز اهمیت است، نقش آنها در امور سیاسی است. اگر بخواهیم در ارتباط با میزان مشارکت زنان در امور سیاسی شاخص و معرفهایی را تعیین و معرفی کنیم، میتوان به مواردی از قبیل: شانس زنان در کسب مقامات دولتی، انتخاب آنها برای نمایندگی و همچنین ساختار قدرت در جامعه و نقشهای سیاسی متعدد زنان، از جمله حق رأی نام برد. با نگاهی به این عناصر در طول تاریخ ایران میتوان چندین تغییر عمده را در نقش سیاسی زنان ایرانی مشاهده کرد که از جمله آن قانون مشروطیت است که در بند ۱۰ آن مقام زن در زمره مردان مجرم و دیوانه طبقه بندی شده بود که در آن این اقشار از داشتن حق رأی محروم بودند.

این وضعیت تا سال ۱۳۴۲ ادامه داشت و در این سال بود که زنان حق رأی به دست آوردند که موجب شده تا آخر سال ۱۳۴۲ از تمام ۱۹۷ نفر نماینده در مجلس شورای ملی، ۶۰ نفر زن و از تمام ۶۰ سناتور ۲ نفر زن انتخاب شوند.

در سال ۱۳۵۴ نیز از تمام ۲۷۰ نفر نماینده مجلس ۱۸ نفر زن و از ۶۰ نفر سناتور ۲ نفر زن بودند و تاکنون به جز انتخاب زنان در پارلمان فقط یک نفر زن وزیر وجود داشته که وی هم بعد از مدت کوتاهی برکنار شده است. روند تحولات اجتماعی و سیاسی بعد از انقلاب نیز حاکی از آن است که گرچه تعداد زنان نماینده روبه افزایش بوده لیکن در پستهای کلیدی دیگر جامعه و وزارتخانه ها به ندرت نقش و مدیریت و پست مهم به زنان واگذار شده است. بنابراین با توجه به این واقعیت که بخشی از کل جمعیت را این قشر تشکیل می دهند میزان مشارکت سیاسیشان چه به عنوان رأی دهندگان و چه به عنوان کسانی که صاحب موقعیت های بالای رسمی هستند در سطح پائین قرار دارد. این امر بیانگر این است که رشد زنان بیشتر متوجه سطوح مختلف تحصیلات عالی است تا مشارکت آنها در پستها و مدیریتهای بالای جامعه.

این وضعیت ناشی از علل و عوامل متعددی است. مشکل اساسی را در تبعیض دیدگاهها و طرزنگرش جامعه به زنان به عنوان موجودی ضعیف، احساساتی و ناقص العقل میتوان یافت. در واقع چنین نظری عملاً منجر به آن شده و میشود که زنان توانایی انجام کارها و امور مهم و حساس را نداشته و لذا قدرت مدیریت و اداره امور مختص مردان است.

نکته دیگر در عدم مشارکت سیاسی زنان در جامعه، عمده شدن فعالیت خانه داری زنان و عدم حضور و باور اکثریت زنان جامعه در مورد این که وظیفه اصلی آنها انجام امور منزل و تربیت و پرورش کودکان در داخل خانه است. باوری که موجب شده تا کمتر زنی جرأت ابراز وجود و اعلام داوطلبی در فعالیت های سیاسی را داشته باشد. علاوه بر آن وجود فرهنگ مادرسالاری در محیط خانواده و جامعه نیز موضوعی است که به تشدید چنین نگرشی کمک میکند. با این که پیشینه تاریخی و مذهبی کشورمان در سینه خود زنان الگو و مؤثر سیاسی و اجتماعی را دارد، زنانی همچون حضرت فاطمه (س) و حضرت زینب (س) که سبب فعالیت خانه داری و شرکت در محافل سیاسی و اجتماعی بوده اند، اما به لحاظ عدم تأکید اساسی بر جنبه های سیاسی و اجتماعی فعالیت های آنان از سوی محافل و رسانه های گروهی در جامعه، عملاً فقط نقش خانه داری و شوهرداری این اسوه ها در اذهان نقش بسته و جنبه های مهم دیگر به دست فراموشی سپرده شده است.

۵-۲-۲ موانع بیولوژیکی

معمولاً متداول است که میگویند فعالیتها و اموری که نیاز به ظرافت، دقت و حوصله زیاد دارد متناسب زنان و اموری که مستلزم صرف نیروی بدنی زیاد و زور بازو است مختص مردان است.

گرچه انتساب اینگونه کارها به ویژگیهای بیولوژیکی زن و مرد تا حدودی دشوار به نظر میرسد، لیکن میتوان بسیاری از امور و اعمال را یافت که از نظر مردانه یا زنانه بودن بین آنها تفاوتی وجود ندارد، بعنوان مثال تولید مثل و شیردادن کودک امری بیولوژیکی ویژه زنان بوده که خصوصیات بیولوژیکی مرد اجازه انجام آنرا به او نمیدهد. مجموعه این امور و خصوصیات فردی زن و مرد موجب شده تائین فعالیت های زنانه و مردانه در جامعه تا حدودی تمایز بوجود آید. ویژگیها و خصوصیات بیولوژیکی زن در پاره ای از امور در حال حاضر اجازه مشارکت و حضور فعالی را به آنها اجازه نداده و از ایفای این نقشها آنها را محروم میکند. به این موانع و تنگناهای بیولوژیکی اگر رنگ فرهنگی نیز افزوده شود موجب ایجاد یک تقسیم کار بسیار ناعادلانه بین دو جنس در جامعه میشود. امروزه در جامعه ما تنگناها و موانع بیولوژیکی تا حد بسیار زیادی از سوی فرهنگ و فرآیند جامعه پذیری تحت تأثیر شدید واقع شده و در بسیاری از عرصه ها نیز بدون آنکه زنان مانع بیولوژیکی داشته باشند، از انجام آنها منع شده و یا برای آنان مناسب تشخیص داده نشود. در انجام امور خانواده امثال آشپزی، خیاطی و شاید هیچ دلیل بیولوژیکی وجود نداشته باشد اما فرهنگ جامعه ما به حدی آنها را منتسب و خاص زنان ساخته که اگر مردی داوطلب انجام چنین اموری شود او را برخلاف خصوصیت فردی و بیولوژیکی اش برچسب و انگ اجتماعی خواهند زد.

به طور کلی میتوان گفت که اشتغال زنان متأثر از عوامل زیر است:

۱- عامل جغرافیایی، ساخت جغرافیائی محل سکونت یکی از عوامل مهم در نحوه اشتغال افراد است. به عنوان مثال در کنار سواحل دریا صید و صنایع جنبی آن مانند شیلات رونق دارد و نوع کار که نیاز به زور بازو، به سربردن در دریا و گاه درگیری با طوفان را دارد بیشتر مردان را میطلبد. در کنار آن بافتن تور ماهیگیری و نگهداری مازاد صید هنر زنان را میخواهد. در مناطقی که دامداری رونق دارد، صنایع لبنی و ریسندگی سبب رونق اشتغال زنان میشود، در مزارع برحسب نوع کشت کار زنان و مردان مورد نیاز است، در شهرها نیز صنایع و خدمات مختلف برحسب نوع تولید، کار زنان و مردان را ایجاد می کند، لیکن در کار بخش دولتی که بیشتر به توانائی ها و کیفیت فکری افراد مربوط است جنسیت نمیتواند عامل تعیین کننده ای باشد.

۲- عوامل فرهنگی؛ یکی از عوامل مهم و تعیین کننده در اشتغال و نحوه بکارگیری زنان فرهنگ جامعه است. آنچه در را اشتغال زنان سد ایجاد کرده قوانین و مقررات نیست، بلکه تحجر فکری، باورهای غلط و تعلیم و تربیت نامناسب افراد و به خصوص مردان است. متأسفانه در محیط کار و برخی از خانواده ها مردان به جای آنکه در کنار زنان قرار بگیرند در مقابل آنها جبهه میگیرند و به جای مضاعف کردن توان آنها به تضعیف آنها میپردازند، شاید از این محل کاستی های خود را پنهان کنند و توانائی های کاذبی برای خویش قائل شوند.

۳- عوامل آموزشی: پیشرفت علم و تکنولوژی و لزوم به کارگیری روشها و فنون جدید و بینش بیشتر زنان سبب شده آنها به سوی آموختن سوق یابند و بالارفتن سطح علمی و آموزشی زنان و تمایل به بهره گیری از آموخته ها از عوامل مهمی است که زنان را به سوی اشتغال سوق میدهد.

۴- عوامل اقتصادی. گاهی از اوقات نیز عامل اقتصادی به عنوان یک انگیزه کاملاً فردی به منظور پاسخ به نیاز استقلال مالی موجب میشود زن رأساً به تحصیل درآمد اقدام کند. در شرایط اقتصادی کنونی حل مشکلات مادی خانواده ها برای دستیابی به رفاه نسبی انگیزه بسیاری از زنان شاغل است.

۵- عوامل درونی. انگیزه های درونی بر روی بسیاری از عوامل و حرکات تأثیر میگذارد. شکاف بین وضع موجود و وضع ایده آل انسان، او را بر آن میدارد تا به منظور از بین بردن این خلاء وارد عمل شود، بسیاری از زنان به منظور درهم شکستن سنت های کهنه و گریز از این که صرفاً یک مصرف کننده باشند به اشتغال روی می آورند.

۶- عوامل اجتماعی. عوامل اجتماعی که قابل ادغام با عوامل فرهنگی است نیز از عوامل تعیین کننده وضعیت اشتغال زنان است. عرف در جامعه در بسیاری از اعمال و حرکات فردی تأثیر میگذارد زیرا عرف متأثر از بینش و فرهنگ جامعه است.

۷- عوامل اعتقادی. پایبندی به اصول و ارزشهای اعتقادی به هنگام تداخل و تضاد وظایف و مسئولیتهای اداری و فرهنگی سبب در بحران قرار گرفتن زنانی میشود که میخواهند ضمن پیروی از احکام شرعی جلب رضایت همسر و تربیت فرزند، به انجام وظایف خود نیز پردازند و تنها با تبادل نظر و همکاری و همدلی همسر فائق آمدن بر این تنگناها امکانپذیر است.

۸- عوامل فیزیولوژیکی. تفاوتهای جسمانی و عوامل طبیعی که در ساختار روحی زن و مرد وجود دارد سبب دگرگونی رفتاری زنان نسبت به مردان است، زن موجودی با عاطفه و دارای حس مسئولیت در تربیت فرزندان و طالب آرامش است و طبیعی است که از درگیریهای محیط کار اجتناب کند و امنیت خانه را به مشکلات خارج از آن ارجحیت دهد.

بخش سوم

۳-۲- زنان و توسعه

مقدمه

سازمان ملل متحد دهه ۷۵ الی ۸۵ میلادی را دهه زن نامید نتیجه این نام گذاری آن بود که توجه بیشتر به وضعیت زنان طی یک دهه منجر به آن شد که دولت ها و جوامع بین المللی به این واقعیت پی ببرند که بدون مشارکت زنان در برنامه های توسعه کیفیت عمومی زندگی ارتقا نخواهد یافت. تعداد زنان جهان در سال ۱۹۸۵ میلادی ۲/۴۱ میلیارد نفر بود که براساس پیش بینی های سازمان ملل تا پایان قرن بیستم به سه میلیارد نفر افزایش خواهد یافت. دهه زن فرصتی را پیش آورد تا موقعیت زنان که حدود نیمی از جمعیت جهان را تشکیل میدهند مورد توجه قرار گیرد و اقداماتی برای بالابردن وضعیت بهداشتی اجتماعی و اقتصادی آنان صورت گیرد. در سال ۱۹۸۰ زنان ۶۰ درصد جمعیت ۸۲۴ میلیون نفری بی سوادان را در جهان تشکیل می دادند و این تعداد همچنان روبه افزایش است. آمار مشارکت زنان در نیروی کار با آمار مربوط به مشارکت مردان تفاوت فاحش دارد. برآورد سازمان ملل نشان میدهد که در سال ۱۹۷۵ حدود ۲۹ درصد از کل جمعیت زنان به کار اشتغال داشته اند. در حالی که این رقم برای مردان ۵۳/۸ درصد بوده است. آمار فوق البته مربوط به کل جمعیت جهان است. وقتی کشورهای توسعه یافته با هم مقایسه میشوند دو نکته مشخص میگردد. اول اینکه در کشورهای توسعه یافته جمعیت فعال فزونی دارد و دیگر اینکه مشارکت وسیع زنان در بازار کار به خوبی قابل مشاهده است. چنانچه جمعیت فعال در انگلستان ۴۴/۳ درصد ، در آلمان ۴۸/۱ درصد و در فرانسه ۴۲/۲ درصد است و این نسبت برای زنان در کشورهای یاد شده به ترتیب ۳۲/۹ درصد و ۴۱/۳ درصد و ۳۰/۳ درصد میباشد. آمار جمعیت فعال در کشوری مانند مصر ۲۷/۶ درصد است که تنها ۴ درصد آن به زنان تعلق دارد. در ایران نیز براساس گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۳۷۲ ، ۸۹ درصد از جمعیت فعال را مردان و ۱۱ درصد را زنان تشکیل میداده اند (اشتغال و بیکاری زنان از دیدگاه توسعه - ماهنامه زنان - ۱۳۷۰).

از بررسی آمار فوق چنین بر میآید که در همه جوامع جهانی، نسبت زنان شاغل به مردان کمتر بوده و این امر در کشورهای در حال توسعه بسیار آشکارتر است. به طوری که در ایران جمعیت

فعال مردان حدود ده برابر زنان است. نتیجه اینکه بیشترین تعداد زنان ایرانی به امر خانه داری و پرورش فرزندان مشغولند.

۱-۳-۲- نقش زنان در توسعه

حال سؤال اینست که نقش زنان در توسعه چیست؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید مفهوم توسعه روشن شود. وقتی صحبت از توسعه یا نوسازی میشود پای قضاوتی ارزشی در میان است که خود با ارزشهای خاص در ارتباط است. توسعه را میتوان به عنوان مجموعه ای منظم از شرایط زندگی در نظر گرفت که هدف رسیدن به آن است. در واقع توسعه به مثابه کوششی است برای رسیدن به تصمیمی که تاکنون اتخاذ نشده است. یا اینکه راه حلی است برای رفع فشارها و مشکلاتی که پیوسته در بخشهای مختلف اجتماعی و انسانی وجود داشته و تجدید حیات می یابد. توسعه ابعاد گوناگون دارد مانند توسعه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... اما در همه این ابعاد میتواند متأثر از فضائل انسانی و تصور آرمانی از انسان باشد که خود مبین سلسله مراتبی از ارزشهاست.

توجه به این حقیقت که توسعه یک مفهوم آرمانی است و مرز مشخصی برای آن وجود ندارد و در هیچ زمانی نمیتوان گفت که حاصل شده و پایان گرفته است ما را بر آن میدارد که نه به دنبال جوامع اصطلاحاً توسعه یافته بلکه با اهداف و آرمانهای خود به سوی تعالی انسان پیش برویم و در سایه آن به سایر ابعاد توسعه نیز دست یابیم. اما دستیابی به چنین توسعه ای چگونه امکان پذیر است؟

اشتغال زنان از مسائل مهم هر جامعه است چه اگر زنان در امور جامعه مشارکت داشته باشند. هم نیمی از جمعیت که غیرفعال محسوب میشوند فعال میشوند و هم زنی که در امور جامعه حضور داشته باشد بادی دیگر به تربیت فرزندان خود که آینده سازان نسل فردا میباشند می پردازد. مسلماً زنی که اشتغال و مشارکت در جامعه داشته باشد نیاز به سواد خواهد داشت و در این ارتباط سطح دانش و آگاهی وی بالا رفته و در نتیجه گامی به جلو برداشته خواهد شد. همچنین رشد جمعیت کشور که در موقعیت بازسازی کنونی از معضلات کشور است، طبق نظریات و تحقیقات مختلف انجام شود، رابطه ای معکوس با اشتغال زنان دارد به عبارتی هر چه اشتغال زنان افزایش یابد کاهش موالید را موجب میشود و بالعکس.

به طور کلی در قرون اخیر به دلیل شرایط خاص اقتصادی و اجتماعی و شیوه های جدید تولید بسیاری از محققین و صاحب نظران بر این عقیده اند که اشتغال زن در خارج از خانه و گسترش آن امری لازم و ضروری است، زیرا اشتغال زنان به عنوان نیمی از پیکر هر جامعه در رفع مسائل بنیادی نظیر بیسوادی افزایش بی رویه جمعیت، متعادل کردن درآمدها و رفع مشکلات و شکاف درآمدی و غیره بسیار مؤثر است و بدون مشارکت مطلوب زنان و همگام و پا به پای مردان بودن

در فرآیندهای تولیدی و خدماتی برنامه ریزی های اقتصادی و اجتماعی با شکست مواجه خواهد شد.

زنان به عنوان قلب توسعه شناخته شده اند آنها نقش مهمی در کشاورزی، زایش و پرورش فرزندان، خانه داری، اشتغال، تولید، آموزش و دارند. توسعه جامعه بستگی به رشد سرمایه گذاری روی زنان دارد. یعنی علاوه بر سرمایه گذاری در زمینه تنظیم خانواده لازم است سرمایه گذاریهای اجتماعی نیز از نظر بهداشت و آموزش برای زنان صورت گیرد. این گونه خدمات به زنان کمک میکند تا نقش خود را بهتر ایفا کنند و این جهان خود فرصت های جدیدی را در اختیار آنها قرار دهد. در شرایط پیگیری اهداف توسعه سرمایه گذاری روی زنان باید به گونه ای صورت گیرد که بتوان کلیه موانع پیش روی آنان را با توجه به حفظ ارزش های فرهنگی از میان برداشت به نحوی که خود آنها بتوانند از توانائی های کامل خود استفاده کنند. این به آن معناست که میبایست امکان دسترسی برابر به امکانات و حقوق فردی و اجتماعی را برای آنها فراهم آورد.

۲-۳-۲- عوامل مؤثر بر حضور اجتماعی زنان

توسعه صنعتی و تغییرات اجتماعی باعث شده است که زنان در سراسر جهان در فعالیت های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مشارکت داشته باشند. گرچه در جوامع صنعتی مدتهاست که زنان نقش رسمی خود را در فعالیت های اقتصادی آغاز کرده اند، ولی این پدیده هنوز در جوامع رو به توسعه که در آغاز صنعتی شدن هستند، امری نوظاست.

ترکیب نوین نیروی کار که به تدریج تغییراتی در ساختار جامعه، خانواده و سازمان های مولد بوجود آورده و میاورد. به هر حال، در شرایطی که این تغییرات آهسته و کند باشد، زنان از مشارکت در فرصت های اداری، کاری و اقتصادی بازداشته میشوند. از اینرو رابطه ای مسقیم بین توسعه اقتصادی - صنعتی یک کشور و توسعه زنان وجود دارد.

فرهنگ، عقاید و سنت های یک کشور منعکس در ویژگی های اساسی آن، چون ساختارهای اجتماعی و صنعتی، آرایش داخلی سازمانها (نظام درونی سازمانها)، نظام آموزشی آن، و جنبه های دیگری است که تعیین کننده فرصت هایی است که جامعه به افراد و اتباع خود میدهد. مراحل مختلف زندگی فرد و چگونگی زندگی کاری وی عمدتاً با فرصت هایی که پیدا میشود تکامل می یابد. مثلاً رشد صنعتی و پیدایش سازمان ها همراه با نوسازی اجتماعی و اقتصادی و شهر نشینی امکانات و فرصت های فراوانی فراهم میاورد، به گونه ای که تساوی منصفانه در توزیع این

فرصتها بین زنان و مردان وجود دارد. براساس تحقیقات به عمل آمده جامعه ونزوئلا به عنوان نمونه ای است که شاهد چنین وضعیتی بوده است. عوامل فرهنگی همچنین بر ابعاد نقش زن در جامعه تأثیر فراوان دارند. مهم ترین نشانه این عامل، نگرشی است که در اغلب جوامع اعم از صنعتی و غیرصنعتی از زمان های گذشته تا به حال، تأکید بر نقش مادری زن بیش از هر چیز داشته است. در عین حال پویایی اقتصادی و هسته ای شدن خانواده نقش به سزائی در فعال شدن زنان در بخش اقتصادی دارد.

مشارکت زنان در بازار کار

منطقه جغرافیایی	درصد زنان در بازار کار			درصد زنان از کل نیروی کار		
	۱۹۷۵	۱۹۸۵	۲۰۰۰	۱۹۷۵	۱۹۸۵	۲۰۰۰
جهان	۲۹/۱	۲۸/۲	۲۸/۲	۳۵	۳۴/۶	۳۴/۵
آسیا	۲۹/۱	۲۷/۹	۲۸/۲	۳۴/۳	۳۳/۸	۳۳/۶
آمریکای لائین	۱۴/۱	۱۵/۴	۱۸/۳	۲۲/۳	۲۴/۲	۲۷/۴
آفریقا	۲۴/۴	۲۲/۹	۲۲	۳۲/۴	۳۲	۳۱/۷

Intenational Labour Office , 1985

همانطور که از جدول فوق پیداست هنوز هم تفاوت فراوانی بین نسبت مشارکت نیروی کار زنان و مردان به چشم می خورد لذا جهت از بین بردن این شکاف لازم است برنامه ریزی هایی به ویژه در ارتباط با زنان به عمل آید. در بحث زن به عنوان زیربنای توسعه همان طور که خانم ایندیراگاندی نخست وزیر فقید هند هم تأکید کرده است باید گفت در یک جامعه فقر را نمیتوان از بین برد مگر به دنبال محدود کردن اندازه خانواده، یعنی شرایطی که در آن سهم هر طفل و تبعه کشور از منابع و فرصت ها در جدی بالا و مفید قرار گیرد. این جریان از طریق پیش گرفتن برنامه های تنظیم خانواده صورت میگیرد که خود عمدتاً به عهده زنان است. از اینرو کنترل جمعیت به عنوان جزء جدائی ناپذیر توسعه، مربوط به زنان است. در نتیجه توسعه مربوط به زنان میشود یعنی آنان زیربنای توسعه هستند.

توسعه فراگیر و پایدار تنها با مشارکت کامل و برابر زنان در صورتی تحقق مییابد که ارتباط مناسبی بین جمعیت، محیط و توسعه مبتنی بر سیاست ها و برنامه های لازم فراهم آید.



همچنین این شرایط زمانی تحقق مییابد که به بخش های رشد اجتماعی به اندازه بخش های رشد اقتصادی اولویت داده شود. این توصیه ها بیشتر خطاب به دولت ها، سازمان های بین المللی و سازمانهای غیردولتی است که در این راستا مسئولیت خطیری به عهده دارند، یعنی کلیه کشورها باید در زمینه های زیر اقدام کنند.

- تفکیک آمارهای ملی در زمینه اشتغال، مرگ و میر، بیماری ها و ... برحسب جنس
- جمع آوری اطلاعات وسیع و صحیح از مسئولیت های مربوط به تولید و تولید مثل زنان
- شناسایی و اندازه گیری کار بدون پرداخت زنان و کار آنان در بخش غیررسمی
- تعیین ارزش اقتصادی کار بدون دستمزد زنان
- افزایش امکانات تولید اقتصادی زنان و کاهش بار مسئولیت دوگانه آنها
- فراهم آوردن تسهیلات مربوط به تنظیم خانواده برای زنان
- بهبود سلامت و افزایش زمینه های بهداشتی زنان
- گسترش آموزش زنان صرفنظر از رشته های خاص برای پسران و دختران
- ایجاد برابری فرصتها با اشاعه این اصل که چون زنان و مردان به لحاظ ارزشی برابرند، لذا در جامعه و خانواده نیز باید برابر باشند.

۳-۳-۲- معیارهایی برای تواناسازی زنان

برابری بین زنان و مردان و دختران و پسران جزء لاینفک تعریف ما از توسعه امور زنان است. توسعه فقط به معنای افزایش دست یابی به منابع و رفاه نیست بلکه به طور اهم بستگی به فرآیندی دارد که به وسیله آن این منافع حاصل گردد. فرآیند توسعه به طوری که به وسیله اکثر سازمان های عمرانی و توسعه ای تعریف گردیده است، به معنای مشارکت گروه های هدف در فرآیند

توسعه می باشد به طوری که اینان تنها فقط به عنوان گروه های ذینفع از عایدات پروژه به حساب نمی آیند بلکه بدین وسیله قابلیت توسعه ایی خویش را در مورد تشخیص و فائق آمدن بر مشکلات تقویت می نماید.

برای به دست آوردن یک معنای مفید و عملی از توسعه امور زنان، باید دو مفهوم برابری جنسیتی و مشارکت در فرآیند توسعه کنار یکدیگر واقع شوند. چنانچه مساوات بین زنان و مردان محور تعریف توسعه امور زنان باشد این مسئله به همراه خویش تفویض اختیارات به زنان را برای فائق آمدن بر تنگنانهائی که در امر مسئله برابری زنان در جوامع مردسالاری وجود دارد، در برمی گیرد. در جدول زیر اختیارات زنان را که در پنج مرحله برابری قابل فهم است نشان می دهد و باید در نظر داشت که مسئله اختیارات زنان یک بخش اساسی از فرآیند توسعه در هر مرحله می باشد. شمای زیر فرآیند توسعه امور زنان را در پنج مرحله از برابری تعیین می نماید و بنابراین در مراحل فرآیند توانا سازی نه تنها ناشی از کسب برابری است بلکه به همان میزان برای تعقیب اهداف برابری ضرورت دارد.

معیارهای توانا سازی زنان

پنج مرحله از برابری



همچنین این شما نشان می دهد که مدارج بالای برابری خود به خود به عنوان مدارج بالای توسعه و توانا سازی زنان محسوب می گردد. نگاهی به تجزیه و تحلیل از وضعیت اجتماعی-اقتصادی زنان وقتی مطرح می گردد که سطوح برابری فوق به زیر سؤال برده شوند و این می تواند در سطوح پائین به عنوان یک مسئله اولیه و پایه ای و در سطوح بالا بیشتر یک مسئله جدی تلقی گردد.

اکنون نگاهی به یکایک این پنج مرحله می اندازیم تا منظور اصلی از توسعه امور زنان را مشخص نمائیم.

۱-۳-۲- مرحله اول: رفاه

این مرحله ایست که طی آن مسائل رفاه مادی زنان در مقایسه با مردان در مواردی مانند وضعیت تغذیه ای و تهیه مواد غذایی و درآمد خانوار که مسائل نابرابری را در پی دارد مورد بررسی قرار میگیرد. در اینجا وضعیت زنان فقط از نظر ارقامی و آماری توصیف میگردد، بر مبنای این تصور که زنان قادر بر ایجاد تغییری در وضع خود نباشند و بر مبنای این تصور که زنان فقط از مزایای برنامه های رفاهی استفاده می نمایند. در اینجا از عبارت "فواصل جنسیتی" به معنای فقدان رفاه برای زنان در مقایسه با مردان در مسائلی مانند وضعیت تغذیه ای و میزان مرگ و میر و غیره میتوان نام برد.

این مرحله رفاهی اهمیتی به اینکه آیا زنان به تنهایی موجوداتی فعال، سازنده و تولیدکننده در رفع احتیاجات خود هستند یا نه نمی دهد. این مرحله مرحله صفر از تواناسازی زنان محسوب میشود. فعالیت زنان برای پیشبرد رفاه خویش نسبت به مردان آنان را درگیر فرآیند تواناسازی و مراحل بالای برابری می نماید. به عبارت دیگر اگر وضعیت رفاهی دختران و زنان به دلیل تبعیضات جنسیتی پائین است پس فائق آمدن بر این تبعیضات، فرآیند توسعه ای تواناسازی و بنابراین سطوح بالاتر مراحل برابری را در برمیگیرد.

۲-۳-۳- مرحله دوم: دسترسی

فواصل جنسیتی در مرحله رفاهی مستقیماً از مسئله نابرابری دسترسی به منابع ناشی میگردد. تولید پائین زنان نسبت به مردان از محدودیت آنان برای دسترسی به عوامل تولید است. در مقایسه با مردان زنان دسترسی کمتری به آموزش و کارهای دستمزد ساز، خدمات و آموزش های مهارت زا که استخدام و تولید را ممکن میسازد دارند. در اینجا عبارت فواصل جنسیتی به دسترسی کمتر زنان به منابع اطلاق میشود که این دسترسی شامل دسترسی به دسترنج خود نیز می باشد، و اینکه زنان به دلیل دارا بودن وظیفه سنگین خانه داری دچار کمبود وقت برای رسیدگی به امور خود و فرزندانشان هستند.

در اینجا برابری به معنای اینست که زنان دارای حق مساوی دسترسی بر طبق اصول برابری باشند. همچنین تواناسازی به معنای اینست که زنان دارای حقی برابر برای دسترسی به منابع در حیطه خانواده و در مقیاس بزرگتر در سیستم کشوری نیز داشته باشند. هنگامی که زنان به بن بست هایی که آداب و رسوم اجتماعی برای آنها به وجود آورده است می رسند و با اینکه بر علیه قانون تبعیض انگیز که آنان را از دست یابی به منابع منع می کند به پا می خیزند، فرآیند تواناسازی تضمینی می شود که مرحله بالایی از آگاهی را در بر بگیرد.

منظور از توانا سازی زنان تعویض مرد سالاری به زن سالاری نیست، بلکه بیشتر برای معرفی برابری جنسیتی در فرآیند توسعه می باشد. برابری در کنترل برای استفاده از سود برابر برای زنان لازم است و به این ترتیب این پنج معیار به صورت دایره ای کامل در می آیند که از کنترل به رفاه باز میگردد. (زنان و توسعه - کار مشترک دفتر امور زنان ریاست جمهوری و یونیسف)

۴-۳-۲- زنان به عنوان عوامل تغییر

رابطه متقابل نقش های اقتصادی و تولید مثل زنان تبیین کننده چنین نقشی است. عوامل مؤثر در تغییرات جمعیت و توسعه بیانگر مرکزیت نقش و موقعیت زنان در هر دو زمینه است. براساس یافته های سه کنفرانس گذشته جمعیت، در شرایطی که فرزندان منبع عمده تأمین زنان نباشند. طبیعتاً خانواده ها کوچکتر میشوند و تنظیم خانواده بخش عمده ای از زندگی زنان به حساب می آید.

خانواده کوچکتر امکان خود تصمیم گیری اجتماعی و اقتصادی را برای زنان فراهم می آورد یعنی آنها به حقوق کامل خود در جامعه و خانواده می رسند، به درآمد و توسعه فردی آموزش مراقبت های بهداشتی و حق اظهار نظر و تصمیم گیری دسترسی پیدا می کنند. تغییراتی که در جهان رو به توسعه در حال وقوع است، بر موقعیت زنان در آن جوامع تأثیر می گذارد، اما همیشه وضع آنان در حد انتظار بهتر نمیشود. علیرغم اهمیت نقش زنان در امور کشاورزی و تجارت، و نیز ورود آنها به بازار کار رسمی در بسیاری از کشورها زنان نسبت به مردان از نظر اقتصادی اهمیت کمتری دارند، برای اینکه در بسیاری از این جوامع دسترسی آنها به منابعی چون زمین محدود است، یعنی در شرایط بیوه شدن، عموماً زن حق زراعت در مزرعه شوهر فوت شده خود را از دست می دهد و در موارد زیادی مجبور است با برادر شوهر خود ازدواج کند تا بتواند در مزرعه خانوادگی دسترسی داشته باشد.

۵-۳-۲- موقعیت زنان و حق تصمیم گیری آنها

موقعیت زنان و شرایط خود تصمیم گیری آنها در دو گروه از جوامع جهان سوم شرایط متفاوتی را برجای گذاشته است، مثلاً در جهان عرب و قسمت هایی از جنوب آسیا که موقعیت زنان و امنیت آنها وابسته به تعداد بچه هایی است که به دنیا میاورند، خانواده به لحاظ جمعیتی دارای بعد وسیعی است در حالیکه در جوامعی نظیر چین، سریلانکا و الایات تامیل نادو در جنوب هند که به دنبال توسعه اجتماعی و تغییرات فرهنگی، موقعیت زنان بستگی به تعداد اولاد آنها ندارد، خانواده ها کم

جمعیت ترند. از اینرو، باید امنیت اجتماعی و اقتصادی زنان تأمین شود تا سلامت آنها به دنبال زایمان های پی در پی کمتر به خطر افتد و در نتیجه بیشتر بتوانند در امر توسعه مشارکت داشته باشند. به طور کلی، در اغلب جوامع رو به توسعه جایگاه اجتماعی زنان رابطه نزدیکی با بچه به دنیا آوردن آنها دارد.

پائین بودن سن ازدواج زنان نیز در بسیاری از کشورهای روبه توسعه آنها را از مشارکت فعال در امور توسعه اجتماعی و اقتصادی در جوامع خود باز می‌دارد و در نتیجه مقدار زیادی از استعداد های آنان بدون استفاده از بین می‌رود. تحقیقات جامعه شناسانه و جمعیتی در بسیاری از کشورهای جهان حاکی از اینست که ازدواج بسیاری از زنان در کشورهای روبه توسعه در مقایسه با کشورهای صنعتی در سنین پائین صورت می‌گیرد. آنها حتی در موارد زیادی حق تصمیم گیری در مورد انتخاب همسر خود را ندارند. براساس بررسی های به عمل آمده حدود ۵۰ درصد زنان آفریقایی، ۴۰ درصد زنان آسیایی و ۳۰ درصد زنان آمریکای لاتین در سنین کمتر از ۱۸ سالگی ازدواج میکنند. قابل ذکر است که در همین جوامع مردان در سنین بالاتری ازدواج میکنند. مثل ا در جامعه سودان مردان هنگام ازدواج به طور متوسط ۸ سال از زنان خود مسن ترند.

این فاصله در پاکستان ۶ سال و در کلمبیا و پاراگوئه ۴ تا ۵ سال برآورد شده است. این فاصله های سنی پیامدهای مختلفی در بردارند از جمله: کم تجربگی زنان و اعتماد به نفس کمتر آنها در مقایسه با شوهران خود و نیز احتمال بالای بیوه شدن زنان در چنین شرایطی که زنان گزینه های (Alternatives) دیگری در اختیار ندارند، امنیت اقتصادی آنها تضمین نیست، وابستگی آنها به فرزندان بیشتر میشود و نتیجتاً باروری آنها افزایش می‌یابد. همین طور، در بسیاری از نقاط جهان، وضعیت مادری (مادربودن) بیشتر از ازدواج آرامش خاطر زندگی آینده آنها را فراهم می آورد. به قول یک جامعه شناس مسائل خانواده: در جوامعی که انتظار می‌رود پسرها در مقایسه با دخترها بیشتر حامی والدین خود در دوره سالمندی باشند، مادری واقعی به معنای پسر به دنیا آوردن است. قابل ذکر است که اینگونه تلقیات و قالب های فکری و ارزشی باید تغییر کند تا زنان به امنیت بیشتری از توانائیهای خود در امر توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی استاده کنند. و به این ترتیب اهداف توسعه پایدار هر چه بیشتر در جامعه تحقق یابد.

۶-۳-۲- زنان و دسترسی به فرصت های اجتماعی

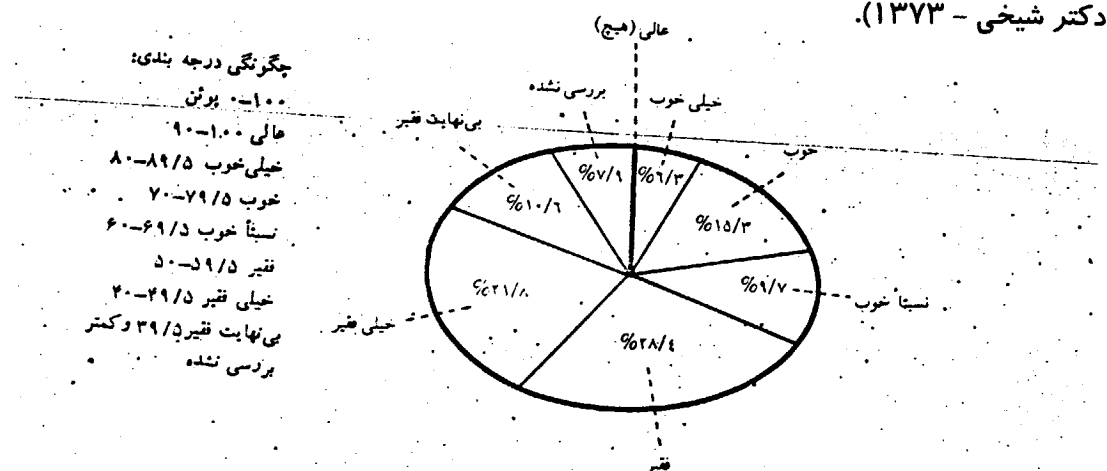
رشد بی سابقه جمعیت جهان را به مخاطره انداخته است فردی که در سال ۱۹۳۰ متولد شده است پا به جهان دو میلیارد نفری گذاشته است. این در حالیست که آن فرد در سن ۸۰ سالگی

شاهد جهان به بیش از سه برابر جمعیت سال ۱۹۳۰ خواهد بود یعنی جمعیت حدود هفت میلیارد نفر در سال ۲۰۱۰ میلادی. وضعیت زنان که حدود نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند تحت تأثیر متغیرهای مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی چون بهداشت، وضعیت ازدواج و باروری، آموزش و پرورش و اشتغال در نقاط مختلف جهان به اشکال مختلف به چشم می‌خورد. وضعیت زنان به طور وسیعی در نقاط مختلف دنیا متفاوت بوده که خود گویای این واقعیت است که در هیچ کجای جهان زنان دارای تساوی حقوقی با مردان نمی‌باشند اما در کشورهای کمتر توسعه یافته آفریقا، خاورمیانه، آسیا، آمریکای لاتین، فقر ناشی از تبعیض حقوق شرایط زنان را بسیار نامطلوب تر جلوه گر ساخته است. چیزی که با جهان صنعتی بسیار متفاوت است. زنان بسیار فقیر جهان تنها در مرز زنده بودن زندگی میکنند. آنها از نظر اقتصادی وابسته و آسیب پذیرند و از نظر سیاسی قانونا فاقد قدرتند.

در این نوع جوامع زنان در سنین پائین با ازدواج های زودرس، خود را درگیر چرخه زندگی میکنند که اغلب با فوت های هنگام زایمان به پایان میرسد آنها بیشتر و حتی سخت تر از مردان کار میکنند ولی به کار آنها معمولا کم بها داده میشود و حقوقی پرداخت نمیشود.

در سطح جهان زنان حدود نیمی از مواد غذایی دنیا را کشت میکنند ولی تقریبا هیچگونه زمینی از خود ندارند. آنها حدود یک سوم نیروی حقوق بگیر و رسمی جهان را شامل میشوند ولی در مشاغل با حقوق کم جادارند. آنهایی که در خارج از خانه کار میکنند، اغلب دوبله کار میکنند، به این معنی که بدون در نظر گرفتن کمکی که به درآمد خانواده مینمایند، مسئولیت نگهداری از بچه ها و کارهای خانه را نیز به عهده دارند.

در این بررسی جامعه شناسانه زنان ۹۹ کشور با رقمی حدود ۲/۳ میلیارد نفر با ۹۲ درصد کل جمعیت زنان جهان، با در نظر گرفتن ۲۰ شاخص در پنج بخش بهداشت، ازدواج، آموزش و پرورش، اشتغال و برابری اجتماعی مورد ارزیابی قرار گرفته است (جامعه شناسی جهان سوم - دکتر شیخی - ۱۳۷۳).



توزیع امکانات یا درجه بندی زنان جهان از نظر موقعیت ۱۹۸۸

حدود ۵۱ کشور از ۹۹ جامعه مورد مطالعه در سه گروه پائین یعنی فقیر خیلی فقیر و بی نهایت فقیر جاگرفته است. بررسی مورد نظر نشان میدهد که بیش از ۶۰ درصد کلیه زنان و دختران در جهان تحت شرایطی زندگی میکنند که سلامت آنها در خطر است، حق انتخاب تعداد بچه های مورد درخواست از آنها سلب میشود، فرصت های تحصیلی آنها محدود است، مشارکت اقتصادی آنها محدود است و هیچ ضمانتی از نظر آزادی و تساوی حقوقی بین آنها و مردان وجود ندارد.

بررسی مؤید روابط نزدیک و مهم وضعیت زنان در پنج بخش فوق میباشد. مثلاً دسترسی داشتن به فرصت های تحصیلی و آموزشی نه تنها با وضعیت اشتغال آنها در ارتباط است بلکه با بهداشت، بعد خانوار و برابری حقوقی در امر زناشویی آنها نیز در ارتباط است. همین طور الگوهای ازدواج و زایش زنان تأثیر به سزائی بر شرایط اجتماعی و اقتصادی آنها داشته و از آنها نیز تأثیر میپذیرند. زنان با موقعیت های خوب تحصیلی و اقتصادی دیرتر ازدواج میکنند و کنترل بر تعداد فرزندان دلخواه خود دارند. به عکس زنانی که ازدواج آنها زودتر صورت میگیرد و این ازدواج زودرس منجر به بارداری مکرر و زودرس آنها میگردد موجب قطع ارتباط آنها با دسترسی پیدا کردن به فرصت های ولو کوچک در کشورهای آنها نظیر فرصت های تحصیلی، اشتغال و ... میگردد (جامعه شناسی جهان سوم - دکتر شیخی - ۱۳۷۳).

۷-۳-۲- بهداشت

به لحاظ تفاوت و فاصله در سطح زندگی به ویژه در وضعیت غذایی و مراقبت های پزشکی، امید زندگی برای مردان و زنان در کشورهای ثروتمند جهان تقریباً دو برابر رقم مشابه در کشورهای فقیر برآورد شده است یعنی حدود ۸۰ سال در مقایسه با رقم تقریبی ۴۵ سال بیشتر تفاوت ها ناشی از ارقام بالای مرگ و میر اطفال در کشورهای با درآمد پائین است.

در اکثر نقاط جهان زنان به طور متوسط عمر بیشتری نسبت به مردان میکنند اما این اختلاف طول عمر زنان و مردان در کشورهای فقیرتر کمتر است و در مواردی این هنجار حالتی عکس به خود میگیرد. این نوع آمار که گویای شرایط غیرعادی است نشان دهنده الگوهای حاکی از ترجیح پسران نسبت به دختران در سالهای اول زندگی در این نوع جوامع است. این گونه آمار همچنین تا اندازه ای منعکس کننده میزان های بالای مرگ و میر مادران حین زایمان (فوت های مربوط به حاملگی، وضع حمل و سقط جنین های غیرقانونی) در کشورهای فقیر است.

در بسیاری از کشورهای جهان سوم وضع حمل های خیلی زود و به دنبال آن زایش های بدون برنامه با فرصت های آموزشی و اشتغال در بخش های مدرن جامعه تضاد پیدا میکند در حالی که در کشورهای صنعتی زنان عموماً میتوانند زمان، تعداد و فاصله بچه های خود را از طریق دسترسی به وسایل پیشگیری و سقط جنینهای سالم و بهداشتی کنترل نمایند و این بر موقعیت اجتماعی و اقتصادی آنها اثر میگذارد. قابل ذکر است که حاملگی بیش از ۲۵۰ میلیون از زنان کشورهای کمتر توسعه یافته بدون برنامه بوده و اغلب به شکلی سالم به پایان نمیرسند.

تعدادی از کشورهای جهان سوم که دارای توسعه اجتماعی، اقتصادی بوده اند از وسایل پیش گیری در مقیاس بالایی استفاده میکنند مثلاً در تایوان ۲۸ درصد زنان در سنین باروری از وسایل کنترل موالید و در چین، هنگ کنگ، سنگاپور و کره جنوبی بیش از ۷۰ درصد از اینگونه وسایل استفاده میکنند. زنان این قبیل کشورها که دارای سطح پائینی از باروری کلی هستند، اغلب بین ۱ تا ۳ بچه به دنیا می آورند و در سنین پائین ازدواج نمی کنند.

عکس این قضیه در تعداد دیگری از کشورهای جهان سوم وجود دارد نظیر: افغانستان، کامرون، عراق، مالی، نیجریه، سودان و که زنان آنها در سنین پائین ازدواج میکنند و در طول دوره باروری خود به طور متوسط بین ۵ تا ۷ بچه به دنیا می آورند. در این کشورها کمتر از ۱۵ درصد زنان از وسایل پیش گیری استفاده میکنند.

در بسیاری از کشورهای رو به توسعه تفاوت چشم گیری بین زنان و مردان بیوه، طلاق گرفته یا جدا شده وجود دارد. مثلاً در چین در برابر هر ۱۸۲ زن در این وضعیت ۱۰۰ مرد وجود دارد در حالی که در بنگلادش که موقعیت زنان در سطح بسیار پائینی قرار دارد در برابر هر ۹۲۷ زن بیوه، مطلقه یا جدا شده تنها ۱۰۰ مرد بیوه و گزارش شده است. چنین تفاوتی صرفاً تحت تأثیر شرایط ناهماهنگ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به وجود می آید (جامعه شناسی جهان سوم - دکتر شیخی - ۱۳۷۳).

براساس تحقیقی که اخیراً توسط یک موسسه پژوهش های جمعیتی به عمل آمده است بین کشورهای جهان سوم زنان نیجریه ای به لحاظ شرایط اجتماعی، بهداشتی و رفاهی بدترین وضعیت را دارند. چنین وضعیتی در بسیاری دیگر از کشورهای جهان سوم وجود دارد. این در حالی است که در سوئد کمترین فاصله بین موقعیت و شرایط اجتماعی و حقوقی بین زن و مرد به چشم میخورد. به زبان آماری در این کشور زنان از نعمت ۹۰ درصد آنچه را که مردان بدست می آورند بهره مندند.

به طور کلی زنان در جوامع جهان سوم به خاطر احساس امنیت بیشتر، بیشتر صاحب فرزند میشوند. آنها همیشه از این موضوع بیم دارند که در صورت نداشتن بچه کسی نیست که در دوران

سالمندی به آنها رسیدگی کند این در حالی است که آنها احساس میکنند نقش پذیرفته شده ای غیر از توانائی تولید مثل در جامعه ندارند. (جامعه شناسی جهان سوم - دکتر شیخی - ۱۳۷۳)

بررسی انجام شده روی زنان در جوامع رو به توسعه نشان میدهد که برای آنها میبایست اولویت بیشتری قائل شده و در زمینه های بهداشت تنظیم خانواده آموزش و پرورش و اشتغال آنها بیشتر سرمایه گذاری کرد. منشأ اصلی هرگونه توسعه و ترقی آنها سواد آموزی است که هر چه بیشتر میبایست مورد توجه قرار گیرد.

۹-۳-۲- ناباروری

شاید بسیاری از زنان در سراسر زندگی خود بچه ای به دنیا نمی آورند. این جریان در بسیاری از جوامع به ویژه جوامع سنتی، در شرایطی که فرزندان حامیان دوران سالمندی والدین تلقی میشوند، با واکنشی منفی روبروست. براساس تحقیقات به عمل آمده توسط سازمان بهداشت جهانی، در سراسر جهان از هر ده زوج به طور غیرداوطلبانه یک زوج نابارورند که به آن اصطلاحاً ناباروری اولیه میگویند، یعنی شرایطی که در آن زن هرگز بچه به دنیا نمی آورد. این پدیده در بعضی جوامع فراوانی ۱/۵ درصدی را به خود اختصاص میدهد، در حالیکه در برخی جوامع این میزان حتی به ۴۰ درصد هم میرسد.

نوع دیگر ناباروری به ناباروری ثانویه موسوم است، شرایطی که در آن زن به دنبال بیماری یا صدمات دیگر، پس از یک یا دو فرزند دچار ناباروری میشود. این وضع در جوامع مختلف تحت تأثیر شرایط مختلف بهداشتی، محیطی و... فرق میکند. به زبانی دیگر، براساس تحقیقات به عمل آمده جمعیت نابارور در سطح جهان حدود ۵۰ میلیون نفر برآورد شده است. قابل ذکر است که مطالعات مربوط به ناباروری جایگاه مهمی در مطالعات مربوط به جامعه شناسی و جمعیت شناسی خانواده به خود اختصاص میدهد.

ترس از ناباروری اولیه با به دنیا آوردن یک فرزند تخفیف میابد، در حالیکه ترس از ناباروری ثانویه در سراسر سالهای مفید باروری از زنان جدا نمیشود.

۱۰-۳-۲- سالمندی

براساس تحقیقات به عمل آمده شصت درصد جمعیت جهان معیشت خود را با دست های خود فراهم میکنند و حدود هشتاد درصد مردم در کشورهای رو به توسعه نه اجرت روزانه دارند و نه حقوق بازنشستگی. از طرف دیگر و بر اساس پیش بینی های سازمان بین المللی کار تا سال ۲۰۰۰ تنها ۲۵ درصد از مردان بازنشسته و ۶ درصد زنان بازنشسته حقوق بازنشستگی دریافت خواهند

کرد. قابل ذکر است تا زمانی که حداقل سهم بازنشستگی زنان از مردان کمتر باشد با توسعه یافتگی و تحقق اهداف توسعه فاصله فراوان وجود دارد.

در مقابل در جوامع صنعتی به دنبال تأمین اقتصادی ناشی از مشاغل، پس اندازها و حقوق بازنشستگی، والدین انتظار ندارند که فرزندان از آنان حمایت مالی کنند. براساس نتایج یک تحقیق و به دنبال مصاحبه های به عمل آمده از تعدادی از والدین در آمریکا فقط ۴ درصد از آنها اظهار داشتند که با توجه به این ایده که فرزندان منبع حمایت مالی آنها میشوند دارای فرزند شده اند، در حالیکه رقم مشابه آن برای کشور مکزیک ۷۳ درصد است. از این رو تلقیات فرهنگی در جوامع صنعتی، تأمین اجتماعی، توسعه یافتگی جامعه و مجموعاً تفاوت های فرهنگی بچه دار شدن خانواده ها و درگیر کردن زنان در امور تولید و پرورش اطفال نقش اساسی دارند.

یک تحقیق به عمل آمده از ۵۰ کشور توسط سازمان ملل متحد حاکی از اینست که پرداخت و حمایت دولت از حقوق بازنشستگی، ارتباط تنگاتنگی با میزان پائین باروری در آن جوامع دارد. شاهد این مدعا کشور چین است که در کمتر از ده سال نرخ باروری به نیم کاهش یافته است. یعنی از زمانی که مردم این تضمین را به دست آوردند که در دوران سالمندی در کمون هایی خاص از آنها حمایت میشود نرخ باروری کاهش یافت. یعنی هر چه آینده و دوران سالمندی والدین کمتر وابسته به فرزندان باشد، به بچه های کمتری نیاز است. از اینرو توسعه و سلامت جامعه در گرو توسعه، سلامت و امنیت اجتماعی سالمندان از جمله قشر زنان است.

۱۱-۳-۲- اشتغال زنان و کنترل جمعیت

عده ای از صاحب نظران معتقدند عوامل فرهنگی مؤثر در باروری عبارتند از: ارزش های فرهنگی و مذهبی، تأثیرات اجتماعی و ساختی، تصورات از محیط و منابع و ویژگی های شخصیتی. براساس مطالعات انجام شده چنین نتیجه گیری میشود که آن دسته از افرادی که تحصیلات بیشتر و سواد بالاتری دارند و شهرنشین تر هستند و بیشتر در معرض ارتباطات جمعی قرار دارند از میزان باروری پائین تری برخوردارند. تماس فرد با نهادهای جدید و تجارب حاصل از این ارتباط تأثیر قابل ملاحظه ای در نوگرایی او دارد. این تجارب تأثیر خود را آشکارا از طریق نوساختن گرایشها و ارزش های فرد اعمال میکنند.

بی سواد و کم سواد جمعیت، عدم پوشش سیستم تأمین اجتماعی، اقتصاد غالب کشاورزی در روستاها و نیاز به نیروی انسانی، مسائل فرهنگی و جوانی جمعیت، از جمله عوامل عمده بالابودن میزان باروری و مولید در ایران است. به طور کلی میتوان گفت که فرزند خواهی یا به عبارت صحیح تر 'پرفرزند خواهی' در ایران ریشه در مسائل فرهنگی دارد. بنابراین برای کاهش رشد جمعیت و یا اعمال هر نوع سیاست گذاری دیگری در این زمینه باید مسائل اجتماعی-

فرهنگی جامعه به دقت مورد توجه قرار گیرد. آنچه که به عنوان ترکیب اشتغال بالا و باروری کم در کشورهای پیشرفته مشهود است نتیجه دگرگونی در طرز تفکر زنان، با سوادى آنان و مراتب شغلی و تحرک اجتماعی آنان است که خود بر سن ازدواج، تعداد بچه های دلخواه و استفاده از وسایل پیشگیری تأثیر میگذارد.

عامل اشتغال نیز به عنوان یک سمبل تجدد خود موجب بهبود وضع زنان شده و بر تعداد فرزندان یا کاهش میزان باروری آنان اثر میگذارد. وقتی که زن کار میکند نقش او به عنوان کارگر یا کارمند با نقش او به عنوان مادر تضاد پیدا میکند و کمتر بودن تعداد فرزند از فشاری که این تضاد به وجود می آورد می کاهد. در سراسر جهان عده زنانی که در خارج از خانه کار میکنند رو به افزایش است. لازم به یادآوری است که در آسیای شرقی که کاهش زیادی در میزان زاد و ولد دیده میشود، درصد زنانی که کار میکنند از ۲۸ درصد به ۳۸ درصد رسیده است که نزدیک به میزان کشورهای غربی است. اغلب تحقیقات نشان دهنده رابطه مستقیم بین کار خارج از خانه زن و فرزندان کمتر اوست.

عامل اشتغال زنان که خود یکی از شاخص های تجدد به حساب می آید نیز بر آهنگ رشد جمعیت اثر میگذارد. اشتغال بالا و میزان باروری پائین، رابطه ای است که در جوامع صنعتی مشهود است و خود تغییری در طرز فکر زنان به وجود آورده است. این امر بر تشکیل خانواده در آن جوامع نیز اثر گذاشته است. روی هم رفته، میزان تحصیلات، اشتغال و تحرک اجتماعی بر تشکیل خانواده، سن ازدواج، تعدد فرزندان دلخواه و میزان استفاده از وسایل پیشگیری در آن جوامع اثر گذاشته است. به همین خاطر، مادران در کشورهای صنعتی و جوامعی که میزان اشتغال زنان بالا است دارای فرزندان کمتر و در جوامعی که اشتغال زنان زیاد معمول نیست دارای فرزندان بیشتری هستند، جدول زیر بیانگر متوسط تعداد فرزندان زنان در دو گروه کشورهای پیشرفته یا صنعتی و روبه پیشرفت است:

میانگین تعداد فرزندان یک زن در دو گروه

کشورهای توسعه یافته	کشورهای رو به توسعه
آلمان غربی	۱/۴
هلند	۱/۵
اتریش	۱/۶
دانمارک	۱/۷
کانادا، آلمان شرقی، سنگاپور، ژاپن	۱/۸
آمریکا	۲
مجارستان	۲/۱
	۸/۱
	۷/۱
	۷/۱
	۶/۱
	۵/۹
	۵/۸
	۵/۷

(جامعه شناسی جمعیت و تنظیم خانواده - دکتر شیخی - نشر دیدار)

در نتیجه مطالعات جامعه‌شناسی تاکنون نشان داده است که در هر جامعه اغلب کاهش میزان باروری توسط افرادی که تحصیلات بالا داشته‌اند آغاز شده و کم‌کم بین گروه‌ها و طبقات دیگر رایج شده است. این روند، یعنی کاهش ضریب باروری که با تجدیدگرایی در کشورهای رو به توسعه، بسیار در ارتباط است، در همه گروه‌های اجتماعی نه تنها فقر را کاهش می‌دهد، بلکه سبب کم شدن نابرابری‌های اجتماعی نیز می‌شود. لذا از دیدگاه جامعه‌شناسی، کاهش جمعیت اولین سلاح هر برنامه و مبارزه‌ای شناخته شده است که هدف آن برقراری عدالت اجتماعی است.

بخش چهارم

اشتغال زن و تمهیدات جهانی

مقدمه

امروزه اغلب افرادی که در مسائل توسعه کار میکنند اتفاق نظر دارند که زنان باید در کارها مشارکت داشته باشند. اما مسئله چگونگی این مشارکت است. انجام این کار مسائل جانبی متعددی نظیر الزامات ملی، سیاستهای مناسب، منابع کافی و به کارگیری زنان را طلب میکند. حتی اگر تمامی این عوامل مهیا باشد بازهم یک هدایت دائمی و مستمر نیاز است. در هر صورت فعالیت ها و برنامه های توسعه بر زندگی زنان اثر میگذارد و از طرفی از سازمان و ارتباطهای جنسیتی موجود در یک جامعه تأثیر میگیرد. به همین جهت موقعیت فعالیت های توسعه نیاز به شناخت دقیق و صحیحی از آنچه زنان و مردان از نقشهای اجتماعیشان درک و عمل میکنند و نیز تغییرات این نقشها در اثر زندگی مدرن دارد.

حتی در این صورت این شناخت نمیتواند ضامن مشارکت مناسب زنان باشد. اما ابزاری وجود دارد که ما را برای رسیدن به این هدف یاری میدهد و آن راهنما و چک لیستها برای زنان در توسعه (WID) میباشد که به وسیله سازمان ملل در دهه زنان (۱۹۷۹-۱۹۸۵) تدوین گردید. در این راهنما مفاهیم و تحلیل های جدیدی که بر مبنای ۱۵ سال تفکر و تحقیق در رابطه با (WID) استوار گردیده یک وسیله قابل انعطاف که به برنامه ریزان کمک میکند سریعاً چگونگی نحوه اثرات متفاوت فعالیت های خود را بر زنان و مردان سنجیده و نیازهای متفاوت آنها را درک کنند.

در این قسمت به برخی از نظرات سازمان های جهانی به ویژه سازمان ملل در زمینه اشتغال زنان اشاره میشود.

* کار و اشتغال مولد عناصر اصلی توسعه و عناصر تعیین کننده هویت انسان هستند رشد پایای اقتصادی و توسعه مداوم و همچنین گسترش اشتغال مولد باید دست در دست هم پیش بروند. اشتغال کامل که از مزد درخور بهره مند باشد، یکی از راه های کارآمد مبارزه با فقر و تقویت انسجام اجتماعی است. لازمه تحقق هدف اشتغال کامل آن است که کلیه دیگر قسمت های جامعه مدنی در همه سطوح، برای ایجاد شرایطی که امکان مشارکت فعال در کار مولد و بهره مندی از مزایای آن را برای همه به وجود آورد، همکاری کنند. در جهان افزایش ارتباطات و گسترش

وابستگی چندجانبه کشورها به یکدیگر، لازم است اقدامات ملی توسط همکاری بین‌المللی پشتیبانی شود.

* جهانی شدن (Globalization) و رشد سریع تکنولوژی به تحریک بیشتر نیروی کار منجر میشود و فرصت‌های شغلی تازه و تردیدهای تازه‌ای را به وجود می‌آورد. مشاغل نیمه وقت، غیرمهم و اتفاقی و دیگر شکل‌های غیرعادی اشتغال، افزایش یافته‌اند. علاوه بر ضرورت ایجاد فرصت‌های جدید شغلی در مقیاسی بی‌سابقه، چنین محیطی در دنیای امروز ضرورت تلاش‌های گسترده برای افزایش روند توسعه منابع انسانی در جهت توسعه مداوم از طریق ارتقاء سطح دانش و مهارت‌های مردم به ویژه زنان و نوجوانان برای کار مولد و سازگار با شرایط متحول را می‌طلبد.

* در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، رشد اشتغال در حال حاضر در شرکت‌های کوچک و متوسط و خوداشتغالی بسیار زیاد است. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، فعالیت‌های بخش غیررسمی اغلب منابع اصلی فرصت‌های شغلی برای کسانی است که دسترسی محدود به اشتغال در بخش رسمی دارند. این مسئله به ویژه در مورد زنان صدق میکند. از میان برداشتن موانع موجود بر سر راه فعالیت اینگونه شرکت‌ها و حمایت از تأسیس و گسترش آنها باید با حفاظت از حقوق اساسی، بهداشت و ایمنی کارگران و بهبود همیشگی شرایط کلی کار، همراه با تقویت اقداماتی برای ورود بعضی از این مؤسسات به بخش رسمی همراه باشد.

* در عین حال که همه گروه‌های مردم میتوانند از فرصت‌های بیشتر اشتغال بهره‌مند شوند، نیازهای ویژه و الگوها و گرایش‌های جمعیت شناختی در حال تغییر، ضرورت دست‌زدن به اقداماتی متناسب را ایجاد کرده است. لازم است بخش‌های خصوصی و دولتی در کلیه زمینه‌های مربوط به اشتغال دست به تلاش‌های ویژه‌ای بزنند تا برابری جنسی، برابری بهره‌مندی از فرصت‌های اشتغال، عدم تبعیض مبتنی بر نژاد، رنگ پوست، مذهب، سن، سلامتی و ناتوانی تضمین شده و اسناد و توافقات بین‌المللی نیز محترم شمرده شود. توجه ویژه به نیازهای گروه‌هایی از مردم که در دسترسی به بازار کار با نوعی محرومیت روبرو هستند و تضمین سر و سامان یافتن آنها در فعالیت‌های مولد از طریق ترویج مکانیزم‌های حمایتی کارآمد ضروری است.

* کار مولد بدون دستمزد مانند مراقبت از کودکان و سالمندان، تولید و آماده کردن غذا برای خانواده، حفاظت از محیط زیست و کمک داوطلبانه به افراد و گروه‌های محروم و آسیب‌پذیر دارای اهمیت اجتماعی بسیار است. در سطح دنیا، عمدتاً اینگونه کارها توسط زنان انجام میشود که

اغلب با فشار مضاعف کار با دریافت و دستمزد و یا کار بدون مزد روبرو هستند. انجام اقداماتی برای تشخیص اهمیت اجتماعی و اقتصادی و ارزش کار بدون مزد، تسهیل مشارکت نیروی کار در این نوع کار از طریق قراردادهای کاری انعطاف پذیر، تشویق فعالیت های اجتماعی داوطلبانه و بسط مفهوم کار مولد، و پذیرش رسمیت اجتماعی این نوع کار، طرح روش هایی برای بازتاب ارزش آن به شکل کمی، کاملاً ضروری است.

* بنابراین در متن ترویج رشد اقتصادی پایا و توسعه مداوم نیاز عاجل به موارد زیر محسوس است:

* قراردادن اشتغال زایی در مرکز راهبردها و سیاستهای ملی با مشارکت کامل کارفرمایان و اتحادیه های صنفی و دیگر بخش های جامعه مدنی

* سیاست هایی برای توسعه فرصت های شغلی و افزایش بهره وری در بخش های روستایی و شهری

* آموزش و پرورش به گونه ای که کارگران و سرمایه گذاران بتوانند خود را با شرایط اقتصادی و تکنولوژی های در حال تغییر سازگار کنند.

* مشاغل دارای کیفیت، با احترام به حقوق اساسی کارگران آنگونه که در اسناد سازمان بین المللی کار و دیگر اسناد بین المللی تعریف شده است.

* دادن اولویت ویژه به مسائل ساختاری بیکاری درازمدت و بیکاری جوانان، زنان، اشخاص ناتوان و کلیه گروه ها و اشخاص محروم در طرح سیاست ها

* قدرت دادن به زنان، ایجاد تعادل در قدرت تصمیم گیری هر دو جنس زن و مرد در همه سطوح و بررسی مسائل مربوط به جنسیت در طرح سیاست ها برای حصول اطمینان از تأمین فرصت های شغلی و مزد برابر برای زنان و افزایش مشارکت هماهنگ و سودمند دو جانبه زنان و مردان در تقسیم مسئولیت های شغلی و خانوادگی

* قدرت دادن به اعضای گروه های آسیب پذیر و محروم از طریق تأمین امکانات آموزشی

* شناخت گسترده تر نسبت به کار و اشتغال و انعطاف پذیری بیشتر در قراردادهای مربوط به زمان کار، هم برای مردان و هم برای زنان

* مشارکت کامل زنان در بازار کار و دسترسی برابر آنها به فرصت های شغلی انجام اقدامات زیر را میطلبد:

الف- برقراری اصل برابری بین مردان و زنان به عنوان مبنای سیاست اشتغال و ترویج آموزش حساسیت جنسی برای از بین بردن تعصب در برابر اشتغال زنان

ب- از بین بردن تبعیض جنسی، از طریق دست زدن به اقدامات مثبت در مورد دستمزدها، دسترسی به اعتبار، مزایا، ارتقاء شغلی، آموزش، پیشرفت در کار، شرایط کار، ایمنی و مزایای تأمین اجتماعی

ج- گسترش امکان دسترسی زنان به تکنولوژی هایی که کار آنها را آسان میکند، تشویق خوداتکایی، درآمدزایی، تغییر نقش های تجویزی جنسیتی در روند تولید و ایجاد امکان خروج زنان از مشاغل دارای دستمزد پائین تر که به طور سنتی برای زنان تعیین شده است.

د- تغییر آن سیاست ها و نگرش هایی که تقسیم نیروی کار را بر مبنای جنسیت تقویت میکند و تأمین حمایت نهادی همچون حمایت اجتماعی برای دوران زایمان، مرخصی های مخصوص والدین، تأمین تکنولوژی هایی که مشارکت در کارهای خانگی را تسهیل میکند و در نتیجه بار آنها را کاهش میدهد، قراردادهای کاری انعطاف پذیر، از جمله پذیرش اشتغال نیمه وقت داوطلبانه والدین و مشارکت در کار و همچنین دسترسی به تسهیلات مطلوب مراقبت از کودکان ایجاد امکان هماهنگی بین مسئولیت های کاری و خانوادگی برای والدین شاغل، توجه ویژه به نیازهای خانواده هایی که فقط یکی از پدر یا مادر حضور دارند و امور را اداره میکنند.

ه- تشویق مردان به پذیرش نقش فعال در همه زمینه های مسئولیت خانوادگی از جمله تشریک مساعی در پرورش کودکان و کارهای خانه

* در ارتباط با پائین آوردن رشد جمعیت که خود صرفاً از طریق به کارگیری برنامه های تنظیم خانواده امکان پذیر است، صندوق فعالیت های جمعیتی سازمان ملل به مصداق شعار سرمایه گذاری روی زنان کلید آینده است. توصیه هایی به شرح زیر ارائه داده است:

۱- برداشتن موانع موجود از سر راه زنان در ارتباط با مشارکت کامل آنان در جامعه و خانواده براساس برابری با مردان و برداشتن مبنای قانونی تبعیض در جوامع مختلف

۲- آموزش دادن مردان و زنان، هر دو، این امر از نظام مدرسه شروع میشود و پذیرفتن این اصل که زنان و مردان در اصل برابر هستند و در خانواده و جامعه حقوق برابر دارند.

۳- فراهم آوردن شرایطی که زنان بتوانند دسترسی بیشتری به امور تصمیم گیری و رهبری در دولت و بخش های خصوصی داشته باشند، به نحوی که در طراحی و تکمیل برنامه های مربوط به زنان نقش مؤثر داشته باشند.

۴- در اولویت قرار دادن برنامه تنظیم خانواده، با تخصیص حداقل یک درصد از تولید ناخالص ملی کشورهای مربوط، به این امر

۵- گسترش خدمات تنظیم خانواده بین بیش از ۵۰۰ میلیون زن در جهان

۶- افزایش کمک های بین المللی در ارتباط با برنامه های تنظیم خانواده از نیم میلیارد دلار آمریکا به نصف آن مبلغ در سال

۷- کاهش مرگ و میر مادران حین زایمان به ۵۰ درصد آنچه که در حال حاضر هستند

۸- کاهش مرگ و میر اطفال به ۵۰ در هر ۱۰۰۰ طفل زنده به دنیا آمده

۹- افزایش سهمیه دختران در مدارس ابتدائی به حداقل ۷۵ درصد و در دبیرستان به حداقل ۶۰ درصد

۱۰- افزایش با سوادی زنان به حداقل ۷۰ درصد

سرمایه گذاری روی زنان سرریعا به فقر پایان نمی دهد تا برابری ها را خیلی سریع در کشورهای مختلف و در بین مردم از بین برد. رشد جمعیت را پائین آورد و بلکه کمک می نماید تا کشورها و جوامع مختلف به چنین اهدافی نزدیک شوند. چنین سرمایه گذاری تأثیری عاجل بر جمعیت آسیب پذیر جهان خواهد داشت. چنین سرمایه گذاری اساس نسل های آینده را پی ریزی خواهد کرد به نحوی که استفاده هایی بهتر از منابع و فرصت ها بتوان به عمل آورد، و آن تا اندازه زیادی با پیش گرفتن برنامه های تنظیم خانواده در ارتباط است. به عبارت دیگر، اگر زنان بتوانند تعداد بچه هایی را که می خواهند، انتخاب کنند، باروری تا بیش از یک سوم در آمریکای لاتین و آسیا و ۲۷ درصد در آفریقا کاهش خواهد یافت. (گزارشی پیرامون اجلاس جهانی توسعه اجتماعی - دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی سازمان ملل - مؤسسه چاپ وزارت امور خارجه - ۱۳۷۶)

فصل سوم:
تأثيرات اشتغال زن در خانواده

مقدمه

خانواده یکی از نهادهای بنیانی جامعه انسانی است که همواره به اشکال گوناگون در طی تاریخ وجود داشته است. خانواده با کارکردها و نقش های مختلفی که بر عهده دارد در تنظیم زندگی اجتماعی انسان نقش مهمی را ایفا می کند

امروزه گرچه خانواده در روند تکاملی اش برخی از کارکردهای خود را از دست داده است اما کارکردهای اساسی آن یعنی تشکیل شخصیت اجتماعی - فرهنگی، هنوز باقی است. طرفداران مکتب ساختی - کارکردی بخصوص بر این عقیده خود که اجتماعی شدن انحصارا توسط خانواده صورت میگیرد، اصرار میورزند. منظور جامعه شناسان از خانواده، خانواده هسته ای است که از والدین و فرزندان صغیر و ازدواج نکرده آنان تشکیل شده است و خانواده هسته ای دارای چهار کارکرد است که تداوم جامع را تضمین مینماید. این چهار کارکرد عبارتند از کارکردهای حسبی، اقتصادی، کارکرد مربوط به زاد و ولد و تعلیم و تربیت.

به عقیده مردوک هیچ جامعه ای در یافتن جانشین مناسبی برای خانواده هسته ای توفیق نیافته است. اسلام نیز به تأثیر خانواده در رشد و تربیت کودک تأکید ویژه ای دارد. حضرت علی علیه السلام میفرماید: لامیراث کلادب. یعنی هیچ میراثی بهتر از ادب و تربیت نیست.

تغییرات خانواده در طی زمان و بدنبال آن تغییر نقش ها و وظایف اعضای خانواده خودبخود شرایط نوینی را در روابط بین اعضاء خانواده پدید می آورد که این شرایط متفاوت از ساختار قبلی خانوادهها می باشد. گسترش اشتغال زنان و مشارکت بیشتر آنان در امور اجتماعی از جمله رخسارهای کنونی نهاد خانواده در ایران است که شناخت هر چه بیشتر تاثیرات آن بر روابط خانوادگی چشم انداز روشنتری نسبت به آینده خانواده در اختیار ما قرار می دهد.

۱-۳- نقش زن در خانواده

حال که سعادت و شقاوت فرد به محیط خانواده و تربیت وی بستگی دارد باید به این پرسش پاسخ داد که نقش زن در درون خانواده چیست و در اجتماع چه نقشی برعهده دارد؟ برای پاسخ به سؤال اول باید ابتدا به این نکته توجه نمود که آیا زن نقش جنسی خود را یاد گرفته و آن را پذیرفته است تا بتواند به خوبی از انجام وظیفه همسری و مادری برآید؟ طبیعی است که وی با الگوهای تجویزی جنسی برای زن و مرد آشناست. اما این دانش لزوماً به قبول منجر نمیشود. امروزه تفاوتی موجود در مفاهیم سنتی و جدید نقش جنسی، عامل اصطکاک در خانواده هاست. نقش سنتی مرد، تأکید بر نان آوری و سرپرستی خانواده دارد، اینکه از نظر جنسی و عاطفی قوی بوده و از زیر بار مسئولیت شانه خالی نکند و در تمامی زمینه های ارتباطی بر زن مسلط باشد، تصمیمات را او بگیرد و حرف آخر را او بزند، برای زن هم مهمترین نقش، همسر و مادر بودن

است و اینکه از طریق خدمت به دیگران به تحقق خویشتن برسد و از آنجا که خدمت به دیگران (خانواده) برای یک زن بیشترین رضایت خاطر را می آورد، کلیشه رایج در ذهن تمامی زنان از یک زن بزرگسال، زنی است متأهل.

بر طبق مفهوم سنتی از مادر، زن باید وقت خود را به مراقبت از بچه ها و آموزش آنها اختصاص دهد و آنها را مطابق با الگوهای تأیید شده اجتماعی بار آورد.

فرهنگ سنتی خانواده، اعتقاد به سلسله مراتب و وحدت و مرکزیت گروه خانوادگی دارد. یکی از مظاهر این فرهنگ برتری جنس مذکر است. زن در قیمومیت دائمی است، دختر تحت سلطه پدر و خواهر تحت سلطه برادران و زن تحت سلطه شوهر است. پسر برای حمایت کردن و فرمان دادن تربیت میشود و دختر برای اطاعت کردن، فرزند آوردن، زیبا و مطلوب بودن.

زنان بر طبق چنین مفهومی در نتیجه این که بعنوان فرودست مرد در نظر گرفته میشوند، گرفتار عقده گروه اقلیت میگردند و این امر بصورت یک بحران در آنان ظاهر میشود. آنان در اینکه بتوانند در تجارت، صنعت و یا مشاغل، رقیب مردان به حساب آیند شک دارند و دارای احساس عدم کفایت در داشتن نقش رهبری و یا حضور در دنیای اجتماعی بوده و در دل آرزو میکنند که ای کاش مرد متولد شده بودند. علاوه بر این احساس عمومی و حقارت، زنان متأهل اغلب اضافه مینمایند که احساس میکنند در 'دام' افتاده اند. در موقعیتی که میخواستند نیستند و امیدی هم به رهایی از آن ندارند. زیرا نقش همسری و مادری وی توسط کسانی که علایق شخصی خود را فدای آنان نموده است، دست کم گرفته میشود. همچنین اگر زن به این باور برسد که کاری که انجام میدهد، کم اهمیت توأم با احساس تنهایی و کمتر از حد تواناییها و آموزشهای خود است و اگر دریابد که خیالهایی را که از زندگی زناشویی در سر داشته پوچ بوده است، احساس تنهایی، سرخوردگی و آزردهی مینماید.

خانه داری صرف، بدون هیچگونه فعالیت اجتماعی به خصوص برای زنان طبقه اجتماعی - اقتصادی بالا و آنان که تحصیلاتشان بالاتر است، سازگاری شخصی و اجتماعی آنان را بیشتر تهدید میکند. به همین جهت است که 'کرمز' اظهار داشته است که: خانه دار شدن برای بسیاری از زنان مستلزم سازگاری قابل توجهی در ارزشهاست.

اکنون قبل از بیان ویژگی های مفاهیم جدید و سنتی، لازم است به نظر اسلام در مورد زن نیز توجه کنیم. در اسلام زن و مرد در پیشگاه خداوند متعال مساوی هستند و آیه شریفه آن اکرمکم عندالله اتقیکم در مورد زن نیز جاری است. لذا نه زن و نه مرد به لحاظ جنسیت خود نباید به دیگری فخر بفروشد. پیامبر بزرگوار اسلام (ص) نیز میفرماید: بزرگمردان زنان را گرامی میشمارند و فرومایگان زنان را خوار میدارند و یا بهترین شما کسانی هستند که برای زنان خود بهتر باشند. خداوند در آیه ۲۴ سوره نساء معاشرت نیکو با زنان را به مردان توصیه مینماید. در ذیل آیه فوق آمده است که زن و مرد شاخه های یک ریشه هستند (یعنی انسانیت) و جامعه به

وجود آنان محتاج است همانطور که آنان نیز بدان محتاجند. (زن در آئینه جمال و جلال - استاد جوادی آملی)

همانطور که ملاحظه میشود اسلام زن و مرد را مساوی دانسته و همسران را به حسن معاشرت با آنان دعوت نموده است. توجه به این نکته از این جهت اهمیت دارد که زنی که فرودست بوده و فاقد اعتماد به نفس و قدرت تصمیم گیری می باشد، چگونه خواهد توانست فرزندان شایسته تربیت نماید؟

مدل شماره ۱

مفهوم جدید از زن

- تأکید بر نقش جنسی و فردیت شخص
- مرد شریک زندگی زن است و مانع فعالیت های او نمی شود
- زن کمال خود را در به فعلیت رساندن نیروهایش دانسته و نه کمک به سایرین
- دوری از خانه موجب احساس گناه نیست

مفهوم سنتی از زن

- تسلط و برتری جنس مذکر و تأکید بر نان آور بودن و سرپرستی مرد
- زن در تأمین معاش محتاج مرد است
- کم اهمیت تلقی شدن نقش مادری و همسری
- تربیت متفاوت دختر و پسر

تضاد بین دو مفهوم سنتی و جدید از نقش زن

احساس محرومیت ناشی از تعارض نقش
خستگی مزمن ناشی از انجام کار در خانه
سردرگمی، اضطراب و احساس بیهودگی
ندانستن انتظارات دیگران

سازگاری سخت تر و دیرتر زن

عدم اعتماد به نفس زن

عدم کفایت در انجام وظایف مادری

اما مفاهیم جدید بر نقش جنسی و فردیت شخص تأکید دارد. مرد شریک زندگی است و با همسرش در انجام وظایف خانه و مراقبت از فرزندان همکاری میکند، وی را در تصمیمات شرکت میدهد و مانع بر آوردن تمایلات و تحقق خویشتن وی - چه بصورت فعالیت برای کسب دستمزد و چه بصورت فعالیتهای داوطلبانه نمیشود. مهمتر از همه اینکه در نظر گرفتن حقوق مساوی برای زن باعث نمیشود که مرد این احساس را داشته باشد که "زیر نفوذ زن" قرار گرفته است. در این دیدگاه زن تحقق خویشتن را در به فعل رساندن نیروهای بالقوه خود می بیند و نه در کمک به دیگران. دوری از خانه و گماردن فرد دیگری برای مراقبت از فرزندان، موجب احساس گناه او نمی شود.

همانطور که ملاحظه میشود وجود مفاهیم متعارض از نقش زن، وی را دچار سردرگمی، اضطراب و احساس بیهودگی می کند. وقتی فردی بداند که چه انتظاری از وی میروود، سازگاریش آسانتر و سریع تر خواهد شد. ابهامات موجود در نقش تأیید شده زن، مشکلات سازگاری را در وی بیشتر می کند. (مدل شماره ۱)

سازگاری در ازدواج بخصوص که تأثیر زیادی بر پرورش فرزندان و به طور غیرمستقیم بر جامعه دارد، اغلب به طور جدی تحت تأثیر مفاهیم متعارفی قرار می گیرد که زن و شوهر از نقشی که باید ایفا نمایند، دارند. در این مورد هر فردی باید یاد بگیرد با شخصی که علایق ارزشها و انتظارات متفاوتی دارد، زندگی نماید. بسیاری از مشکلات ازدواج بخصوص از رمانتیک بودن زن ناشی می شود که زندگی واقعی را با ایده آل های خود بسیار متفاوت می بیند و این امر موجب سرخوردگی وی شده و سازگاری با وظایف و مسئولیت ها را برایش دشوار می سازد. سازش با نقش والدی نیز بر سازگاری شخصی و اجتماعی، ارتباطات خانوادگی و همچنین بر احساس خرسندی و خوشبختی اعضای خانواده تأثیر خواهد گذاشت.

بسیاری از زنان در این مورد احساس ناامنی می کنند و علتش هم اینست که مفهوم آنان از مادر خوب با مفهوم شوهرانشان متفاوت است. "گلن" عقیده دارد که زنان کشف میکنند که الگوهای فرهنگی و اجتماعی سبب می شود که نقش مادر برای آنان رضایت بخش نباشد. زیرا وقتی بچه ها بزرگتر می شوند از وی استفاده نموده و یا نقش او را کم ارزش تر از مرد می دانند. وقتی زن در می یابد که نقش سنتی زنان - یعنی همسری و مادری - وجهه کمی دارد، انگیزه برای یادگیری این نقش و ایفای آن کمتر در وی به وجود می آید.

'بند' و 'مکسگای' و 'راسل' اظهار میدارند که نگرش های ناگوار موجب می شود که برخی از زنان از خستگی کمابیش مزمن ناشی از کار خود در خانه و یا احساس محرومیت ناشی از تعارض نقش، رنج ببرند. احساس خستگی در هر سنی در زنان بیشتر از مردان است و اغلب در نتیجه آزردهی خاطری به وجود می آید که از مقایسه زن با همسرش نصیب وی می گردد. او احساس می کند شوهرش در مقایسه با او از زندگی راحت تری برخوردار است. زنان به خصوص زنان خانه دار،

حتی در انتخاب دوستان خانوادگی و معاشرت های خود نیز آزاد نیستند. دوستان خانوادگی عموماً توسط شوهر و براساس علائق مشترک بین مردان مثل شغل دانشگاه، تحصیلات پیشینه و یا تفریحات انتخاب می شوند. این احساس عدم کنترل و نداشتن قدرت در زمینه های مختلف منجر به ایجاد احساس افسردگی در زنان می گردد.

هرگونه اصطکاک بین همسران در محیط خانواده می تواند موجب به وجود آمدن مشکلات رفتاری در فرزندان آنان شود از مطالعه ۱۱۰۰ دانش آموز مشغول به تحصیل در مدارس راهنمایی استان همدان نتیجه گرفته شده است که روابط والدین با یکدیگر و با فرزندان بیشترین رابطه معنی دار را با مشکلات رفتاری نشان می دهد. تأثیر این عوامل هم بر مشکلات بیرونی، نظیر دروغ گوئی، تقلب دزدی عصبانیت و واکنش های مربوط به آن مشهود بود و هم بر مشکلات درونی مثل افسردگی، انزوای طلبی و سواس و اضطراب.

۲-۳- زن و ایفای نقش اقتصادی

اما نقش و جایگاه زن در جامعه تنها توسط نقش وی در خانه تعیین نمی گردد. جامعه به نقش اقتصادی وی نیز توجه دارد و چون زن در می یابد که ارزش وی تنها به ایفای خانه داری نیست و زنان شاغل گرچه نه لزوماً اما در بیشتر مواقع از تساوی حقوق بیشتری در محیط خانه برخوردارند، آزادی و استقلال بیشتری در تهیه آنچه می خواهند دارند و امکانات تحصیلی بهتری برای فرزندان خود مهیا می نمایند، مایل نیستند که به ایفای نقش سنتی خود اکتفا نمایند. آنان نمی خواهند نقش فرودستی برای همسران خود داشته باشند و بدون اینکه به هیچ کار دیگری که مورد علاقه شان هست بپردازند تمام وقت خود را به خانه و بچه ها اختصاص بدهند. آنها مایلند که بتوانند به همسرانشان بیاموزند که مفهوم بیشتری از تساوی نقش را برایشان در نظر بگیرند و اجازه دهند که آموزش ها و تعلیم و تربیتی را که دیده اند به کار بگیرند.

اما زنی که علاوه بر دارا بودن نقش مادری و همسری آرزومند ایفای وظیفه ای در اجتماع و اقتصاد است، اغلب رضایت خاطر کمتری از ایفای هر یک بدست می آورد. وی به ضرورت باید دقت کمتری را صرف شغل انتخابی خود و پیشرفت در آن نماید و لذا آن طور که انتظار دارد نمی تواند از نردبان پیشرفت شغلی بالا برود. علاوه بر آن بدان خاطر که از خانه دور است و در نتیجه به مراقبت کافی از فرزندان نمی رسد، احساس گناه می نماید. احساس گناهی که به دلیل وجود نگرش اجتماعی نامطلوب به کار مادر، فزونی نیز میگیرد. همین امر به توانمندی بودن اشتغال زن می انجامد. یعنی باعث می شود که زن پس از اینکه وارد بازار کار شد پس از چندی به سبب ازدواج و بچه دار شدن برای مدتی از محیط اشتغال خارج شده و پس از گذشت چند سال یعنی از سن ۳۵

سالگی مجددا جذب آن گردد. چنین پدیده ای به نفع نیروی کار زن نبوده و برای کارفرمایان نیز ایجاد دوره های بازآموزی را ضروری می نماید. گذشته از آن موجب می شود که آنان به اشتغال زنان روی خوش نشان ندهند.

در ایران ۳/۷ درصد از زنان زیر ۱۵ سال کار می کنند و پس از آن این نسبت بیشتر می شود و به ۱۵/۵ درصد می رسد و سپس مجددا سقوط می کند. در مقاطع سنی ۲۰-۲۴ سالگی ۱۴/۷ درصد و ۲۵-۲۹ سالگی ۱۲/۷ درصد جمعیت زنان به بازار کار روی می آورند و سپس تشکیل خانواده و وجود فرزندان باعث برگشتن زن به محیط خانه می شود. در صورتی که کار زن هنگام مجرد و یا نداشتن بچه بیشتر پذیرفته شده است. در فرانسه نیز از ۵۰ درصد زنان شاغل در گروه های عالی، پس از تولید سومین فرزند تنها ۳۴ درصد در کار خود باقی می ماندند و این نشانه توجه مادر و تا حدودی فقدان جانشین برای او در محیط خانه است.

۳-۳- توجه افراطی به اشتغال زنان

این اشکال در فرهنگ سنتی ما وجود دارد که نتوانسته ایم اهمیت مادر بودن و تربیت فرزندان را برای خانم ها تبیین کنیم و با تفکرات غلط برخی مردان، زنان را در زمینه تأمین معاش نیازمند معرفی کرده ایم، بیش از آنکه تأمین معاش خانواده را به عنوان وظیفه مسلم مردان تعریف نمائیم. وقتی در دوران کودکی و بعد از بلوغ و بزرگسالی به زنان به دیده افرادی حاشیه ای در زندگی نگاه شود این حس خواه ناخواه در وجود آنها رشد خواهد کرد که برای کسب هویت و لیاقت، باید خود را به آب و آتش بزنند. متأسفانه چنین باورهای سنتی در جامعه ما که با دستورات شرع مقدس اسلام هم مغایر می باشد سبب شده است تا برخی دختران نسل جدید تصور کنند در صورت عدم اشتغال به یک کار در بیرون از منزل، در آینده و پس از ازدواج نیز یک هویت واقعی نخواهد داشت! چنین ایده ای باعث می شود که زنان شخصیت و ارزشمندی خویش را در قالب هایی به جز قالب ازدواج جستجو کنند و برای کسب آن به شغل و کار در بیرون از منزل توجه افراطی از خود بروز دهند.

متأسفانه امروزه مفهوم واقعی کار نزد برخی از زنان جامعه ما به نسبت برخی تحولات و باورهای جدید تا حدود زیادی تغییر کرده است اگرچه نمی توان همه افکار عقاید و نیازها را در یک قالب بررسی کرد. به نظر می رسد برای انتخاب شغل در بیرون از خانه از نیاز مالی فراتر رفته و به صورت تصاعدی به یک نیاز اجتماعی کاذب تبدیل شده است در چنین شرایطی می توان ادعان کرد در جامعه ای که مدعی توسعه متوازن می باشد و بر ابعاد اقتصادی و اخلاقی و تربیتی آن مشترکا نظر دارد، چنین حرکتی در خدمت فضای تربیتی جامعه نخواهد بود. در حالی که تربیت فرزندان

سالم، آرام و بدون هیچگونه کمبودهای عاطفی یکی از ضروریات مهم توسعه متوازن می باشد، توسعه ای که می توان امیدوار بود در سایه رشد هماهنگ نسلی پویا و امیدوار به آینده، به حرکت صحیح و با پشتوانه خود ادامه خواهد داد.

پس باید بسیار حساس بود و در تبلیغ انگیزه های کارکردن زنان در خارج از محیط منزل باید به گونه ای حرکت کرد که به هیچ یک از ابعاد عاطفی و تربیتی و نقش بسیار برجسته مادرانه بانوان در زندگی لطمه ای وارد نیاید.

نباید فراموش کرد که رواج فضایل اخلاقی و معنویت در مرحله نخست در دست مادران قرار دارد و به عنوان یکی از ارکان اساسی و عامل حرکت و ماندگاری هر ملتی، نقش غیرقابل انکاری را ایفا میکنند.

اگر ملتی در کنار سایر پیشرفت های فنی و اقتصادی به جایگاه تربیتی و اخلاقی نسل آینده خود که بنا به ماهیت طبیعی و تاریخی تمدن های موفق و به ویژه در عصر طلایی تمدن اسلامی، برعهده زنان بوده است، بی توجهی و یا حتی کم توجهی روا دارد. این رویداد میتواند آن ملت و تمدن را به سیر قهقرائی و در نهایت به سمت اضمحلال و سقوط سوق دهد.

البته در فراسوی این نظر درباره مشغله و دغدغه فکری زنان در بیرون از منزل نظریات دیگری نیز وجود دارد، چه کار کردن اجباری برای برخی از بانوان در بیرون از خانواده آنچنان ضروری می نماید که برای ادامه زندگی و یا پرورش اقتصاد خانواده چنین زانی حیاتی می شود. چنین دیدگاهی از آن جهت مطرح شده است تا انگیزه های حیاتی و ضروری با ملاک های کسب هویت اجتماعی، چشم هم چشمی و حتی تفریح بازشناخته شود تا مشاغل بانوان صرفاً در یک دایره مورد بحث و بررسی قرار نگیرد به نوعی که بتوان از بروز خرده فرهنگ رواج غیرضروری مشاغل بانوان در بیرون از منزل پیش گیری کرد.

در بررسی مشکلات زنان شاغل در صدد آن نیستیم تا انگیزه تمام بانوان شاغل را امنی ارزیابی کنیم، زیرا همچنانکه ذکر شد ممکن است در این بیان انگیزه های مثبتی نیز دخالت داشته باشد در عین حالیکه بعضی از تفکرات هم ممکن است چندان پسندیده نباشد. یقیناً این باور عمومی باید اصلاح شود تا مصلحت جامعه و خانواده حفظ شود.

۳-۴- تأثیرات آشکار و پنهان اشتغال زنان بر خانواده

مطالعات بسیاری در جهت تأثیر اشتغال زنان بر روی مناسبات خانوادگی، اعم از روابط زن و شوهر، روابط فرزندان با مادر و غیره انجام گردیده است که اغلب آنان تأثیر منفی برای اشتغال زن در بیرون از خانواده اظهار نموده اند. در یک مطالعه انجام شده طی سال های ۱۹۸۱ الی ۱۹۸۹ در کانادا نتایج را بدست آورده که جنبه های مثبت و منفی اشتغال زنان در آن به چشم می خورد.

۱- استخدام تمام وقت مادران، اضطراب والدین در مورد رفاه کودکان را افزایش می دهد و لذا بر روابط زناشویی تأثیر منفی می گذارد.

۲- استخدام تمام وقت زنان آنان را در انجام کارهای مربوط به خانه سست نموده و هر چند شوهرانشان و همچنین فرزندان مقداری از مسئولیت خانه را به عهده بگیرند ولی چون تنها کمک هستند و بخش اصلی کار مربوط به خود زنان است، لذا بر روی روابط آنان تأثیر منفی می گذارد و موجب تأثیر خاطر زنان می گردد.

۳- افزایش روزافزون مهد کودک ها و سایر سیاست هایی که برای رفع مشکل زنان شاغل به کار برده میشوند هرگز از میزان نگرانی، خستگی جسمی و افسوس و سایر اضطراب های روانی و احساسی در محیط کار نمی کاهد. (Malarkey.R.Boot SMA.M Annvyn C.1991, P.163-176) این مطالعات و سایر تحقیقات در این زمینه بیانگر این مسأله می باشد که در همه جوامع نقش اصلی برای زن نقش مادری و همسری است (جامعه شناسی اشتغال زنان - خانم دکتر سفیری).

در یک نظر سنجی دیگر که در یکی از مجلات خارجی در این زمینه به عمل آمد نشان می دهد که ۳۰۰۰ زن مورد مصاحبه در دهه ۱۹۹۰ اظهار داشته اند که با اشتغال بیشتر مادران در خارج از خانه و افزایش قدرت مالی خانواده، ازدواج و زندگی شیرین تر و دلپذیرتر شده است و خود را خوشبخت تر از کسانی که فقط در داخل خانه فعالیت دارند احساس می کنند. (زن، علم، صنعت و توسعه - دفتر امور زنان صفحه ۴۲)

دکتر باقر ساروخانی در کتاب جامعه شناسی ازدواج به برخی از اثرات اشتغال زنان به این گونه اشاره کرده اند:

- کار زن در خارج از خانه به تسهیل در امر ازدواج منتهی گردیده، دیدار متقابل زن و مرد را افزایش داده و موقعیت های گزینش همسر را متنوع تر و وسیع تر می کند. به عقیده ژان داریک کار زن جانشین جهاز وی گردیده است.

- کار زن همچنین موجب رقابت با همسر می شود مسأله ای که برای وحدت و هماهنگی خانواده زیان آوراست.

- اشتغال زنان بر فرزندان نیز تأثیر می گذارد و باعث می شود که امکان ادامه تحصیل برای فرزندان بیشتر شود بهره هوشی فرزندان زنان شاغل نسبت به فرزندان مادران غیرشاغل بیشتر است. در عین حال کاهش زمان صرف شده در خانه و در کنار فرزندان و جایگزینی افراد دیگر برای نگهداری از فرزند موجب پیدایش و بسط بحران های عاطفی برای فرزندان می گردد.

کارشناسان روانشناسی کودک بر این باورند که حضور مادر در خانه و به خصوص در دوران نوزادی کودک بسیار ضروری است. آنها معتقدند گریه های نوزادان در برخی حالت صرفاً به خاطر شیر نیست بلکه نوازش و آغوش مادر در چنین لحظاتی، باعث اطمینان کودک از محیط خانه و خانواده میشود و چنین احساسی نیز در آینده به عدم بروز استرس در جوانی و بزرگسالی منتهی خواهد شد. یقیناً اطمینان به محیط اطراف و سلامت روح در نزد افراد پیش شرط موفقیت های علمی اجتماعی و اخلاقی خواهد بود.

این موضوع آنچنان با ارزش میباشد که میتواند مورد مطالعه و تحقیق گسترده کارشناسان علوم تربیتی و اخلاقی و محققان توسعه اقتصادی و صنعتی قرار گیرد تا نسبت و ارجحیت هر کدام از ابعاد نسبت به دیگری به درستی بازشناسی شود. جالب اینکه سیر حرکت تک بعدی اقتصادی و صنعتی که به خصوص دنیای غرب در سالهای گذشته آن را طی کرده است. امروزه برخی از اندیشمندان همان کشورها نسبت به آینده چنین حرکتی نگران شده اند و این تجربه میتواند به زنان کشورمان کمک کند که براساس خلقت بشر و تجربه چندین هزار ساله او به تربیت فرزند برای حفظ بنیان حیات و زندگی بیشتر از هر چیز دیگری اهمیت دهند.

به عنوان نمونه میتوان اشاره کرد که آقای 'رابرت لین' در کتاب زندگی سیاسی خود آورده است: 'مشارکت زنان در امور سیاسی یا هر نوع وابستگی به خارج از خانه، به معنی دزدی از فرصت های خانوادگی و تربیت فرزندان است.' یکی دیگر از جامعه شناسان غرب به نام پارسوتر معتقد است که زنان نباید در زندگی شغلی از الگوهای مردانه پیروی کنند و در رقابت مستقیم با مردان برآیند زیرا یکی بودن فرصت های شغلی و برابری، موجب از هم گسیختگی ساختار خانواده خواهد شد.

یا به نظر 'سی نورد' که میگوید: در همه فرهنگها زنان بیشتر نقش پرورش دهنده داشتند و تحت تأثیر عواطف و احساساتند و یا 'ژوزف رینگولد' از دانشکده پزشکی هاروارد میگوید: زنان به طور طبیعی برای مادر بودن آفریده شده اند نه چیز دیگر.

پارسونز در جامعه شناسی کارکرد گرای بر تقسیم کار جنسی اشاره میکند به نظر او مرد نقش ابزاری و زن نقش عاطفی و انجام مشاغل خانگی را برعهده دارد. اما نسل نخست جامعه شناسان نظیر اسپنسر تونیس و دورکیم بر آن بودند که پایگاه هایی که براساس ویژگی های ارثی و غیر اکتسابی مانند جنس کسب شده باشد سرانجام جای خود را به پایگاه های اکتسابی خواهد داد.

به نظر گرهارد لنسکی و جیب لنسکی نوآوری های تکنولوژیکی کمک شایانی در رفع این نابرابری ها کرد. این نوآوری ها شامل اختراع بسیاری از دستگاه های خانگی میشد که زنان را از صرف وقت بیش از حد در خانه معاف کرد. یخچالها، ماشین های لباسشویی و به بازار آمدن خوراکی های سالمی که تا حدی میتوانست جای شیر مادر را بگیرد و روشهای تنظیم موالید، مهم ترین نوآوریهای بودند که سرانجام زنان جوامع را از قید محدودیتها تا حدی آزاد ساخت و به آنها اجازه داد که به فعالیت های اجتماعی گام نهند.

اشتغال زن تیغه دو لبه است که استقلال بیشتر زن بعد مطلوب آن و تعدد وظایف وی برای اولین بار و به صورتی بسیار سنگین بعد مکمل آن است.

اشتغال زنان از دو جهت حائز اهمیت است یکی از لحاظ نقشی که در فرآیند تولید ایفا می کنند و دیگر به خاطر نقشی که زنان شاغل در مقایسه با زنان غیرشاغل در روند تربیت و اجتماعی کردن افراد دارا هستند و می توان از آن به نقش پنهان زنان تعبیر کرد.

۱-۴-۳- تأثیر اشتغال زنان بر فرزندان

در زمینه نقش زنان در تربیت فرزندان ادعاها و یافته های پژوهشی مختلفی وجود دارد که میتوان براساس آنها اهمیت نقش پنهانی زنان را در فرآیند توسعه بیش از پیش مورد توجه و تأمل قرار داد.

در بسیاری از دیدگاه هائی که پیرامون شرایط تحقق فرآیند توسعه توسط صاحب نظران مطرح شده، جنبه های کیفی نیروی انسانی مانند مسئولیت پذیری، سازگاری روانی و اجتماعی، نظم جوئی در امور، داشتن حس خودکارآمدی، توانا دانستن خود و... مورد توجه است و بنابراین، نقش خانواده ها به ویژه مادران در این بین از اهمیت ویژه ای برخوردار است. اگر زنان نقش فعال، سازنده و تعیین کننده ای در اجتماع داشته باشند، بنابر فرآیند همسان سازی در امر تربیت فرزندان قادر خواهند بود تا فرزندان با اوصاف مسئولیت پذیر، سازگار، خودکارآمد و صدیق تربیت کنند. اما اگر به عنوان موجوداتی ضعیف، کم توان و محصور شده به واسطه محدودیت ها و معذورات فرهنگی و محیطی در نظر گرفته شوند، فرزندان هم مانند خود بار خواهند آورد.

در پژوهش‌هایی که به منظور تعیین نقش اشتغال زنان بر تحول روانی، عاطفی و اخلاقی خانواده انجام شده نشان می‌دهد مدت زمانی را که مادران شاغل صرف مراقبت از فرزندان خود می‌کنند هر چند کمتر از زنان غیر شاغل است اما از نظر کیفی فعال‌تر، هدفدارتر و جدی‌تر است. (هیل و استافورد ۱۹۸۸).

دسته‌ای از پژوهش‌ها حاکی از آن است که نوع شغل، مرتبه حرفه‌ای و میزان علاقه مندی مادران به کار در کیفیت ارتباط و میزان توجه و مراقبت از کودکان نقش مهمی دارد. به عنوان مثال، شغلی که روحیه و احساس خودارزشمندی یک مادر را افزایش می‌دهد موجب بهتر شدن رابطه مادر با کودک می‌شود، برعکس شغلی که سبب خستگی بیش از حد، تضعیف روحیه و گسترش احساس خودکم‌بینی در مادر میشود، طبعاً بر چگونگی روابط و تعامل وی با فرزندش تأثیر منفی به جای می‌گذارد.

شواهدی وجود دارد که امور بچه‌داری مادران شاغل از مادران غیر شاغل، به ویژه در زمینه آموزش مستقل بودن، متفاوت است. به جز در مواردی که مادران به علت ترک کودکان خود و سرکار رفتن احساس گناه می‌کنند، مادران شاغل فرزندانشان را تشویق می‌کنند تا در همان سنین اولیه مستقل و متکی به خود بارآیند (هاک ۱۹۹۱) این کودکان قادرند از خود و متعلقات و دارائیهایشان مراقبت نموده و به عنوانیک نوجوان می‌توانند در تکالیف خانه‌داری، آسان‌تر از کودکان مادران غیر شاغل شرکت نمایند.

برخلاف عقاید معمول مبنی بر اینکه اشتغال مادر به کودک آسیب می‌رساند، شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که این امر برای کودکان امتیازاتی را نیز موجب میشود. کودکان مادران شاغل در مقایسه با کودکان مادران خانه‌دار، غالباً سازگاری شخصیتی و اجتماعی بهتری در مدرسه دارند و نسبت به مفاهیم جنسیت، عقاید معقولانه‌تری داشته و باورهای کلیشه‌ای کمتری برای زنان و مردان قائل می‌باشند. دخترانی که مادران شاغل دارند، نسبت به دخترانی که مادران خانه‌دار دارند، از احساس خودکارآمدی، سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی بیشتری برخوردارند و تمایل بیشتری به اشتغال نشان می‌دهند. (گله ۱۹۷۹، هافمن ۱۹۸۹). پسران مادران شاغل نیز در مقایسه با پسران مادران غیر شاغل از احساس خودکارآمدی و سازگاری اجتماعی بالاتری برخوردارند، اما پیشرفت تحصیلی آنان پائین‌تر است (باندوچی ۱۹۶۷، هافمن ۱۹۸۴). هافمن در سال ۱۹۸۴ خاطر نشان میکند که دختران مادران شاغل از نظر اجتماعی یک الگوی شایسته دارند. آنها به طریقی تربیت میشوند که سبب اعتماد به نفس، حس خودارزشمندی و استقلال می‌شود. هر چند برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که پیشرفت تحصیلی پسرهای مادران شاغل در مقایسه با پسرهای مادران غیر شاغل در سطح پائین‌تری است. اما نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که مطلب فوق در مورد پسرهای طبقه متوسط صادق است. برعکس در خانواده‌های بسیار فقیر، پسران مادران شاغل در آزمون‌های شناختی و هوشی نمرده‌ای بالاتر از پسران

غیرشاغل می آورند. این تأثیرات متفاوت اشتغال مادران احتمالاً ناشی از عوامل متعددی است اما به نظر میرسد که یکی از مهم ترین آنها نقش مادر به عنوان یک معلم است. مادران طبقه متوسط نسبت به مادران طبقات پائین تر از تحصیلات بیشتری برخوردارند و میتوانند معلم بهتری برای فرزندان خود باشند و تحریک ذهنی بیشتری را برای او به وجود آورند. بنابراین اشتغال مادر، کودکان طبقه متوسط را بیشتر از کودکان طبقه پائین دچار کاستی میکنند. اگر برای کودکان طبقه فقیر در زمان غیبت مادر محیطی سرشار از تحریک ذهنی فراهم آید (بردن کودک به مهد کودک مجهز) میتوان انتظار داشت که مهارتهای تحصیلی آنان پیشرفت کند. (هافمن ۱۹۸۹).

یافته پژوهشی که اکثر پژوهش ها بر آن صحت گذاشته اند این است که کودکان مادران شاغل در مقایسه با کودکان مادران خانه دار، نسبت به نقش های جنسیتی دیدگاهی کلی تر و آزادانه تر دارند. سکو (۱۹۸۹) اعتقاد دارد نه تنها وجود یک الگوی اشتغال برای دختران مهم است بلکه ارزش ها و نگرشهایی که توسط اعضای خانواده و اجتماع ابراز و سرمشق میشود نیز اهمیت دارند. مادران شاغل بر روی فرزندان نوجوان خود تأثیر بسزائی دارند. مطالعات نشان میدهد که مادران شاغل، نوجوانانی مسئولیت پذیر و مستقل تر بار می آورند. گلدواتورز (۱۹۷۹) اظهار داشته نوجوانانی که دارای مادران شاغل هستند در مقایسه با نوجوانانی که دارای مادران خانه دار هستند احساس خودارزشمندی، سازگاری اجتماعی، احساس تعلق و حمایت اجتماعی بیشتری میکنند. این الگو بویژه در مورد دختران مصداق بیشتری دارد. دختران نوجوانی که مادران شاغل دارند، اجتماعی تر، موفق تر، مستقل تر، فعال تر و دارای انگیزه بیشتری هستند و در آزمونهای پیشرفت تحصیلی و هوش نمرات بالاتری گرفتند. کودکانی که مادران شاغل دارند، کمتر در معرض سرمشق های قالبی و کلیشه ای پدر به عنوان نان آور و حقوق بگیر و مادر به عنوان خانه دار یا پرستار قرار میگیرند. شغل مادر با تساوی بیشتری در نظر گرفته میشود و پدران در تربیت فرزندان فعالتر میشوند. دختران مادران شاغل در مقایسه با دختران مادران غیرشاغل، غالباً نقش زن را آزادانه تر پذیرفته، رضایت و شایستگی بیشتری را احساس میکنند. فرزندان مادران شاغل در مقایسه با فرزندان مادران غیرشاغل نه تنها زنان را شایسته تر ادراک میکنند، بلکه مردان را هم گرمتر و منطقی تر ارزیابی میکنند.

از سوی دیگر همخوانی بین موفقیت کاری و نگرش های مادر و پدر در کیفیت رابطه پدر - کودک و کنش کودک منعکس میشود. وقتی که نگرش پدر و مادر نسبت به اشتغال مادر و وضعیت کاری زن همخوان نباشد، احساسات منفی بیشتری در کودکان ایجاد میشود.

وضعیت خوب والدین، فرصت های بیشتری برای پیشی گرفتن فرزندان در مدرسه فراهم می آورد. اینگونه بچه ها به دودلیل موفق ترند. یکی به خاطر به ارث بردن عامل هایی که باعث توانائی است و دیگر به خاطر انتقال یافته ها و دستاوردهای والدین است که همراه خود یکسری توانائیها منتقل میشود.

در ادبیات جامعه شناسان تأثیر والدین بر فرزندان از سه جهت مورد بررسی قرار میگیرد: انتقال منابع اقتصادی، انتقال منابع فرهنگی و القاء آرزوها و انتظارات به خاطر قالب سازی نقش

- تربیت فرزندان در مدرسه وابسته است به منابع مالی والدین به علت شرایط بهتر والدین آنها قادرند و بیشتر میخواهند که فرزندانشان تحصیلات دانشگاهی داشته باشند. اینگونه والدین میتوانند فرزندانشان را به مدارس ابتدائی و متوسطه با کیفیت بالا بفرستند و محیط بهتری را برای یادگیری در خانه فراهم کنند. (شلوگی کمتر خانه و یادگیری بیشتر (Murnare .etal 1981)

- منابع فرهنگی والدین یک نقش مهم بازی میکند. به علت درگیر شدن والدین در فعالیت های مربوط به آموزش فرزندان، والدین مهارتهای بیشتری مانند خواندن و مهارت های زبانی را در کودکانشان ایجاد میکنند. (Hess and Shipman 1965).

- همچنین والدین به صورت غیرمستقیم بر تربیت و آموزش فرزندان تأثیر میگذارند. اینکار با شکل گیری آرزوهای شغلی و انتظارات اجتماعی و اقتصادی انجام میشود. والدین استانداردهای خاص برای زندگی دارند که در موقع انتخاب خط مشی شغلی فرزندان ابراز میکنند و برای اجرای آنها سطوح مختلفی از فشار را اعمال میکنند. والدین همچنین تعاریفی از موفقیت های اجتماعی و اقتصادی را به فرزندان القاء میکنند که بر آنان تأثیر میگذارد. (Woelfel and Haller 1971)

هنگامی که دخالت نیروی کار مادران و اشتغال آنان کم میشود مادران بیشتر نقش اجتماعی کردن را در خانه انجام میدهند.

مطالعه در زمینه پیشرفت بچه ها ، نشان میدهد که مشغولیت مادران در فعالیتهای مربوط به مدرسه بچه ها بیشتر از پدران است. برای مثال تشویق و کمک مادران بر بچه ها برای انجام تکالیف شان. آنها برای بچه ها کتاب میخوانند، به خواندن بچه ها گوش میکنند، بیشتر با بچه ها صحبت میکنند و بیشتر با آنان بازی میکنند. (Russell and Russell 1987)

مطالعات دیگر در مورد پیشرفت بچه ها نشان میدهد که تأثیر خانواده بر پیشرفت آگاهی و آموزش بچه ها وابسته است به توسعه بیشتر اینکه مادران چگونه با بچه ها همکاری میکنند. در یک مطالعه کلاسیک (Hess and Shipman 1965) نشان دادند که وضع خوب و شرایط بالای مادران، قابلیت های عقلانی بچه ها را پرورش میدهد. مطالعات قبلی این یافته ها را تأیید میکند و اثبات

میکند تأثیر متقابل مادر - فرزندی را بر استعداد آموزشی و آمادگی برای مدرسه را. (Hess - Azuma - Kashiwagi - Holloway and Wenegrat 1987)

و همچنین توانائی سخن گفتن (Price - Hess and Dickson 1981) خلاصه هنگامی که نقشهای جنسی قدیمی است، منابع فرهنگی مادران نفوذ زیادی خواهد داشت بر آموزش فرزندان تا پدران. نقش اجتماعی کمتر مادران بویژه مربوط است به مراحل جلوتر تحصیل فرزندان به خاطر اینکه دوره ای است که بچه ها بیشترین تأثیر را از مادران میگیرند.

از جنبه دیگر منبع مالی خانواده از جهت موروثی وابسته است به پدر. هنگامی که منبع خانوادگی بیشتر وابسته به کار پدر است. تفاوت های اجتماعی اقتصادی در میان پدران بیش از مادران است. حتی در وضعیت قدیمی هم نقش اقتصادی یک مادر ناچیز نیست. برای مثال مادران اغلب شغل نیمه وقت دارند، هنگامی که خانواده دوره هایی از فشار مالی را تحمل میکند و همچنین دوره هایی از فشار که به دلیل هزینه بالای تحصیل و آموزش بچه ها لازم است. (Oppenheimer 1982)

تحقیقات روان شناسان اجتماعی برای نمونه نشان داد که برای پسرها، پدران مدل نقش حرفه ای خیلی مهمی هستند و منبع مهمی برای گفتگو در مورد کار و شغل و برای دختران به نظر میرسد که پدران و مادران به یک اندازه مهم هستند.

به دلیل افزایش تعداد زنان متأهل در بازار کار، تغییر در ماهیت کار زنان متأهل و تغییرات کلی در دیدگاهها در مورد نقشهای جنسی انتظار افزایش در توفیق آموزش و تربیت فرزندان زنان شاغل را خواهیم داشت. این تغییر به ویژه مربوط است به مراحل بعدی آموزش، هنگامی که آموزش به منابع مالی والدین مربوط است. در مورد مادران شاغل نیز این مسئله متغیر است. (تفاوت بین مادرانی که در شرایط بالائی کار میکنند و مادرانی که در شرایط پائینی شاغلند.) از طرف دیگر بسیاری از محققین معتقدند که به دلیل شرکت زنان متأهل در نیروی کار، بچه ها زمان کمتری را با مادرانشان صرف میکنند. از اینرو بچه های زنان شاغل تا حدی در مدرسه زیان میکنند. مادران در مراحل اولیه تحصیل بیشتر نقش جامعه پذیری فرهنگی دارند و در مراحل بعدی نقش تأمین کننده مالی. به همین جهت در مراحل اولیه تاحدی تأثیر منفی اشتغال را می بینیم و در مراحل بعدی تأثیر مثبت اشتغال را. گرچه مادران میتوانند دور بودن از محیط خانه را با کیفیت بهتر جامعه پذیر کردن فرزند به واسطه تجربیات خودشان جبران کنند. تجربیات آنها وابسته است به کاری که انجام میدهند زمانی که در مشاغل حرفه ای و مدیریتی مشغولند امروزه ممکن است که مدل نقش واقعی تری از موفقیت های شغلی باشند و فشار بیشتری در مورد تحصیل فرزندانشان اعمال کنند.

چندین مطالعه اقتصادی و دموگرافیکی بحث کردند که تأثیرات منفی اشتغال مادران ممکن

است به وسیله منابع اقتصادی جبران شود. (Haweman-Wolfe and Spaulding 1991)

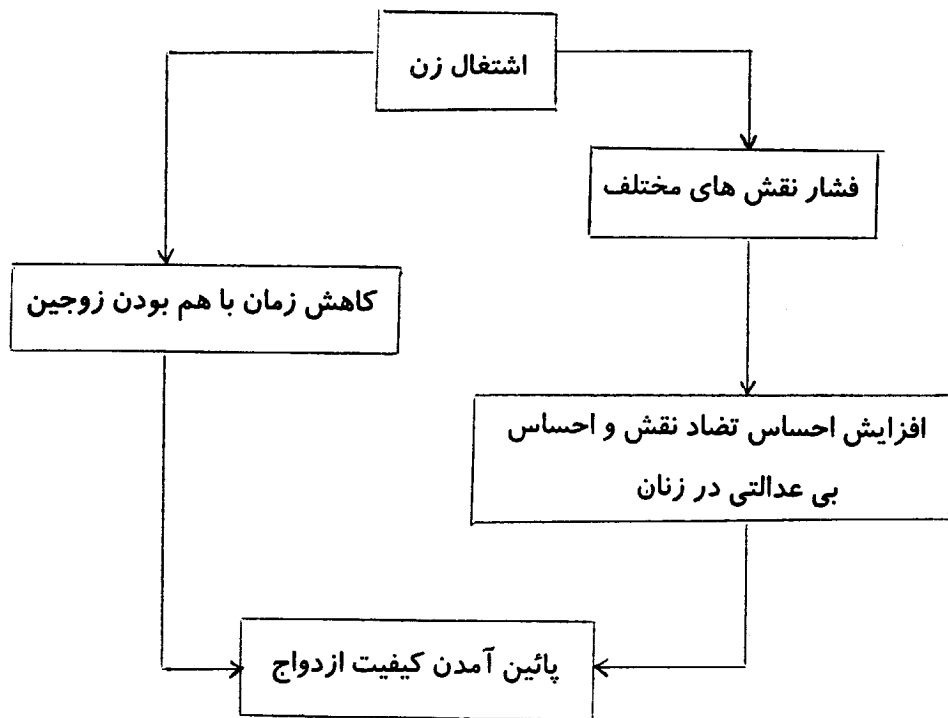
مادرانی که در خارج از خانه کار میکنند زمان کمتری را میتوانند برای بچه ها صرف کنند که ممکن است نقش آنها را به عنوان اجتماعی کننده در خانه محدود کند. اما مادران منابع مالی را تأمین میکنند که ممکن است باعث پیشرفت بچه ها در مدرسه شود. برای امتحان این فرضیه چندین محقق مقیاسهای درآمد مادران را در تحلیلهایشان دخالت داده اند. برای مثال Hill و Dun-ean تأثیرات مثبت درآمد مادران را بر تحصیلات دختران یافته اند (ولی نه در پسران). Blau و Grossberg تأثیرات مثبت اما غیرمعنادار درآمد مادران را بر قابلیت های هوشی بچه های بالای ۴ سال را پیدا کرده اند. به دلیل توجه همزمان محققان به درآمد مادران و شرایط نیروی کار با تأثیرات اشتغال مادران گاهی اوقات با مشکل روبرو میشود. برای تشخیص تأثیرات اشتغال مادران، مقایسه ای از بچه های مادران غیرشاغل و شاغل با سطوح درآمدی مختلف میتواند بهتر باشد.

۲-۴-۳- تأثیر اشتغال زنان بر روابط با همسر

اشتغال مادران به شیوه های مختلفی بر کیفیت روابط همسری تأثیر میگذارد. هم میتواند باعث پائین آمدن کیفیت روابط همسران شود و هم میتواند صمیمیت زوجین را بیشتر کند و رضایت بیشتر زنان را به همراه داشته باشد.

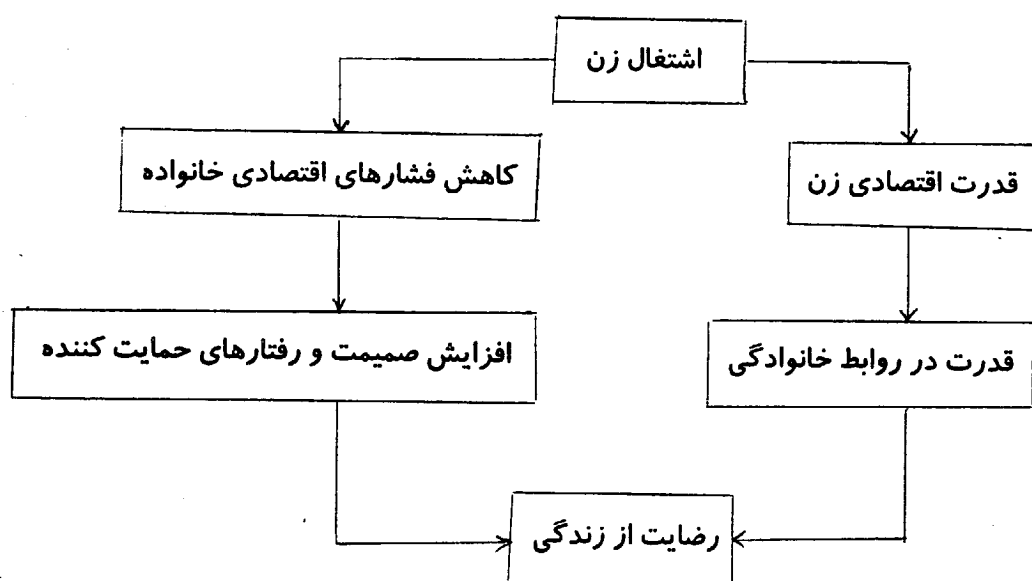
- شغل مادر به عنوان یک عامل استرس زا؛ این جنبه به مشکلاتی توجه میکند که به خاطر انجام دادن نقشهای چندگانه زنان پدید می آید. این مطلب بحث میکند که یک ارتباط منفی وجود دارد بین کار مادران و کیفیت ازدواج مخصوصا هنگامی که تقاضای مرتبط با کار و نقش های خانوادگی بیشتر میشود. (برای نمونه، هنگامی که مادران به طور تمام وقت کار میکنند و بچه های آنها بیشتر است). هنگامی که زن بیشتر ساعات را در هفته کار میکند با کاهش زمان با هم بودن زوجین بر کیفیت ازدواج تأثیر میگذارد. (Spitze and Nock 1987 - Hill 1988 - South 1985)

افزایش احساس تضاد نقش و سنگینی نقش در میان زنان (Vogdan off 1988) باعث بالارفتن بی عدالتی ناخودآگاه زنان در مورد تقسیم کارهای خانه میشود. (مدل شماره ۲)



- اشتغال مادران به عنوان یک عامل آرامش؛ اشتغال مادران در یک دامنه از حرفه ها با رضایت بیشتر از زندگی ارتباط دارد. شرکت اقتصادی مادران فشارهای اقتصادی رادرخانه کاهش میدهد. حقیقات نشان داده که فشار اقتصادی تأثیرات زیان آوری در روابط متقابل همسران و کیفیت ازدواج میگذارد. (vogdanoff 1990)

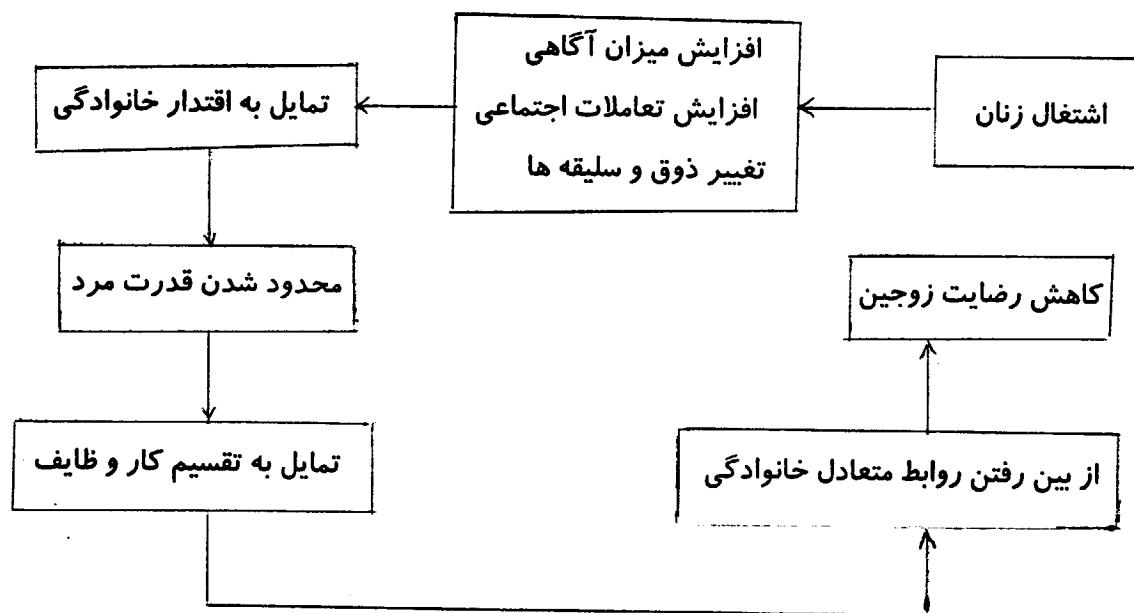
فشار اقتصادی به طور مؤثری صمیمیت و رفتارهای متقابل حمایت کننده همسران را کم میکند مخصوصاً در مورد شوهران. دخالت اقتصادی یک مادر به ویژه زمانی که بچه های بیشتری در خانه هستند و نیاز به منابع مالی بیشتر است اهمیت بیشتری پیدا میکند. (مدل شماره ۳)



اشتغال زنان از جمله مواردی است که به طرز آشکاری تعادل سنتی نقشهای خانوادگی را برهم زده و خود به خود بر جنبه های دیگر زندگی خانوادگی اثر گذاشته است. بررسی های انجام شده در این زمینه نشان میدهد زنانی که به واسطه کار بیرون از خانه دارای درآمد میباشند در مقایسه با زنان دیگر مستقل از شوهران خود هستند و به نظر میرسد که تساوی بیشتر در حیطه شغلی میان زنان و شوهران منجر به تساوی بیشتر در تصمیم گیری های خانوادگی میشود. (Parker et al. The Sociology of Industry 1975) بنابراین با تغییر سیستم تصمیم گیری در خانواده ها مسائل گوناگون پدیدار خواهد شد. اهمیت مسائل اقتصادی در زندگی خانواده های هسته ای مسئله اشتغال را به عنوان امری ضروری و در عین حال تعیین کننده قدرت مینمایاند. همراه اشتغال میزان آگاهی و یا حداقل میزان تعاملات اجتماعی افزایش یافته و همچنین ذوق و سلیقه ها تغییر میکنند. انتقال تجربه ها و تبادل نظر در موارد گوناگون مخصوصا برای زنان زمینه تمایل به اقتدار خانوادگی بیشتر را فراهم میکند. شرکت فعالانه زنان در تأمین حیات اقتصادی خانواده همیشه باعث تجدید قدرت سلطه مرد بوده است. (روزن بادم - خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه ۱۳۶۷ ص ۱۰۶) از سوی دیگر مشکلات نسبتا زیاد زندگی روزمره مخصوصا در خانواده های دو حرفه ای تمایل طرفین را نسبت به تقسیم بیشتر وظایف افزایش میدهد که با تغییر سیستم قدرت در خانواده همراه میباشد. در این میان توافق ارزشی زن و شوهر نیز حائز اهمیت خاصی است. بدین صورت که اگر زن و شوهر توافق ارزشی با هم داشته باشند پذیرش تصمیم گیری امور خانه به وسیله یکی از سوی دیگری آسان تر بوده و مشکلی پیش نخواهد آمد ولی در صورتی که اقتدار

موجود در زمینه تصمیم گیری هر یک از زن و شوهر به وسیله دیگری به صورت ارزش درونی شده مورد پذیرش قرار نگیرد و یا برای پذیرش و یا عدم پذیرش اقتدار طرف مقابل تحت تأثیر فشارهای هنجاری بیرونی قرار گیرد در این صورت روابط متعادل خانوادگی دچار اختلال شده و رضایت زن و شوهر کاهش پیدا خواهد کرد. (مدل شماره ۴)

مدل شماره ۴



در صورتی که اقتداریکی به وسیله دیگری مورد پذیرش درونی قرار نگیرد و یا برای پذیرش و یا عدم پذیرش اقتدار دیگری تحت تأثیر فشارهای هنجاری بیرونی قرار گیرد.

۵-۳- آسب شناسی اجتماعی اشتغال زنان

۱-۵-۳ دیدگاه مخالف با اشتغال زنان

باید متذکر شد علیرغم اینکه بسیاری از زنان خانه دار از این بابت به زنان شاغل غبطه میخورند که از محیط آشپزخانه دور شده اند و به استقلال مالی رسیده اند یا حتی ممکن است مورد سرزنش شوهرانشان قرار بگیرند و زنان شاغل به رخ آنان کشیده شوند که هم زمان قادرند هر دو وظیفه اشتغال و خانه داری را انجام دهند اما واقعیت آن است که گرایش زنان به اشتغال و ایفای نقش اقتصادی در جامعه میتواند بر آنان، همسران و کودکانشان فشار وارد آورد. برخی براین عقیده اند که شادی و آزادی که زن از رهگذر اشتغال به دست می آورد، میتواند موجب از دست دادن برخی دیگر از شادی های زندگی شود. 'بلاد' درباره تأثیر اشتغال زن بر محیط خانه چنین می نویسد: 'وقتی اشتغال روزافزون زن به کارهای خارج از خانه را در نظر میگیریم، متوجه زیانهای میشویم که از این راه به کودکان میرسد. ولی اثرات ناگوار این وضع را بر روحیه مردان مورد توجه قرار نمیدهیم.'

به عقیده 'هیل' و 'استافورد' کار مادر یکی از منابع فشار بر روی کودک و خانواده است. مادرانی که کار میکنند نسبت به مادران خانه دار وقت کمتری را صرف مراقبت از کودکانشان می نمایند. به نظر 'کی نیا' چنین مادرانی به علت خستگی جسمانی ناشی از اشتغال به کار، حوصله رسیدگی به امور فرزندان را بدست فراموشی سپرده و در واقع در زمان حیات خویش کودکان را یتیم میسازند. کسانی که مخالف کار کردن زن در خارج از خانه هستند معتقدند که زن، موجودی لطیف و ظریف است که در اثر کار، سریع تر فرموده میشود و این دور از انصاف است که مرد از زن خود دو نوع مسئولیت بزرگ (کار در منزل و کار در خارج از منزل) را انتظار داشته باشد. ثانیاً زنی که خانه دار است به دلیل عدم وابستگی به سازمان ها و ادارات فراغت بیشتری برای رسیدگی به امور مختلف خواهد داشت.

به علاوه کار زن ممکن است موجب شود که وی موقعیت و سمت و شغل اداری خود را به رخ همسر کشیده و به داشتن استقلال تفاخر نماید که این امر برای همسران رنج آور است.

ثالثاً فراغت و سلامت فکر زن فاقد کار، میتواند از بسیاری فشارها بر اعصاب و روان بکاهد و موجب شود که وی پرستاری و نگهداری بهتری از سایر اعضای خانواده بکند.

'رومن' در تحقیقی که در سال ۱۹۵۶ درباره برخی از دانش آموزان در لوس آنجلس انجام داد نتیجه گرفت که تنها یک چهارم از مادران شاغل به مسائل و نیازهای روانی کودکانشان رسیدگی

میکنند. استاد مطهری در کتاب نظام حقوق زن در اسلام مینویسد: نه تنها مصلحت زن بلکه مصلحت مرد و کانون خانوادگی نیز در این است که زن از تلاش های اجباری خردکننده معاش معاف باشد. گرچه سازمان های دولتی و خصوصی برای نگهداری از فرزندان مادران شاغل و جبران این خلا به وجود آمده اند، اما بعید است که هر جانشین دیگری اعم از مادر بزرگ، پرستار و یا این قبیل مؤسسات بتوانند جای مادر را بگیرند.

همچنین با بروز تکنولوژی جدید و وسایل جدید در آشپزخانه به نظر نمی رسد که کار زن در خانه کمتر شده باشد. آلن ژیرا اظهار میدارد: به نظر نمی آید که کار زن در خانه با فنون جدید بسیار کاهش یافته باشد. میزان کار هفتگی برای زن در پژوهش سال ۱۹۷۴ بیشتر از ۷۰ ساعت است. در هر حال اگر زنان بخواهند در جهت تأمین معاش با مردان رقابت کنند نمی توانند از تشکیل خانواده اجتناب نمایند و بنابراین ناچار میشوند هم زمان کار دو نفر را انجام دهند و این در صورتی است که اشتغالات دیگری نداشته باشند.

چسترسون در این زمینه می نویسد: من به آن فکر نمیکنم که زنان قبلاً مورد رفتار ناشایست و حتی در معرض شکنجه قرار میگرفتند، به عقیده من وضع آنها هیچ گاه به اندازه امروز که فرمان روای خانه و نیز رقیب اداری مردانند رقت بار نبوده است.

مطالعات در کشورهای آمریکا، فرانسه، لهستان و سوئد نشان داده است که حتی اگر زن در خارج از منزل کار کند بازهم سنگین ترین وظایف منزل به عهده اوست و شوهرش براساس برابری، وی را یاری نمیکند. امروز مسئله زن وجود تعدد وظایف نیست. بلکه تعارضی است که در نقش های مختلف وی وجود دارد. از سوئی مادر بودن میطلبد که وی بعد عاطفی رفتارش را قوی تر سازد و از سوی دیگر کارفرما یا رئیس بودن وی را به اعمال قدرت و مدیریت وامی دارد و مهم تر از همه این که باید وی حامل ارزش های زیبا دوستی باشد که در تمام قرون به زن منتسب گردیده است.

وندرزندن اظهار میدارد که عواملی مانند نوع اشتغال، شرایط خانوادگی و نگرشهای مادر نسبت به نقشهای متنوعش تأثیر مهم تری بر رشد کودکانش دارد تا وضعیت شغلی او. هافمن و نای از تحقیق درباره مادران شاغل نتیجه گرفتند همه مادران مشاغلی که از شغل خود راضی بودند احساس گناه نمیکردند و در انجام امور خانه نیز شایستگی داشتند و به خوبی مادران خانه دار و یا حتی بهتر از آنان بودند.

لیزر و همکارانش دریافتند مادرانی که درباره شغل خود نگران و مضطرب بودند نسبت به مادرانی که اضطراب کمتری داشتند، پرخاشگری بیشتری نشان میدادند. همین طور مادرانی که در اوقات فراغت از کار، از شیوه فرزند پروری خود ناخشنود بودند یا برای همسرانشان احترام کمتری قائل بودند و یا باوی در شیوه فرزند پروری توافق نداشتند، پرخاشگری بیشتری نشان می دادند.

مک کورد به این نتیجه رسیده است که اشتغال مادر برحسب اینکه خانواده از وضعیت پایدار یا ناپایداری برخوردار باشد، معانی مختلفی برای کودک خواهد داشت. در خانواده های پایدار اشتغال مادر صرفاً به منزله کوششی در نظر گرفته میشود که هدف آن آشکار ساختن زن و مرد است. در این حالت ممکن است کودکان، اشتغال مادر را به عنوان اعتراض تفسیر کنند.

وقتی مادر مجبور باشد برای برآوردن بخشی از نیازهای اقتصادی خانواده به طور پراکنده کار کند، خانواده بیشتر دچار بحران میشوند تا هنگامی که مادر دارای اشتغال دائمی باشد زیرا در این صورت تمهیدات لازم برای مراقبت از فرزندان را فراهم می آورد.

هرتسک و همکارانش با نظر به سایر آثار اشتغال مادر به این نتیجه رسیده اند که این امر به عوامل مختلفی مانند نگرش مادر نسبت به کار کردن یا نکردن، نگرش سایر اعضای خانواده به این مورد، رابطه مادر با شوهرش مزاج مادر، برنامه مادر در مورد مراقبت از فرزندان و سن و جنس و نیازهای ویژه کودکان بستگی دارد.

۲-۵-۳- دیدگاه موافق با اشتغال زن

از سوی دیگر نقطه نظرهای مثبتی درباره اشتغال به کار مادر وجود دارد. برخی عقیده دارند که چون مادر شاغل با نظم و مقررات شغلی روبروست میتواند پا به پای مادر غیر شاغل پاسخ گوی تمام مسئولیت های خود باشد.

هاگ، شوبرت، استاکی و دیگران معتقدند که کار در زندگی تمام مادران نقش مشابهی ایفا نمیکند آنان عقیده دارند که اگر کار روحیه مادر را بالا ببرد موجب برقراری ارتباط بهتری با فرزندش میگردد و اگر کار فشار آور باشد رابطه بین او و کودکش را گسیخته میسازد.

زوکرمین اظهار داشته است که وقتی کودکان مادران شاغل نسبت به کودکان مادران خانه دار مقایسه می شوند، کودکان مادران شاغل وضعیت بهتری را برای حال و آینده خود در نظر دارند. آندره میشل در کتابش به نام خانواده و ازدواج از تحقیقاتی یاد میکند که در انگلستان توسط پیوتر وکوسکی و همکارانش انجام شده است و نشان میدهد که بهره هوشی فرزندان مادران شاغل نسبت به مادران غیر شاغل بیشتر است.

هافمن در سال ۱۹۸۴ نتیجه گرفته است که مادران شاغل به کودکانشان الگویی نشان میدهند که آنان نسبت به کلیشه سنتی نقش زن، یعنی کار در منزل، توجه کمتری پیدا میکنند و بیشتر بر استخدام مادر در خارج از منزل صحنه میگذارند. برای لیاقت های زن در ارج و احترام بیشتری قائل میشوند و در منزل نیز بیشتر کار میکنند.

دختران مادران شاغل در مقایسه با سایر دختران در تحصیل و اهداف شغلی خود موفق ترند. سازگاری شخصی، اجتماعی و استقلال آنان نیز بیشتر است. گرچه فرضیه ای که مادران شاغل به

دخترانشان بیشتر از پسران در جهت استقلال آموزش می‌دهند. مورد مطالعه تجربی قرار نگرفته اما حمایت‌هایی برای این فرضیه وجود دارد. در مطالعه‌ای که توسط استاکی و دیگران بر روی کودکان ۲ تا ۶ ساله انجام شد مشاهده گردید که در خانواده‌های مادران شاغل، دختران نسبت به پسران از توجه بیشتری برخوردار میشوند در مطالعات انجام شده توسط برونفن مرز و کرونر از کودکان سه ساله و والدینشان مشخص گردید که پدران و مادرانی که به طور تمام وقت کار میکنند، دختران خود را نسبت به پسران در اصطلاحات مثبت تری توصیف می‌نمودند.

هافمن دلیل تفاوت در نگرش والدین نسبت به دختران و پسران را این می‌داند که در خانواده‌های سنتی برای پسر به این دلیل که مرد را نان آور خانواده می‌دانند اهمیت بیشتری قائلند در حالی که به عقیده بیتس پسران نسبت به دختران اثرات منفی بیشتری بر کار مادر دارند. زیرا آنان خود نسبت به فشارهایی محیطی حساس بوده و دشواری بیشتری را در مراقبت از خود برای مادر فراهم مینمایند.

پیوتر و کوسکی و استارک نیز عقیده دارند که کار مادران شاغل برای پسران ممکن است در بردارنده نتایج بدی باشد. زیرا ممکن است کار مادر برای پسر به این معنی باشد که پدر قادر به برآوردن هزینه‌های خانواده نیست و مادر نیز قادر نیست به ایفای نقش سنتی خود در خانواده بپردازد. این مادران همچنین ممکن است نتوانند فرزندان پسر خود را اجتماعی نمایند و همین امر موجب شکست آنان در مدرسه شود. دلیل این امر میتواند این باشد که شغل مادر فشارهای بیشتری به خانواده وارد آورد و به خصوص در مورد پسران که نسبت به فشارهای محیطی آسیب پذیرند موجب بروز عکس العمل منفی نسبت به این موضوع گردد و احتمالاً بیشتر احساس افسردگی و عدم کفایت نمایند.

به عقیده ون درینگ زن شاغل مانند مرد شاغل اغلب عادات و انتظارات دنیای شغلی خود را به خانه می‌آورد در مقایسه مادران شاغل و غیرشاغل مشخص گردید که مادران شاغل بر انضباط و استقلال، و مادران غیر شاغل بر حمایت، هم‌حسی و درک کودکان خود تأکید دارند.

مارسدن و همکارانش با مطالعه پژوهش‌هایی که در مورد آثار اشتغال مادر بر کودکان انجام شد اظهار میدارند که علیرغم نوشته‌های بسیاری که در این زمینه وجود دارد، مطالب در خور توجه کم است. به نظر آنان آثار اشتغال مادر عبارت است از افزایش وابستگی و ظهور دشواری‌هایی در هویت جنسی. همچنین عقیده دارند در شرایطی که بین مادر و همسرش نزاع وجود داشته باشد، منجر به بروز دشواری‌هایی رفتاری همچون بزهکاری در کودکان میگردد.

به گزارش آیلنیگورت میزان تأثیر شغل مادر بر زندگی به نوع کار، شخصیت، سلامت و انرژی او بستگی دارد. بدیهی است که مادران شاغل نسبت به مادران خانه دار، وقت بیشتری را به اشتغال می‌گذرانند تا اینکه در کنار همسر و فرزندان خود باشند. به عبارت دیگر مهم‌ترین عامل رضایت خاطر مادر، لذتی است که از شغلش میبرد. اگر شغل او مناسب آموزش وی و روابطش با دیگران

باشد، موجب اعتماد به نفس او میگردد. تحقیق نشان داده است همه مادران شاغل نسبت به مادران خانه دار اختلالاتی که نیاز به روان درمانی داشته باشد کمتر تجربه میکنند. در مقابل احساس خستگی و یا تغییر خلق و عدم تحمل فرزندان، زمانی که به کمک او نیازمندند بروز پیدا میکنند. گرچه امروزه نگرش ها تغییر کرده اند و مادر کمتر ممکن است چنین بحرانی را تجربه نماید اما ممکن است مادر از این که فرزندان را برای کار ترک میکند احساس گناه نماید.

وی و همسرش پذیرفته اند که اگر او کاری تمام وقت دارد، استانداردهای خانه و پذیرایی کردن ممکن آسیب ببیند. همچنین همسر ممکن است بار مسئولیت بیشتری را به جای وی به دوش بگیرد اما ممکن است این کمک ها برای مراقبت از فرزندان کافی نباشد. چنین امری هم بر او و هم بر کودک تأثیر منفی برجای میگذارد به همین لحاظ هم پیامبر گرامی اسلام (ص) فرموده اند: ای زنان هر یک از شما با اشتغال در خانه خویش اگر خدا خواهد ثواب مجاهدان را خواهید یافت.

یکی از تبعات اشتغال زن در خارج از خانه، کم شدن فرصت پذیرایی و یا شرکت در فعالیت های اجتماعی دیگر است در نتیجه معاشرت های خانوادگی کم شده و انزوا افزایش پیدا میکند. همین امر سبب احساس محرومیت و افسردگی در زوجین شده و بر فرزندان آنان تأثیر میگذارد. ولز و دیگران تعلق به شبکه اجتماعی کوچکتر را در بین کسانی که برای خودکشی تلاش می کنند یافته اند. تفاوت قابل ملاحظه ای در تعداد دوستان و آشنایان و وابستگان در این افراد با گروه مورد نظر وجود داشت. در گروه مورد نظر دایره دوستان و آشنایان دو برابر بود.

فصل چہارم

فصل چهارم

روش تحقیق

مقدمه

در علوم اجتماعی به منظور سنجش میزان تطبیق تئوری ها با واقعیت می بایست پس از تعریف واژه ها و متغیرهای گفتارهای یک تئوری در پی یافتن معرف هائی برآئیم که به وسیله آنها بتوانیم آن واژه ها و متغیرها را بسنجیم. برخی از متغیرها را می توان به سادگی به امور واقع قابل مشاهده و بررسی برگردانیم و بسنجیم اما سنجش دقیق برخی از متغیرها و مفاهیم کاملاً کیفی و غیرملموس در علوم اجتماعی به روش های پیچیده تری نیاز دارد. متداول ترین وسیله بررسی تجربی در جامعه شناسی و بسیاری از رشته های مجاور دیگر و همچنین در بخشهای کاربردی روش پرس و جو است که برای تکمیل بیشتر آن می توان از مزایای روشهای دیگر و یا برخی از تکنیک های آنها استفاده کرد. (کندوکاوا و پنداشته ها - رفیع پور - ۱۳۷۲)

تحقیق حاضر حاصل گردآوری اطلاعات مختلف کتابخانه ای و آماری از منابع مختلف و تحلیل های مربوط به مسئله اشتغال زنان می باشد. در این بخش سعی میشود توضیحاتی در مورد چگونگی سنجش متغیرهای مربوط به اشتغال ارائه شود و سپس چگونگی سنجش عوامل تحت تأثیر اشتغال مطرح شود. همچنین مراحل مختلف تحقیق و مسائل مربوط به جامعه و نمونه آماری توضیح داده میشوند.

۱-۴- معرف های متغیرهای وابسته

برطبق فرضیات، ما به دنبال یافتن تأثیر اشتغال بر خانواده هستیم. تأثیراتی نظیر تأثیر اشتغال بر نزدیکی و صمیمیت مادر و فرزند، تأثیر بر رابطه نزدیک و صمیمی زوجین و تأثیراتی که اشتغال بر برخی از جنبه های زندگی زن شاغل به جای میگذارد. در بررسی این متغیرهای وابسته که به نوعی تحت تأثیر اشتغال زن قرار میگیرد، نخست به بررسی رابطه زوجین در خانواده می پردازیم.

۱-۴- معرف ها و سنجش متغیر رابطه زوجین

جهت سنجش رابطه نزدیکی زوجین در خانواده از معرف های زیر استفاده شده است:

- میزان با هم بودن زوجین
- مشورت و صحبت زن و شوهر
- کمک همسر در خانه
- اختلاف در مورد مسائل خانواده
- اختلاف در مورد تربیت بچه ها
- اختلاف در مورد مسائل مالی
- تفاهم بین زن و شوهر

برای سنجش این معرف ها روش های خاصی وجود دارد که در این بررسی از طیف لیکرت استفاده شده است. هر کدام از معرفها به صورت گویه ای با جهت گیری مشخصی نسبت به موضوع در آمده اند. این گویه ها که به صورت محرک برای پاسخگو ارائه میشوند، پاسخها (عکس العمل های) متفاوتی را ایجاد می کنند. پاسخ های پیش بینی شده در مقیاس طیف لیکرت پنج گزینه ای می باشد که به ترتیب از خیلی کم تا خیلی زیاد ادامه پیدا می کند.

به این ترتیب هر پاسخ گو می تواند نظر خود را نسبت به گویه مورد نظر براساس درجات از خیلی کم تا خیلی زیاد، طیف ابراز نماید. از این طریق پاسخ های به دست آمده از سنجش هر گویه (معرف) شامل پنج دسته پاسخ خواهد بود.

به منظور استفاده از روش های آماری برای سنجش موضوع، هر کدام از گزینه های طیف مورد نظر به تناسب موضوع، از خیلی کم تا خیلی زیاد یا برعکس نمره گذاری می شوند. (مثلا خیلی کم ۱، کم ۲، متوسط ۳، زیاد ۴، خیلی زیاد ۵) در این صورت سطح سنجش هر معرف رتبه ای خواهد بود (هر طبقه نسبت به پاسخ دیگر فقط یک طبقه محسوب می شود که در امتداد آن به صورت متوالی قرار گرفته است) با مجموع نمرات معرف ها (ابعاد متغیرها)، نمره کل متغیر مورد نظر در سطح سنجش فاصله ای یا نسبی به دست می آید.

البته در اینجا باید توجه داشت که جمع نمرات گویه ها به تنهایی کافی نیست و به همین جهت شاخص های آماری خاصی برای اطمینان از چگونگی ترکیب معرف ها با همدیگر بسط داده شده است. به این منظور از دستور آماری خاصی برای بررسی رابطه و همبستگی درونی این معرف ها استفاده شده است.

۲-۱-۴- معرف ها و سنجش متغیر نزدیکی با فرزند

برای سنجش این متغیر با در نظر گرفتن رابطه آن با سایر متغیرها از سه معرف استفاده شده است.

- صحبت کردن با فرزند
 - رفتن به گردش و پارک و خانه اقوام
 - وابستگی فرزند به مادر
- برای سنجش این معرف ها نیز به شیوه قبل از طیف لیکرت استفاده شده است.

۳-۱-۴- تأثیرات اشتغال بر زن

این تأثیرات عبارتند از:

- ارتباط با دیگران
- توجه به نظم و دقت در کارهای خانه
- شرکت در فعالیت های اجتماعی
- توجه به خانواده
- قدرت تصمیم گیری در مورد مسائل خانواده
- احساس ناراحتی از دور بودن از فرزندان و احساس گناه از نبودن در کنار آنها
- احساس فشار ناشی از انجام کار مضاعف
- کنترل باروری

به جز مورد ۵ و ۸ بقیه معرف ها به وسیله طیف لیکرت مورد بررسی قرار گرفته، قدرت تصمیم گیری به صورت سئوالی باز از پاسخ گو پرسیده شده است. به این شکل که در مورد مسائل مهم در خانواده شما بیشتر چه کسی تصمیم گیرنده است؟
مورد آخر نیز به وسیله سئوال از تعداد بچه و نیز نظر خواهی به وسیله طیف برش قطبین مورد سنجش واقع شده است.

۴-۲- معرف های تبیین کننده و تأثیر گذار

با توجه به مطالب و فرضیات مختلفی که در فصول قبل به آنها اشاره شده متغیرهای متفاوتی در رابطه با اشتغال زنان وجود دارد که برخی در ارتباط با اشتغال زنان و برخی دیگر ویژگی های زمینه ای خانواده می باشد.

۴-۲-۱- متغیرهای مستقل مربوط به شغل

این متغیرها عبارتند از:

- نوع شغل که این متغیر در سطح سنجش اسمی است
- سابقه کار برحسب سال که در سطح سنجش فاصله ای است
- ساعت کار در هفته برحسب ساعت که در سطح سنجش فاصله ای است
- انگیزه اشتغال به کار که به صورت سؤال باز از پاسخگو پرسیده شده و سپس پس از تقسیم بندی انگیزه ها هر کدام در سطح سنجش اسمی مورد ارزیابی قرار گرفت.
- علاقه به کار که به صورت طیف لیکرت مورد ارزیابی قرار گرفته
- رضایت از کار که به صورت طیف لیکرت مورد ارزیابی قرار گرفته
- درآمد که در سطح سنجش فاصله مورد ارزیابی قرار میگیرد و به صورت سؤال باز مطرح میشود
- رضایت از درآمد که به کمک طیف لیکرت مورد ارزیابی قرار می گیرد
- تأثیر درآمد زن در خانواده که به کمک طیف لیکرت مورد ارزیابی قرار می گیرد

۴-۲-۲- متغیرهای فردی و خانوادگی

معرف های مربوط به این متغیر عبارتند از:

- سن زن
- تحصیلات زن
- مدت ازدواج
- شغل همسر
- ساعات کار همسر
- تحصیلات همسر
- رضایت همسر از کار
- درآمدهمسر



برای سنجش موضوعات مختلف، روشهای گوناگونی وجود دارد. نظریه، یک چهارچوب کلی برای نگرش به موضوع در اختیار محقق می گذارد که با استفاده از آن اولاً، می توان مسئله را به خوبی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد؛ ثانیاً متغیرهایی را برای سنجش، انتخاب و ثالثاً؛ چگونگی ارتباط متغیرها را در رابطه با همدیگر به دست آورد. در نهایت اینکه موارد قابل سنجش، معرف هایی هستند که براساس متغیرها تعیین میشوند و بالاخره آنچه به وسیله محقق در سطح تجربی مورد سنجش قرار میگیرد معرفها می باشند. روش پرس و جو یکی از متداولترین روش های سنجش معرف هاست که در اغلب تحقیقات مربوط به مسائل اجتماعی مورد استفاده قرار میگیرد. از سوی دیگر برای سنجش بسیاری از معرف ها، بنا به رعایت اقتصاد (زمان و انرژی و ...) استفاده از روش پرس و جو مقرون به صرفه است، مثلاً برای سنجش سن فرزند. به همین منظور در این بررسی از روش پرس و جو استفاده شده است. در این روش ابتدا سئوالاتی طرح می شود. برای طرح سئوال به منظور سنجش معرف ها نیز، روش ها و قالب های خاصی وجود دارد. همچنانکه در آغاز این فصل نیز اشاره شد متغیر وابسته با استفاده از طیف لیکرت سنجیده میشود. در واقع چهارچوب اصلی سنجش، طیف لیکرت می باشد. برای سنجش هر معرف به جای گویه دو سئوال طرح شده که پاسخ های آنها در قالب لیکرت پیش بینی شده اند.

اغلب متغیرها و معرف ها از طریق سئوال مورد سنجش قرار می گیرند و نیازی به استفاده از الگوهای خاص سنجش (مثلاً طیف لیکرت) ندارند، به ویژه زمانی که ارتباط معرف ها با همدیگر در قالب یک متغیر کلی مد نظر نباشند. به همین جهت برای سنجش خصوصیات فردی و خانوادگی از سئوال استفاده شده است.

پس از طرح سئوالات و گویه های مورد نظر، پرسشنامه طرح تنظیم شده است. در این مرحله لازم بود تا چگونگی ارتباط با پاسخگویان مد نظر باشد. به همین جهت در ابتدای پرسشنامه معرفی نامه کوتاهی در نظر گرفته شده تا پرسشگر از طریق معرفی خود به پاسخگو ابهامات ممکن موجود در ذهن پاسخگو را تا حدودی برطرف کند و از این طریق توانسته باشد اعتماد وی را جلب نموده و پاسخگو حاضر به همکاری صادقانه شود. اصولاً به منظور برقراری ارتباط اجتماعی با پاسخگو برای انجام مصاحبه لازم است از طریق معرفی مناسب از سوی پرسشگر، سئوالات احتمالی که برای پاسخگو مطرح می شوند، پیشاپیش پاسخ داده شود و از این جهت ابهامات احتمالی برای پاسخگو برطرف شده باشد. زمانی که فرد ناشناسی به عنوان پرسشگر اقدام به طرح سئوالاتی از پاسخگو می کند، برای پاسخ دهنده حداقل این ابهامات وجود دارد: این شخص کیست؟ با من چه کاری دارد؟ از کجا آمده است؟ چرا سراغ من آمده؟ کارش چیست؟ این کاری که انجام می دهد چه فایده ای دارد؟ آیا ممکن است اسباب دردرس شود و گرفتاری به وجود آورد؟ و

معرفی نامه ابتدای پرسشنامه شامل پاسخگویی به این سئوالات احتمالی بوده و در جلب همکاری پاسخگو بسیار مؤثر می باشد. پس از معرفی سئوالات بعدی در مورد اشتغال زن، انگیزه اشتغال، رضایت و علاقه به شغل و می باشد. سپس سئوالات مربوط به روابط با فرزند و همسر قرار داشتند.

۴-۴- جامعه آماری و انتخاب پاسخگویان

بررسی وضعیت شغلی زنان متأهل و مشکلات آنان و نیز چگونگی تأثیر اشتغال زن و متغیرهای وابسته به آن در روابط خانوادگی موضوع تحقیق ماهست. به همین جهت جامعه آماری ما شامل زنان شاغلی می شد که متأهل نیز باشند و به نوعی با مشکلات و مسائل مربوط به اشتغال در خانواده در تماس باشند.

برای این کار لازم بود تا از بین مشاغل مختلف و محل های کاری متفاوت، انتخابی صورت گیرد. به این جهت سعی شد تا به جهت پاره ای از ملاحظات بیشتر پاسخگویان از بین بعضی گروه های شغلی مانند معلمین که نسبت به سایر گروه ها از ساعات کاری قابل انعطاف تر و به نسبت کمتری برخوردارند، از پرستاران و کادر درمانی که در شیفت های مختلف فعالیت می کنند و کارمندان ادارات که ساعات کاری بیشتری دارند انتخاب شود. از بین ادارات مختلف به طور تصادفی سه اداره کار و امور اجتماعی سازمان انتقال خون ایران، جهاد دانشگاهی و مرکز آمار ایران و از بین مدارس و بیمارستان ها، در مناطق ۱۰ و ۱۸ انتخاب شدند. تعداد نمونه ۱۵۰ نفر انتخاب شده بود که بعد از پر کردن پرسشنامه و مصاحبه هایی که انجام شد تعداد ۱۲۰ پرسشنامه به طور کامل آماده شد. پرسشنامه ای که در اختیار پاسخگویان قرار گرفت حاوی ۵۸ سوال بود که از این تعداد برخی مربوط به مشخصات خانوادگی، فردی و شغلی پاسخگویان و بقیه مربوط به سوالاتی در زمینه ارتباطات خانوادگی پاسخگویان بود که مستقیماً از طریق آن معرفهای مربوط به تئوریها سنجیده می شد ۲۲ سوال از این ۵۸ سوال به صورت سوال باز و بقیه به صورت گویه های طیف لیکرت و برش قطبین بود که در اختیار پاسخ گویان قرار گرفت.

فصل پنجم

فصل پنجم

یافته ها

در این فصل یافته هایی که از طریق تحقیق به دست آمده است ارائه میشود. به این صورت که ابتدا به متغیرهای وابسته و خصوصیات آنها پرداخته و سپس تأثیر اشتغال مادران بر روی آنها مورد مطالعه قرار می گیرد.

۱-۵- تأثیرات اشتغال مادران

بر اساس چهارچوب تئوریکی مشخص شد که یکی از تأثیرات اشتغال زنان در خانواده تأثیر بر روی رابط زوجین می باشد. برای سنجش این موضوع همان طور که در فصل قبل نیز گفته شد از معرف های مختلفی استفاده شد که در جدول شماره یک مشخص شده است. در جدول شماره یک در ردیف عمودی هر یک از معرف ها قرار دارد و در ردیف افقی میزان شدت هر یک از معرف ها به ترتیب از خیلی کم تا خیلی زیاد بر اساس فراوانی (ستون F) و بر اساس درصد (ستون %) نوشته شده اند موارد بی جواب یا بی ربط هم مشخص شده است.

جدول شماره ۱- میزان و شدت معرف های ارتباط با همسر

موارد	خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد		بی جواب	
	%	F	%	F	%	F	%	F	%	F	%	F
میزان باهم بودن زوجین	۲۷	۲۲/۵	۳۳	۲۷/۵	۴۶	۳۸/۳	۱۰	۸/۳	۱	۰/۸	۳	۲/۵
مشاوره زن و شوهر	۶	۵	۸	۶/۷	۲۳	۱۹/۲	۵۶	۴۶/۷	۲۳	۱۹/۲	۴	۳/۳
کمک همسر در خانه	۲۲	۱۸/۳	۱۸	۱۵	۲۸	۲۳/۳	۳۷	۳۰/۸	۱۳	۱۰/۸	۲	۱/۷
اختلاف در مسائل خانه	۱۵	۱۲/۵	۴۶	۳۸/۳	۳۵	۲۹/۲	۱۲	۱۰	۹	۷/۵	۳	۲/۵
اختلاف در تربیت فرزند	۱۵	۱۲/۵	۳۰	۲۵	۲۹	۲۴/۲	۲۱	۱۷/۵	۹	۷/۵	۱۶	۱۳/۳
اختلاف در مسائل مالی	۳۴	۲۸/۳	۳۷	۳۰/۸	۲۶	۲۱/۷	۱۲	۱۰	۷	۵/۸	۴	۳/۳
تفاهم و سازگاری زوجین	۶	۵	۴	۳/۳	۲۶	۲۱/۷	۵۷	۴۷/۵	۲۴	۲۰	۳	۲/۵

جدول شماره ۲

میانگین معرف های مربوط به نزدیکی و صمیمیت با همسر

میانگین	موارد
۱/۳۵	میزان باهم بودن زوجین
۲/۷	مشورت و صحبت زن و شوهر
۲	کمک همسر در خانه
۱/۶	اختلاف در مورد مسائل خانواده
۱/۸	اختلاف در مورد تربیت بچه ها
۱/۳۲	اختلاف در مورد مسائل مالی
۲/۷۶	تفاهم و سازگاری زوجین

برای فهم بیشتر میزان های تعیین شده در جدول ۲ میانگین پاسخ به هر کدام از معرف های ذکر شده مشخص شده است.

از اعداد جدول شماره ۲ چنین استفاده می شود که میزان مشورت و صحبت زوجین و تفاهم بین زن و شوهر و نیز کمک همسر در خانه به طور متوسط بین متوسط تا زیاد مشخص گشته است. همچنین مشخص شده است که اختلاف زوجین در مورد مسائل خانوادگی، تربیت بچه ها و نیز مسائل مالی بین کم تا متوسط است.

در عمل برای اینکه یک متغیر وابسته را بررسی کنیم این هفت گویه ارائه شده در جدول ۱ را به صورت یک متغیر وابسته در نظر می گیریم بدین ترتیب که در ابتدا موافقت و مخالفت با یک گویه را به عدد و نمره تبدیل می کنیم.

خیلی موافق = ۴ موافق = ۳ متوسط = ۲ مخالف = ۱ خیلی مخالف = ۰

با ملاحظه گویه های جدول ۱ متوجه می شویم که تعدادی از آنها حالت مثبت و تعدادی دیگر حالت منفی را بیان می کند. لذا:

- کسی که با گویه سوم (که بیانگر گرایش مثبت است) موافق باشد نمره ۳.
- و کسی که با گویه چهارم (که بیانگر گرایش منفی است) موافق باشد نیز ۳

خواهد گرفت که این نمره گذاری ما را به واقعیت نمی رساند، لذا باید جهت نمره گذاری برای گویه های مثبت با گویه های منفی فرق کند و به شکل زیر درآید:

خیلی موافق	موافق	متوسط	مخالف	خیلی مخالف
۴	۳	۲	۱	۰
۰	۱	۲	۳	۴

گویه های مثبت:

گویه های منفی:

- از جمله موارد دیگری که جزو تأثیرات اشتغال مادران از آن نام برده شده تأثیری است که اشتغال بر رابطه مادر-فرزند به جای می گذارد که به وسیله سه معرف سنجیده شده است. میزان هر یک از این معرف ها در جدول ۳ و میانگین آنها در جدول شماره ۴ بیان شده است.

جدول شماره ۳- میزان و شدت معرف های نزدیکی با فرزند

موارد	خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد		بی جواب	
	%	F	%	F	%	F	%	F	%	F	%	F
صحبت با فرزند	۵	۶	۲۰	۲۴	۳/۳	۴۶	۱۶/۷	۲۰	۱/۷	۲	۱۸/۳	۲۲
تفریح و گردش	۱۶/۷	۲۰	۲۲/۵	۲۷	۸	۴۲	۶/۷	۸	۰/۸	۱	۱۸/۳	۲۲
وابستگی به مادر	-	-	۵/۸	۷	۳۵	۲۸	۳۲/۵	۳۹	۲۰	۲۴	۱۸/۳	۲۲
					۲/۳							

۳

جدول شماره ۴- میانگین معرف های نزدیکی با فرزند

میانگین	موارد
۱/۸۸	صحبت کردن با فرزند
۱/۴۲	رفتن به گردش و خانه اقوام
۲/۸	وابستگی به مادر

همان طوری که مشخص است پاسخ گویان میزان وابستگی فرزند به مادر را بین متوسط تا زیاد ارزیابی کرده اند. همچنین میزان صحبت و تفریح و گردش مشترک را بین کم تا متوسط نشان داده اند.

از موارد دیگری که در نظرسنجی از پاسخگویان سنجیده شد وضعیت تحصیلی فرزندان زنان شاغل بود. در جدول شماره ۵ معدل فرزندان اول دیده می شود. همان گونه که مشخص است حداقل معدل برابر ۱۱ و حداکثر آن معدل ۲۰ است. و دیده می شود که به طور متوسط از معدل تحصیلی خوبی برخوردار هستند.

جدول شماره ۵- معدل تحصیلی فرزندان اول زنان شاغل

طبقات	فراوانی مطلق	میانگین
۱۰ تا ۱۴	۱	۰/۸
۱۴/۱ تا ۱۸	۱۶	۱۳/۳
۱۸/۱ تا ۲۰	۲۷	۲۲/۵
بی جواب	۷۶	۶۳/۳
جمع	۱۲۰	۱۰۰

- تأثیر اشتغال بر برخی از جنبه های زندگی زن شاغل

از جمله متغیرهای وابسته دیگری که می تواند تحت تأثیر اشتغال زن قرار گیرد مسائلی است که مربوط به خود زن شاغل است که از جمله آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) ارتباط با دیگران: پاسخگویان در جواب اینکه چقدر با دیگران ارتباط دارید یا میزان ارتباط شما با دوستان و آشنایان و اقوام چقدر است؟ پاسخ هایی از خیلی کم تا خیلی زیاد را بیان کردند که در جدول ۶ مشخص است.

جدول شماره ۶- میزان ارتباط زنان شاغل با دیگران

طبقات	فراوانی مطلق	میانگین
خیلی کم	۱۲	۱۴/۲
کم	۲۲	۲۲/۵
متوسط	۵۰	۴۱/۲
زیاد	۲۲	۱۸/۳
خیلی زیاد	۴	۳/۳
جمع	۱۲۰	۱۰۰
میانگین	۱/۷۴	

ب) توجه به نظم و دقت کارها در خانه

جدول شماره ۷- میزان توجه به نظم

طبقات	فراوانی مطلق	میانگین
۰	۰	۰
۱	۱	۰/۸
۲	۱۵	۱۲/۵
۳	۵۴	۴۵
۴	۵۰	۴۱/۲
جمع	۱۲۰	۱۰۰
میانگین	۳/۲۲	

همانطور که در جدول شماره ۷ دیده میشود اکثر گزینه ها از جهت توجه به نظم بین زیاد و خیلی زیاد قرار دارند.

ج) شرکت در فعالیت های اجتماعی
 میانگین جدول نشانگر این مطلب است که زنان شغال نسبت به فعالیت های اجتماعی تحرک بیشتری دارند.

جدول شماره ۸- میزان شرکت در فعالیت های اجتماعی

طبقات	فراوانی مطلق	درصد
خیلی کم	۶	۵
کم	۷	۵/۸
متوسط	۱۸	۱۵
زیاد	۲۸	۲۳/۳
خیلی زیاد	۵۸	۴۸/۳
بی جواب	۳	۲/۵
جمع	۱۲۰	۱۰۰
میانگین	۳/۰۶	

د) توجه به خانواده

از اعداد جدول ۹ در صفحه بعد نیز در میابیم که میزان توجه زنان شاغل به خانواده بین دو گزینه متوسط تا زیاد است.

جدول شماره ۹ - میزان توجه به خانواده

طبقات	فراوانی مطلق	درصد
خیلی کم	۴	۳/۳
کم	۶	۵
متوسط	۱۴	۱۱/۷
زیاد	۲۳	۴۴/۲
خیلی زیاد	۲۷	۲۲/۵
بی جواب	۱۶	۱۳/۳
جمع	۱۲۰	۱۰۰
میانگین	۲/۸۹	

ه) قدرت تصمیم گیری

اعداد جدول ۱۰ نشان می دهد که ۶۳/۳٪ از پاسخ گویان تصمیم گیری مشترک با همسر خود داشته اند، ۹/۲٪ از پاسخ گویان خود به تنهایی تصمیم گیرنده بوده اند و ۲۴/۲٪ دیگر از خانواده ها مرد تصمیم گیر خانواده بوده است.

جدول شماره ۱۰ - تصمیم گیری در خانواده

طبقات	فراوانی مطلق	درصد
زن و مرد مشترکا	۷۶	۶۳/۳
مرد	۲۹	۲۴/۲
زن	۱۱	۹/۲
بی جواب	۴	۳/۳
جمع	۱۲۰	۱۰۰

و) احساس ناراحتی و گناه از نبودن در خانواده

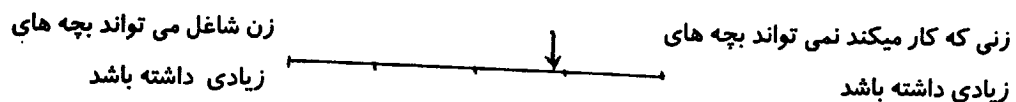
جدول شماره ۱۱ نشان می دهد که زنان شاغل میزان این متغیر را بین متوسط تا زیاد ابراز نموده اند.

جدول شماره ۱۱- میزان ناراحتی از نبودن در خانه

طبقات	فراوانی مطلق	درصد
خیلی کم	۳	۲/۵
کم	۱۸	۱۵
متوسط	۳۷	۳۰/۸
زیاد	۲۳	۱۹/۲
خیلی زیاد	۲۰	۱۶/۷
بی جواب	۱۹	۱۵/۸
جمع	۱۲۰	۱۰۰
میانگین	۲/۳۹	

ی) کنترل باروری

این متغیر وابسته به دو صورت سنجیده شده است اول به صورت سؤال در مورد تعداد فرزند و سپس با گویه ای که نظر پاسخ گویان را در مورد داشتن فرزندان کم یا زیاد جویا شده ایم. تعداد فرزند در قسمت های بعدی مورد توجه قرار می گیرد. بیشتر پاسخ گویان در ارزیابی طیف برش قطبین بیان کرده اند که زن شاغل نمی تواند بچه های زیادی داشته باشد.



۵-۲- معرف های تبیین کننده و تأثیر گذار

در این بخش عواملی را که از طریق اشتغال زن و یا در رابطه با اشتغال زنان بر خانواده اثرگذار هستند بررسی می شود و سپس ارتباط هر کدام از متغیرهای آن با متغیرهای وابسته مورد ارزیابی قرار می گیرد.

۵-۲-۱- متغیرهای مستقل مربوط به شغل

- نوع شغل

از مجموع ۱۲۰ نفر پاسخ گو ۵۷/۴ درصد در گروه کارمند، ۲۴/۲ درصد در شغل معلمی و دبیری، ۱۰/۹ درصد در کادر درمانی شامل پزشک و پرستار و بهیار و ۷/۵ درصد در شغل فروشنده بودند.

جدول شماره ۱۲- نوع شغل پاسخ گویان

طبقات	فراوانی مطلق	درصد
کارمند	۶۹	۵۷/۴
معلم	۲۹	۲۴/۲
کادر درمان	۱۳	۱۰/۹
فروشنده	۹	۷/۵
جمع	۱۲۰	۱۰۰

- سابقه کار

برطبق جدول شماره ۱۳ میانگین سابقه کار پاسخ گویان ۹/۳ سال بوده است. کمترین سابقه یک سال و بیشترین آن ۲۷ سال بوده است.

جدول شماره ۱۳ - سابقه کار پاسخ گویان

طبقات	فراوانی مطلق	درصد
۱ تا ۵ سال	۴۸	۴۰
۶ تا ۱۰ سال	۳۳	۲۲/۵
۱۱ تا ۱۵ سال	۱۵	۱۲/۵
۱۶ تا ۲۰ سال	۱۳	۱۰/۸
۲۱ تا ۲۵ سال	۸	۶/۲
بالای ۲۶ سال	۳	۲/۵

- ساعات کار در هفته

جدول شماره ۱۴ نشان می دهد که میانگین ساعت کاری زنان ۳۹ ساعت در هفته بوده است که کمترین آن ۲۰ ساعت و بیشترین آن ۷۶ ساعت بوده است.

جدول شماره ۱۴ - ساعت کار پاسخ گویان

طبقات	فراوانی مطلق	درصد
۲۰ تا ۳۰ ساعت	۲۴	۲۰
۳۱ تا ۴۰ ساعت	۶۵	۵۴/۲
۴۱ تا ۵۰ ساعت	۲۲	۱۸/۳
۵۱ تا ۶۰ ساعت	۷	۵/۸
بالای ۶۱ ساعت	۲	۱/۷
جمع	۱۲۰	۱۰۰
میانگین	۳۹	

- انگیزه اشتغال به کار

جدول شماره ۱۵ بیانگر اینست که سه انگیزه متفاوت نیاز مالی، علاقه به کار و حضور در اجتماع مهم ترین انگیزه های بیان شده پاسخ گویان بوده است.

جدول شماره ۱۵- انگیزه اشتغال به کار در پاسخ گویان

طبقات	فراوانی مطلق
نیاز مالی	۸۷
علاقه	۳۸
حضور در اجتماع	۳۳
سایر موارد	۱۵
جمع	۱۲۰

- رضایت از کار

پاسخ گویان به طور متوسط رضایت خود را از کار نزدیک به متوسط ارزیابی نموده اند.

جدول شماره ۱۶- رضایت از کار بین پاسخ گویان

طبقات	فراوانی مطلق	درصد
خیلی کم	۱۲	۱۰
کم	۲۰	۱۶/۷
متوسط	۵۸	۴۸/۳
زیاد	۲۳	۱۹/۲
خیلی زیاد	۷	۵/۸
جمع	۱۲۰	۱۰۰
میانگین	۱/۹۴	

- فشار ناشی از انجام دو کار خانه و خارج از خانه

میزان این متغیر در بین پاسخ گویان متوسط ارزیابی شده است. $۱۰/۸$ درصد میزان این فشار را خیلی زیاد و $۶/۷$ درصد میزان آن را خیلی کم بیان نموده اند.

جدول شماره ۱۷- فشار ناشی از انجام کار مضاعف

طبقات	فراوانی مطلق	درصد
خیلی کم	۸	۶/۲
کم	۲۶	۲۱/۲
متوسط	۴۵	۳۷/۵
زیاد	۲۸	۲۳/۳
خیلی زیاد	۱۳	۱۰/۸
جمع	۱۲۰	۱۰۰
میانگین	۲/۱	

- درآمد زن

در جدول شماره ۱۸ مشخص شده است که میانگین درآمد پاسخ گویان مبلغ ۵۳۸۳۸ تومان بوده است که کمترین میزان آن ۲۵ هزار تومان و بیشترین مقدار آن ۲۰۰ هزار تومان بوده است.

جدول شماره ۱۸ - درآمد پاسخ گویان

طبقات	فراوانی مطلق	درصد
زیر ۵۰ هزار تومان	۷۳	۶۰/۸
۵۰ تا ۱۰۰ هزار تومان	۳۹	۳۲/۵
۱۰۱ تا ۱۵۰ هزار تومان	۱	۰/۸
بالای ۱۵۱ هزار تومان	۱	۰/۸
بی جواب	۶	۵
جمع	۱۲۰	۱۰۰
میانگین	۵۳۸۳۸	

- رضایت از درآمد

اعداد جدول شماره ۱۹ حاکی از اینست که بیشتر پاسخ گویان میزان رضایت خود را از درآمد، متوسط ارزیابی نموده اند.

جدول شماره ۱۹ - رضایت از درآمد بین پاسخ گویان

طبقات	فراوانی مطلق	درصد
خیلی کم	۱۲	۱۰
کم	۲۰	۱۶/۷
متوسط	۵۸	۴۸/۳
زیاد	۲۳	۱۹/۲
خیلی زیاد	۲	۵/۸
جمع	۱۲۰	۱۰۰
میانگین	۲/۱	

- تاثیر درآمد زن در خانواده

در اکثر موارد تأثیر درآمد زن بین متوسط تا زیاد بوده است.

جدول شماره ۲۰- تأثیر درآمد پاسخ گویان در خانواده

طبقات	فراوانی مطلق	درصد
خیلی کم	۲	۵/۸
کم	۱۷	۱۴/۲
متوسط	۳۶	۳۰
زیاد	۳۲	۳۰/۸
خیلی زیاد	۲۱	۱۷/۵
بی جواب	۲	۱/۷
جمع	۱۲۰	۱۰۰
میانگین	۲/۴	

۲-۲-۵- رابطه متغیرهای مربوط به شغل با متغیرهای وابسته

رابطه هر یک از معرف های شرایط کاری و شغلی با معرف های وابسته در جداول شماره ۲۱ و ۲۲ ثبت شده است. مواردی از همبستگی های دو به دو که معنی دار نمی باشد در جدول ثبت نشده است.

اولین متغیر مستقلی که به آن پرداخته می شود، نوع شغل زن شاغل است. به جهت اینکه این متغیر از نوع متغیر اسمی چندگانه می باشد، از دستور آماری OWNWAY برای سنجش ارتباط این متغیر با متغیرهای وابسته استفاده شده است.

همان گونه که در جدول شماره ۲۱ مشخص گردیده است، این متغیر بر سه متغیر نزدیکی به فرزند، ارتباط با دیگران (دوستان و آشنایان و اقوام) و نیز اولویت به خانواده تأثیر دارد. میانگین

شدت هر یک از متغیرهای وابسته به تفکیک گروه های شغلی در جدول شماره ۲۱ مشخص شده است. از بین چهار گروه شغلی، زنان شاغل در شغل معلمی و دبیری، بیشترین اندازه را دارا بوده و فروشندگان کمترین مقدار. به این معنی که میانگین رابطه نزدیک با فرزند، رابطه با دیگران و اولویت به خانواده در بین معلمان بیشتر بوده است.

جدول شماره ۲۱- رابطه نوع شغل و سه متغیر وابسته

نوع شغل	میانگین		
	اولویت به خانواده	رابطه با دیگران	نزدیکی با فرزند
کارمند	۲/۱۸	۲/۳	۲/۰۸
معلم	۲/۰۷	۱/۶	۲
کادر درمانی	۱/۹	۱/۵	۱/۶
فروشنده	۰/۴	۱/۱	۱/۳

طبقات	تعداد	میانگین	F
کارمند	۶۹	۲/۰۸	+++ ۵/۷
معلم و دبیر	۲۹	۱/۶۷	
کادر درمانی	۱۳	۲	
فروشنده	۹	۱/۳	

طبقات	تعداد	میانگین	F
کارمند	۶۹	۲/۳۱	+++ ۵/۰۶
معلم و دبیر	۲۹	۱/۵۹	
کادر درمانی	۱۳	۱/۶	
فروشنده	۹	۱/۱	

طبقات	تعداد	میانگین	F
کارمند	۶۹	۲/۰۷	
معلم و دبیر	۲۹	۲/۰۱	۳/۵۴ +
کادر درمانی	۱۳	۱/۹۲	
فروشنده	۹	۰/۴۴	

رابطه سایر متغیرهای مستقل مربوط به شغل در جدول ۲۲ مشخص گردیده است. همچنانکه مشاهده می شود متغیر سابقه کار رابطه معکوس با متغیر توجه به خانواده دارد. به این معنی که افزایش سابقه کار به میزان $r = -0/21$ از توجه به خانواده کاسته می شود. همچنین در صورت افزایش سابقه کار از احساس گناه و ناراحتی مادر به خاطر دور بودن از خانواده کاسته می شود. ($r = -0/25$)

ساعت کار و میزان حضور مادر در محل کار رابطه معنی دار و معکوسی با نزدیکی به فرزند دارد. به این معنی که هر چه ساعت کار بالا رود به میزان $(r = -0/28)$ از نزدیکی با فرزند کاسته می شود و تأثیر منفی بر رابطه با فرزند می گذارد. همچنین میزان ساعت کار بر ارتباط زن با دیگران تأثیر منفی می گذارد ($r = -0/23$) و هرچه ساعت کار بالاتر رود ارتباط زن شاغل با دیگران کمتر می شود. عدد ($r = 0/24$) در رابطه بین ساعت کار و قدرت تصمیم گیری نشان می دهد که هرچه ساعت کاری زن بیشتر می شود قدرت تصمیم گیری او در خانواده افزایش می یابد. در عین حال افزایش ساعت کار باعث می شود تا زن به خاطر انجام کار داخل خانه و بیرون از خانه احساس خستگی و فشار بیشتری بکند. ($r = 0/24$)

متغیر علاقه به کار باعث تأثیر مثبت بر روی سه متغیر نزدیکی به فرزند، ارتباط زن با دیگران و اولویت به خانواده می شود. به این معنی که هرچه علاقه به کار بیشتر می شود رابطه بین مادر و فرزند در خانواده قوی تر می شود. ($r = 0/23$) یا هرچه علاقه به کار بیشتر می شود رابطه اجتماعی زن با دیگران افزایش می یابد. ($r = 0/4$) در ضمن علاقه به کار باعث می شود که زن شاغل از نبودن در خانه و کنار بچه ها احساس گناه و ناراحتی کمتری داشته باشد. ($r = -0/18$)

متغیر رضایت از کار نیز درست مانند علاقه به کار بر روی رابطه با فرزند و ارتباط زن با دیگران تأثیر مثبت می گذارد و همچنین باعث افزایش رضایت از زندگی می شود و هرچه رضایت زن از کار بیشتر می شود، رضایت بیشتری در زندگی زناشویی خویش به دست می آورد.

(۰/۱۹) همچنین رضایت از کار رابطه معکوسی با احساس ناراحتی و گناه به خاطر نبودن در خانه و نیز احساس فشار کار مضاعف خانه و خارج از خانه دارد. (۰/۱۹ و ۰/۳۱ -)

متغیر درآمد نیز دارای اهمیت است. این متغیر رابطه مثبت و معناداری با رابطه با فرزند دارد (۰/۲۵ = r). عدد ۰/۱۶ در جدول نشان می دهد که هرچه درآمد زن بیشتر می شود قدرت تصمیم گیری او افزایش می یابد و نیز درآمد زن بر رضایت زن از زندگی تأثیر مثبتی دارد و زنان با درآمد بیشتر رضایت بیشتری را ابراز می کنند (۰/۱۸ = r)

هرچه رضایت از درآمد بیشتر می شود رضایت از زندگی نیز در بین زنان شاغل بیشتر و بهتر میشود.

۲-۲-۵- ویژگی های فردی و خانوادگی اثرگذار

- سن پاسخ گویان

در جدول شماره ۲۳ مشخص گردیده است که پاسخ گویان به طور متوسط سنی معادل ۳۴ سال داشته اند. حداقل سن ۲۱ سال و حداکثر ۵۲ سال بوده است.

جدول شماره ۲۳- سن پاسخ گویان

طبقات	فراوانی مطلق	درصد
۲۰ تا ۳۰ سال	۴۳	۳۵/۸
۳۱ تا ۴۰ سال	۵۴	۴۵
۴۱ تا ۵۰ سال	۲۰	۱۶/۷
بالای ۵۰ سال	۳	۲/۵
جمع	۱۲۰	۱۰۰
میانگین	۳۴	

- تحصیلات

جدول شماره ۲۴ نشان می دهد که بیشتر پاسخ گویان تحصیلات دیپلم و لیسانس داشته اند. ۲/۵ درصد تحصیلات ابتدائی، ۵ درصد تحصیلات در حد سیکل، ۴۰ درصد در حد دیپلم، ۴۳/۳ درصد در حد لیسانس و ۹/۲ درصد بالاتر از لیسانس بوده اند. ارقام فوق بیانگر علاقه مندی و توجه زنان به تحصیلات خصوصا در مقاطع دانشگاهی است. در چند سال اخیر زنان حضور بیشتری در صحنه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی داشته اند. همین عامل سبب شده تا زنان اعتماد به نفس بیشتری پیدا کرده و در صدد کسب استقلال و حضور مداوم در جامعه باشند. برای نیل به این مقصود دستیابی به شغل مناسب اولین گام است و داشتن تحصیلات عالی راه را برای رسیدن به این هدف هموار میکند.

جدول شماره ۲۴- تحصیلات پاسخ گویان

طبقات	فراوانی مطلق	درصد
ابتدائی	۳	۲/۵
سیکل	۷	۵/۸
دیپلم	۴۵	۳۲/۵
فوق دیپلم یا لیسانس	۴۸	۴۰
بالای لیسانس	۱۲	۱۴/۲
جمع	۱۲۰	۱۰۰
میانگین	۱۳/۸۳	

- مدت ازدواج

اعداد جدول شماره ۲۵ نشان می دهد که مدت ازدواج پاسخ گویان به طور متوسط ۱۱/۵ سال بوده است (از یک سال تا ۴۲ سال).

جدول شماره ۲۵- مدت ازدواج

طبقات	فراوانی مطلق	درصد
۱ تا ۵ سال	۳۳	۲۷/۵
۶ تا ۱۰ سال	۳۳	۲۷/۵
۱۱ تا ۱۵ سال	۱۲	۱۰
۱۶ تا ۲۰ سال	۲۶	۲۱/۷
بالای ۲۶ سال	۱۶	۱۳/۳
جمع	۱۲۰	۱۰۰
میانگین	۱۱/۵	

- شغل همسر

برطبق جدول شماره ۲۶ پاسخ گویان شغل همسر خود را مشخص نموده اند که بیشتر همسران کارمند بوده و شغل آزاد در درجه دوم بوده است.

جدول شماره ۲۶- شغل همسر پاسخ گویان

طبقات	فراوانی مطلق	درصد
معلم	۱۰	۸/۳
کارگر	۴	۳/۳
شغل آزاد	۳۲	۲۶/۸
نظامی	۳	۲/۵
بازنشسته	۵	۴/۲
کارمند	۴۲	۳۹/۲
شغل فنی	۱۲	۱۰
پزشک	۳	۲/۵
بی جواب	۴	۳/۳
جمع	۱۲۰	۱۰۰

- ساعت کار همسر

جدول شماره ۲۷ نشانگر اینست که میانگین ساعت کار ۵۵/۴ ساعت بوده است که دامنه آن از ۲۴ ساعت تا ۹۸ ساعت است.

جدول شماره ۲۷- ساعت کار همسر پاسخ گویان

طبقات	فراوانی مطلق	درصد
زیر ۵۰ ساعت	۵۲	۴۳/۳
۵۱ تا ۷۰ ساعت	۳۹	۳۲/۵
بالای ۷۱ ساعت	۲۹	۲۴/۲
جمع	۱۲۰	۱۰۰
میانگین	۵۵/۴	

- تحصیلات همسر

از پاسخ گویان در مورد تحصیلات همسر سؤال شد که نتیجه آن در جدول شماره ۲۸ ثبت شده است که نشان میدهد اکثر همسران تحصیلات بین دیپلم و لیسانس داشته اند.

جدول شماره ۲۸- تحصیلات همسر پاسخ گویان

طبقات	فراوانی مطلق	درصد
ابتدائی	۳	۲/۵
سیکل	۶	۵
دیپلم	۴۸	۴۰
فوق دیپلم یا لیسانس	۵۲	۴۳/۳
بالای لیسانس	۱۱	۹/۲
جمع	۱۲۰	۱۰۰
میانگین	۱۳/۷	

- رضایت همسر از کارکردن زن

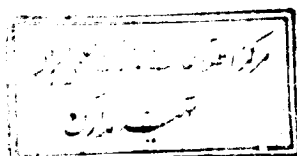
جدول شماره ۲۹ بیانگر اینست که در اکثر موارد رضایت همسر از کارکردن زن نزدیک به متوسط بوده است.

جدول شماره ۲۹- رضایت همسر پاسخ گویان از کار کردن آنها

طبقات	فراوانی مطلق	درصد
خیلی کم	۱۳	۱۰/۸
کم	۲۲	۱۸/۳
متوسط	۴۷	۳۹/۲
زیاد	۳۳	۲۴/۵
خیلی زیاد	۳	۲/۵
بی جواب	۲	۱/۷
جمع	۱۲۰	۱۰۰
میانگین	۱/۹۲	

- درآمد همسر

جدول شماره ۳۰ نشان می دهد که میانگین درآمد همسران برابر ۱۰۲۵۸۲ تومان بوده است که بیشتر پاسخ گویان درآمدی بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار تومان داشته اند.



جدول شماره ۳۰- درآمد همسر پاسخ گویان

طبقات	فراوانی مطلق	درصد
زیر ۵۰ هزار تومان	۱۲	۱۰
۵۰ تا ۱۰۰ هزار تومان	۶۱	۵۰/۸
۱۰۱ تا ۱۵۰ هزار تومان	۱۱	۹/۲
۱۵۱ تا ۲۰۰ هزار تومان	۹	۲/۵
بالای ۲۰۱ هزار تومان	۲۷	۲۲/۵
جمع	۱۲۰	۱۰۰
میانگین	۱۰۲۵۸۲	

- تعداد و جنس فرزند

در جدول شماره ۳۱ تعداد کل فرزندان و همچنین تعداد فرزندان پسر و دختر به شکل جداگانه مشخص شده است. همچنانکه مشاهده می شود ۱۵ درصد از کل پاسخ گویان بدون فرزند می باشند، ۷۳/۳ درصد دارای یک یا دو فرزند، ۱۰/۸ درصد دارای سه تا چهار فرزند و فقط ۰/۸ درصد بیش از چهار فرزند داشته اند.

جدول شماره ۳۱- تعداد فرزندان پاسخ گویان

طبقات	کل		دختر		پسر	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
بدون فرزند	۱۸	۱۵	۲۸	۲۳/۳	۳۹	۳۲/۵
۱-۲ فرزند	۸۸	۷۳/۳	۷۱	۵۹/۱	۴۸	۴۰
۳-۴ فرزند	۱۳	۱۰/۸	۳	۲/۵	۱۲	۱۰
۵-۶ فرزند	۱	۰/۸	۱	۰/۸	۳	۲/۵
بی جواب	۰	۰	۱۸	۰	۱۸	۱۵

تأثیر متغیرهای فردی و خانوادگی بر متغیرهای وابسته

تحصیلات زن بر روی رابطه با فرزند تأثیر مثبت دارد. به میزان $r=0/2$ هر چه تحصیلات زن بیشتر شود رابطه با فرزند نیز به مقدار $0/2$ بیشتر می شود. ولی همین متغیر بر روی رابطه با همسر تأثیر منفی می گذارد ($r=-0/19$) افزایش تحصیلات باعث افزایش رابطه زن با دیگران می شود و همینطور باعث رضایت بیشتر زن از زندگی می شود. ($r=0/18$)

- سن زن در صورت اضافه شدن باعث کاهش رابطه با فرزند می شود ($-0/23$) همچنین باعث کاهش توجه به خانواده و کاهش احساس گناه و ناراحتی زن شاغل میشود. و نشان می دهد که با افزایش سن زن اشتغال او به صورت امری جاافتاده مطرح می گردد.

- مدت ازدواج بر روی دو متغیر توجه به خانواده ($r=0/29$) و احساس ناراحتی و گناه مادر ($r=0/32$) تأثیر منفی به جای می گذارد. همچنین افزایش مدت ازدواج قدرت تصمیم گیری زن را افزایش می دهد. ($r=0/22$)

- ساعت کار همسر می تواند تأثیر مثبتی بر رابطه زن با دیگران داشته باشد هرچه ساعت کار مرد بیشتر می شود رابطه زن با دیگران و دوستان و فامیل بیشتر می شود.

- اضافه شدن تحصیلات مرد هم بر روابط بین زوجین تأثیر منفی دارد و این نشان می دهد که تحصیل عاملی برای افزایش رابطه زوجین نیست. تحصیلات مرد می تواند باعث این شود که زن اولویت بیشتری به خانواده دهد. ($0/22$) همچنین تحصیل مرد باعث می شود تا زن از زندگی زنا شوئی خود احساس رضایت بیشتری کند.

- متغیر دیگر رضایت شوهر از کارکردن زن است که هر چه بیشتر شود تأثیری مثبت بر رابطه با فرزند ($0/2$)، ارتباط زن با دیگران ($0/2$)، اولویت دادن زن به خانواده ($0/2$)، قدرت تصمیم گیری بیشتر زن ($0/42$) و رضایت بیشتر زن از زندگی ($0/44$) می گذارد.

جدول شماره ۳۲- همبستگی بین متغیرهای فردی و خانوادگی با متغیرهای وابسته

	سطح تحصیل	سن	مدت تاهل	ساعت کار همسر	سطح تحصیل همسر	شغل همسر	رضای همسر از درآمد زن	درآمد همسر	تعداد بچه	سن بچه
نزدیکی با فرزند	۰/۲ +	-۰/۲۳ +					۰/۲ +			-۰/۲۳ +
نزدیکی با همسر	-۰/۱۹ +				-۰/۱۸ +					
ارتباط با دیگران	۰/۲ +			۰/۱۶ +	-۰/۱۶ +		۰/۲ +			
توجه به نظم							-۰/۲۳ +++			
حضور در امور اجتماعی										۰/۱۸ +
توجه به خانواده		-۰/۲۱	-۰/۲۹ +++				۰/۲ +			۰/۴ +++
اولویت به خانواده								۰/۱۷ +		
احساس ناراحتی		-۰/۲۵ +++	-۰/۳۲ +++							-۰/۴ +
کنترل باروری				۰/۲۹ +++			۰/۴۳ +++			
تصمیم گیری			۰/۲۲ ++	-۰/۱۸ +			۰/۲۳ ++			
رضایت از زندگی	۰/۱۸ +						۰/۴۴ +++	۰/۲۴ ++		

- درآمد همسر با رضایت زن از زندگی مشترک رابطه مثبت و معنی داری دارد ($r=0/24$)، همچنین با تصمیم گیری زن در خانواده نیز رابطه مثبت و معنی داری نشان می دهد.

- سن بچه نیز با رابطه مادر به فرزند رابطه معنی دار و معکوسی را نشان می دهد به گونه ای که هرچه سن بچه ها بالاتر می رود تعامل قبلی که بین مادر و فرزند بوده کاسته می شود. یعنی تفریح مشترک یا صحبت کردن و وابستگی به مادر ($r=-0/23$) همچنین با افزایش سن بچه ها مادر مجال بیشتری برای شرکت در فعالیت های اجتماعی پیدا می کند ($r=0/18$) سن بچه ها با احساس ناراحتی مادر از نبودن در خانه تأثیر معکوسی را نشان می دهد. با لارفتن سن بچه ها مادر دغدغه خاطر کمتری نسبت به خانه دارد.

تعیین رگرسیون چند متغیری برای تبیین دو متغیر وابسته

MUTLPLE REGRESSION

جدول شماره ۳۳ - رگرسیون چند متغیری برای تبیین نزدیکی با فرزند

متغیرها	B	SEB	Beta	T
رضایت همسر از کارکردن زن	0/13	0/06	0/20	1/92
سن زن	-0/01	0/01	-0/16	-1/44
تحصیلات زن	0/03	0/02	0/17	1/38
رضایت از کار	0/04	0/07	0/07	0/53
ساعت کار	-0/01	0/006	-0/20	-1/9
درآمد زن	0/0006	0/0003	0/15	1/17
علاقه به کار	0/006	0/07	0/011	0/07

Multiple R 0/54

R Square 0/30

Adjusted R Square 0/24

Standard Error 0/51

F = 4/99 Signif F = 0/0001

اعداد جدول شماره ۳۳ چند شاخص همبستگی بین متغیر نزدیکی به فرزند و متغیرهای مستقل را نشان میدهد. در اینجا ضریب همبستگی چندگانه (چند متغیر) برابر است با $R = 0/54$ این مقدار ضریب نشان دهنده رابطه متوسط قوی بین نزدیکی به فرزند با هفت متغیر مستقل انتخاب شده است. البته این ضریب همیشه مثبت است و بین صفر و یک است. و هرچه قدر به یک نزدیکتر گردد میزان وابستگی متغیر وابسته به متغیرهای مستقل بیشتر است.

اشکال ضریب تعیین این است که تعداد درجات آزادی را به حساب نمی آورد. از اینرو برخی از آمار دانان ترجیح می دهند که شاخص دیگری به نام ضریب تعیین تعدیل شده را مورد استفاده قرار دهند. این ضریب همان ضریب تعیین معمولی است که مقادیر آن با درجات آزادی تعدیل شده است.

یعنی در R تعدیل شده (R_{Ad})، تعداد متغیرهای توصیف کننده (مستقل) نیز در رابطه با تعداد مشاهدات مد نظر قرار می گیرد. R تعدیل یافته نیز برابر است با: (که در آن $K=7$ تعداد متغیرهای مستقل می باشد)

و میزان خطای معیار یا خطای همبستگی برابر با $S = 0/51$ می باشد. این شاخص نشان دهنده میزان قدرت پیش بینی معادله رگرسیون چند متغیری است.

ضریب تعیین نیز در اینجا برابر با $R = 0/30$ است. این عدد بیانگر این حقیقت است که ۳۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته به متغیرهای مستقل مذکور مربوط است و ۷۰ درصد به عوامل دیگر بستگی دارد.

در اینجا آنالیز واریانس نیز انجام گردیده و مقدار F یعنی نسبت متوسط واریانس رگرسیون به متوسط واریانس باقیمانده محاسبه گردیده برابر $F = 4/99$ و معنی دار بودن F برابر $0/0001$ یعنی با صد درصد اطمینان بین متغیرهای مستقل اختلاف معنی دار وجود دارد. لازم است که اهمیت نسبی متغیرهای مستقل در پیش بینی متغیر وابسته شناخته شود لذا باید آنها واریسی شوند. بنابراین معادله کلی خط رگرسیون عبارت است از:

$$= 0/13 \text{ (تحصیلات زن)} + 0/03 \text{ (سن زن)} - 0/01 \text{ (رضایت همسر از کار کردن زن)} \\ + 0/06 \text{ (علاقه به کار)} + 0/006 \text{ (ساعت کار)} - 0/01 \text{ (رضایت از کار)} + 0/04$$

با توجه به b های محاسبه شده (علامت ها) ملاحظه میشود که اثر متغیرهای رضایت همسر از کار کردن زن، تحصیلات زن، رضایت از کار و علاقه به کار بر روی نزدیکی به فرزند مستقیم بوده در صورتی که متغیر سن زن و ساعت کار رابطه معکوسی با نزدیکی با فرزند داشته اند.

رضایت همسر از کارکردن زن

تحصیلات زن

رضایت از کار

علاقه به کار

سن زن

ساعات کار زن

نزدیکی با فرزند

معادله پیدا شده در بالا نسبت به دستگاه محورهای مختصات عادی است می توان آن را به معادله در دستگاه استاندارد تبدیل نمود. زیرا بیان معادله همبستگی بر حسب صفات استاندارد یا به عبارت دیگر بیان معادله همبستگی در دستگاه استاندارد نه تنها ضرایب آن معادله را با همدیگر قابل مقایسه می نماید، بلکه فرمول های مشخص کننده آماری و خود معادلات را نیز ساده تر می کند.

$$= 0/20 \text{ (رضایت همسر از کارکردن زن)} - 0/16 \text{ (سن زن)} + 0/17 \text{ (تحصیلات زن)} \\ + 0/11 \text{ (علاقه به کار)} - 0/20 \text{ (ساعات کار)} - 0/07 \text{ (رضایت از کار)}$$

این Bها تأثیر هر متغیر مستقل را به طور جدا از بقیه متغیرها نشان می دهد. بنابراین اندازه ای خالص و استاندارد است. اعداد نشان می دهد که دو متغیر رضایت همسر از کارکردن زن و ساعت کار زن بیشترین تأثیر را بر روی متغیر وابسته دارند. در ستون پنجم تمامی آنها با استفاده از آزمون T استیودنت آزمون شده اند و اما در مورد متغیر وابسته نزدیکی به همسر، جدول شماره ۳۴ اعداد و ضرایب را مشخص نموده است.

جدول شماره ۳۴ - رگرسیون چندگانه برای تبیین تغییرات متغیر نزدیکی و رابطه با همسر

متغیرها	B	SEB	Beta	T	Sigt
تحصیلات زن	0/11	0/04	0/33	2/46	0/01
تحصیلات همسر	-0/22	0/08	-0/25	-2/7	0/008
فشار کار مضاعف	-0/005	0/04	-0/01	-0/13	0/89

Multiple R 0/39
 R Square 0/15
 Adjusted R Square 0/12
 Standard Error 0/88
 F = 4/91 Signif F = 0/0009

ضریب همبستگی چندگانه در این مورد برابر است با $R = 0/39$ این مقدار ضریب نشان دهنده رابطه متوسط ضعیف بین رابطه با همسر با سه متغیر مستقل انتخاب شده است. البته در این مورد R برابر است با $0/15$ و نشان می دهد که این سه متغیر مستقل مقدار کمی از تغییرات را تحت تأثیر خود قرار می دهند. آنالیز واریانس در این مورد برابر $F = 5/91$ و معنی دار بودن آن $0/0009$ است.

خلاصه یافته ها

طبق این بررسی

-نوع شغل میتواند بر سه متغیر نزدیکی به فرزند، رابطه زن با دیگران و اولویت به خانواده تاثیر گذار باشد. در تحقیق حاضر معلمین در این سه متغیر نمرات بهتری داشته اند.

- ساعت کار بر رابطه مادر فرزند تاثیر منفی می گذارد. همینطور بر میزان ارتباط زن با دیگران. در عوض با افزایش میزان ساعات کار زن در هفته، قدرت تصمیم گیری وی در خانواده بیشتر میشود. افزایش ساعات کار همچنین فشار و سنگینی انجام دو کار در خانه و خارج از خانه را برای زن بیشتر میکند.

- علاقه به کار باعث افزایش تزکیبی به فرزند، ارتباط با دیگران و اولویت به خانواده میشود. هر چه علاقه زن به کار بیشتر میشود احساس گناه و ناراحتی از نبود در خانه و در کنار فرزندان کمتر میشود.

- رضایت از کار باعث رضایت بیشتر از زندگی میشود و مانند متغیر علاقه به کار باعث افزایش نزدیکی به فرزند و ارتباط با دیگران میشود. همچنین رضایت از کار میزان احساس انحصار سنگینی و فشار کار مضاعف خانه و خارج از خانه را برای زن کمتر می کند.

- درآمد افزایش درآمد، قدرت تصمیم گیری زن را در خانه افزایش میدهد و باعث رضایت بیشتر زن از زندگی زنا شویی میشود. هرچه رضایت از درآمد بیشتر باشد، رضایت از زندگی هم بیشتر میشود.

- تحصیلات زن باعث افزایش رابطه نزدیکی با فرزند میشود. ولی بر روی رابطه با همسر تاثیر منفی دارد و همچنین باعث افزایش رابطه زن با دیگران و رضایت بیشتر زن از زندگی میشود.

- سن زن هر چه سن زن شاغل بالاتر می رود اشتغال او به صورت امری جابفتاده مطرح می گردد و تاثیر آن مانند سابقه کار نشان داده می شود.

- تحصیلات همسر بر رابطه بین زوجین تاثیر منفی میگذارد.

- رضایت مرد از کار زن که هر چه بیشتر میشود رابطه زن با فرزند و با دیگران بهبود می یابد و همچنین زن اولویت بیشتری به زندگی خانوادگی میدهد
و در صورت رضایت همسر از کارکردن زن موقعیت بهتری
برای تصمیم گیری زنان پدید می آید و رضایت آنان از زندگی
بیشتر میشود.

- درآمد همسر هر چه درآمد خانواده بالاتر میرود رضایت زن از زندگی زناشویی بیشتر میشود و قدرت تصمیم گیری زن نیز بالاتر میرود.

- سن فرزندان هر چه سن فرزند بالاتر میرود تعامل قبلی بین مادر و فرزند کاسته میشود یعنی تفریح
مشترک و صحبت کردن و وابستگی به مادر - همچنین با افزایش سن فرزند مادران
نسبت به خانه و نگهداری از فرزندان دغدغه کمتری دارند.

فصل ششم

نتیجه گیری و پیشنهادات

- شرکت معنا دار زنان در تصمیم گیریهای عمده فقط برای زنان مفید نیست بلکه جامعه از آن بهره می برد. توانمند سازی زنان، سطح فکری و فرهنگی جامعه را به طور فزاینده ای بالا می برد و زنان به عنوان پرورش دهندگان نسل های آتی هر چه توانمندتر، آگاه تر و در عرصه دانش و فن آوری مفیدتر باشند، نسل آتی از آن بیشتر بهره مند می شوند و توسعه جوامع تنها با حضور زنان در عرصه تفکر و خدمت معنی می یابد.

زنان هم باید گام هایی برای پیشرفت خود بردارند. آنها می توانند با استفاده از رأی و نظرشان شمار زنان مسئول در حیات جمعی را بالا ببرند و در آخرین کلام، مردان نیز باید با حرمت نهادن به حقوق زن در حرکتی نه به عنوان اینکه از حق خود می گذرند بلکه به دلیل اینکه بدون این همسوئی و همراهی حرکت جامعه به سوی توسعه مقدور نخواهد بود، بپذیرند و آن را ترویج کنند.

- به گزارش سازمان بهداشت جهانی تحقیقات نشان می دهد که تصمیم و تربیت دختران، سرمایه گذاری ارزشمندی برای رشد اقتصادی آینده و زندگی بهتر در کشورهای در حال توسعه است. از آنجا که آموزش و پرورش موجب تأخیر ازدواج و شانس بیشتر استخدام آنان را فراهم می آورد، زنان تحصیل کرده راه ها و وسایل پیشگیری از بارداری را بهتر می شناسند و به کار می گیرند و مرگ و میر خود و فرزندانشان کمتر است. امید می رود که با تلاش های بیش از پیش بی سوادی در بین زنان کشور ما نیز ریشه کن شده و تعلیم و تربیت دختران فزونی گیرد.

همانگونه که بررسی شد اشتغال زنان از ساختار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی جامعه و نظام شخصیتی خود زنان تأثیر می پذیرد. چنانچه کشوری بخواهد مسیر رشد و توسعه را در پیش گرفته و مشکلات را در این راه از پیش پا بردارد، باید به موانع اشتغال زنان توجه نماید. این موانع که طیف وسیعی از موانع فیزیولوژیکی، شخصیتی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را در بر می گیرد، شرایط خاصی را در اشتغال زنان به خصوص در کشورهای جهان سوم ایجاد نموده است. در این کشورها که اقتصادشان مبتنی بر کشاورزی بود مدت زیادی نیست که صنایع جدید در شهرهای آنها رشد نموده و زنان از دیرباز در فعالیت کشاورزی، در کنار سایر فعالیت های خانه، به دامداری، کشت دانه، پرورش حیوانات و طیور، درختکاری، تهیه میوه و سبزیجات و سایر ما یحتاج خانواده مشغول بودند. ولی با این همه فعالیت، چون مزد دریافت نمی کردند، تولید آنها در درآمد ملی محاسبه نمی گردید. با رشد صنایع در شهرها شرایط جدید اشتغال مزدبگیری به وجود آمد. این شرایط گاهی متناسب با وضعیت فیزیولوژیکی زنان نبود. قوانین و مقررات برای کارگران زن وضع شد، ولی این تنها راه حل نبود. برای رشد آنان در جهت کسب درجات عالی تر موانع اجتماعی وجود دارد. آموزش که از مسایل مهم رشد و توسعه است، به واسطه بعضی موانع فرهنگی، برای

زنان اهمیت داده نمی شود. مانند بزرگ نمودن تفاوت های جسمی که این امر منشأ تفاوت های روانی و شخصیتی گشته و از طریق جامعه پذیری در الگوهای رفتاری مؤثر واقع می شود و خانواده را به سوی عدم سرمایه گذاری آموزشی برای دختران سوق می دهد. دختران از ابتدا با این تبعیض ها میان خود و برادرانشان روبه رو شده و کم کم خود نیز این باور را تثبیت می نمایند که تفاوت های اساسی با پسران دارند، لذا از امکانات کمتری باید بهره ببرند. بنابراین، انگیزه دستیابی به سطوح بالاتر آموزش را از دست میدهند و با توجه به اینکه وظیفه اصلی آنها مادری-همسری تلقی می شود، وقتی با مشکلات ترکیب نقش ها در داخل و خارج از خانه روبرو میشوند، اشتغال به کار خارج از خانه را رها می کنند یا به بعضی مشاغل خاص گرایش پیدا می کنند.

- مطالعات و بررسی ها نشان می دهد هنوز افراد چه مرد و چه زن، در پذیرش نقش های جدید زنان تردید دارند. بسیاری از زنان اظهار می دارند که در ترکیب نقش های خود در خانه و اشتغال بیرون از خانه دچار تضاد می شوند و چنانچه حمایت کافی از آنان نشود ناچار کار بیرون از خانه را رها میکنند.

اشتغال مادر به خودی خود نمی تواند عامل موجد مشکلات رفتاری در فرزندان و یا بروز مسائلی در محیط خانه شود. برخی از محققین از آن به عنوان عاملی که حس مسئولیت پذیری و انجام امور خانه را در فرزندان این مادران تقویت می کند، یاد نموده اند. اصل مهم این است که مادر، چه خانه دار و چه شاغل باید از زندگی خود لذت ببرد و این موضوع است که بر خشنودی اعضا و ثبات و سازگاری در محیط خانه تأثیر می گذارد. در صورتی که کار برای مادر فشارآور باشد و به جای احساس شایستگی، کمال و افتخار موجب ناخرسندی او گردد، می تواند بروز مشکلاتی را در رابطه با همسر و فرزندان و یا ارتباطات اجتماعی وی سبب شود.

بنابراین، پیشنهاد می شود که مطالعاتی در باب امور مختلفی که بانوان عهده دار انجام هستند و میزان رضایت شغلی آنان صورت پذیرد و مشاغل متناسب با روحیه و وظیفه همسری و مادری به زن واگذار کرد.

به طور خلاصه می توان گفت که در ارتباط با اشتغال و جلب مشارکت زنان در جامعه کنونی ما هنوز هم در بسیاری از موارد با موانع با تنگناهای زیادی مواجه هستیم و این موانع را برای حضور فعال زنان در عرصه های مختلف اقتصادی، اجتماعی در جامعه ناهموار کرده و موجب شده تا جامعه امروز ما از بهره برداری بهینه از نیروی کار بخش عظیمی از جامعه محروم بماند. برای رفع این تنگناها و موانع می بایست موارد ذیل مورد توجه قرار گیرد.

- ۱- مقابله با بینش مبتنی بر عدم به کارگیری زنان در مشاغل مختلف
- ۲- تجدید نظر اساسی در محتوای کتب درسی مدارس در زمینه تاکید بر نقش زنان در مشاغل

گوناگون

۳- ارائه الگوهای شغلی مختلف برای زنان و دختران در جامعه

۴- تاکید بر به کارگیری رسانه های گروهی در زمینه تغییر باورها و نگرش های موجود در زمینه

اشتغال زنان

۵- گسترش طرح های خوداشتغالی زنان

۶- ایجاد و راه اندازی تشکل های مناسب زنان در سطح جامعه و سازمان ها

۷- ایجاد نهادهای حمایت کننده و معین برای حمایت از حقوق زنان در کلیه ابعاد

۸- ایجاد کانون های لازم جهت آموزش فنی - حرفه ای زنان و ارتقاء سطح مهارت و دانش فنی

آنها

۹- تشویق و ترغیب زنان نمونه و موفق در فعالیت های مختلف اقتصادی، اجتماعی و ...

۱۰- ارتقاء سطح آگاهی زنان نسبت به حقوق خویش در جامعه و همچنین مطلع ساختن آنها از

قانون کار و مزایای مختلف آن

- از آنجا که زنان به اقتضای شرایط خود ناچار به ایفای نقش شغلی خود به صورت تواتری هستند، به هنگام ضرورت از مرخصی های لازم یا کار نیمه وقت و ... برخوردار کردند و این عوامل منجر نشود که آنان نسبت به از دست دادن شغل خود نگرانی داشته باشند و یا آنکه باعث شود به طور کلی شغل خود را از دست بدهند.

- تقسیم متوازن قدرت در خانواده ها و اشتغال زنان زمینه های نیاز به روابط اجتماعی در درون خانواده ها را تا حدودی دگرگون می سازد. به طوری که با در نظر گرفتن اهمیت مسائل اقتصادی و لزوم اشتغال از یک طرف و تمایل به شکستن حصار نقش های سنتی خانوادگی از طرف دیگر، در نهایت پذیرش عدم حضور تمام وقت در محیط خانه را برای زنان آسان تر می سازد. در چنین وضعیتی باید، تعاریف نقش ها و به طور کلی جایگاه اشتغال زنان به درستی صورت گرفته و از کانال های مشخصی از طریق مکانیسم های جامعه پذیری در جامعه اعمال گردد. همچنانکه تصمیم گیری های مشترک خانوادگی به وسیله زن و شوهر ازسوی شوهران مورد پذیرش قرار گرفته است.

- تمهیدات دولت جهت زنان شاغل و سهل نمودن شرایط کاری آنان و اشتغال آنان به کارهای تخصصی با دستمزد بالاتر و امکانات رفاهی بیشتر، مشوق آنان به کار خواهد بود. آشنا ساختن خانواده ها به تقسیم کار در داخل خانواده و مسئولیت پذیری اعضا و از سوئی تشکیل مؤسسات و سازمان هایی که خدمات خانگی را ارائه دهند باعث می گردد زنان مشغله کمتری داشته باشند و به کارهای اساسی تر پردازند، بدین طریق از این نیروی عظیم در جهت رشد و توسعه کشور بهره بیشتری عاید گردد.

منابع

- زن ، علم ، صنعت ، توسعه تهران - دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری - ۱۳۷۴
- شاخص های اجتماعی و اقتصادی زنان در جمهوری اسلامی - واحد آمار و انفورماتیک دفتر امور زنان - تهران - ۱۳۷۴
- گزارش ملی وضعیت زنان در جمهوری اسلامی - تهران - دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری - ۱۳۷۴
- مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده - باقر ساروخانی - تهران - سروش - ۱۳۷۰
- جامعه شناسی جمعیت و تنظیم خانواده - شیخی - تهران - نشر دیدار - ۱۳۷۳
- جامعه شناسی جهان سوم - شیخی - تهران - اشراقی - ۱۳۷۳
- مقدمه ای بر مبانی جمعیت شناسی - شیخی - تهران - سفیر - ۱۳۷۲
- تحلیل و کاربرد جمعیت شناسی - شیخی - تهران - اشراقی - ۱۳۷۱
- گزارش کوتاه پیرامون اجلاس جهانی توسعه اجتماعی - با همکاری دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی و نمایندگی سازمان ملل متحد در تهران - مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه - ۱۳۷۶
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن - ۱۳۷۵ - نتایج تفصیلی کل کشور - تهران - مرکز آمار ایران - چاپ اول - ۱۳۷۶

- دخترپچه ها ، سرمایه گذاری برای آینده ، قسمت برنامه های توسعه برای زنان (یونیسف) -
نیلوفر پورزند - تهران - ۱۳۷۱
- جامعه شناسی خانواده و ازدواج - میشل آندره - ترجمه فرنگیس اردلان - تهران - مؤسسه
انتشارات و چاپ دانشگاه تهران - ۱۳۵۴
- درآمدی بر جامعه شناسی تاریخی خانواده - مارتین سگالن - ترجمه الیاس - تهران -
نشر مرکز - ۱۳۷۰
- عوامل مؤثر بر رضایت زن و شوهر از ازدواج - محمد صادق مهدوی - انتشارات رشد -
تهران - ۱۳۷۶
- علل گرایش روستائیان به جهاد - فرامرز رفیع پور - تهران - مرکز تحقیقات و بررسی
مسائل روستائی - ۱۳۷۲
- زنان در بازار کار ایران - مهرانگیز کار - تهران - انتشارات روشنگران - ۱۳۷۳
- سوشیون ، نماینده صندوق جمعیت ملل متحد - سخنرانی جمعیت و توسعه - ۱۹۹۷
- اشتغال و بیکاری زنان از دیدگاه توسعه - ماهنامه زنان - سال اول - بهمن ۱۳۷۰ -
شماره یک
- بررسی موانع موجود در زمینه اشتغال زنان در ایران - محمدعفتی - کارشناس مسائل اجتماعی
- نقش پنهان زنان در تربیت انسان توسعه آفرین - صغری ابراهیمی قوام - مرتضی پورموسی
- بررسی روند اشتغال زنان در ایران و سایر کشورها - بهجت الملوک مظفری
- جامعه شناسی اشتغال زنان، دکتر خدیجه سفیری، تیان - ۱۳۷۷
- منزلت اجتماعی و میزان مشارکت اقتصادی زنان در ایران ، سید محمد سیدمیرزائی -
پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷

- Effects of Maternal Employment Experiences On Children's Behavior Via Mood, Cognitive Difficulties and Parenting Behavior - KARYL E.MACEWEN AND JULIAN BARLING Queen's University Journal of Marriage and family 53 (August 1991): 635 - 644

- Women's Work Conditions and Marital Adjustment in Two - Earner - Couples : A Structural Model , HEATHER A.SEARS AND NANCY L.GALAMBOS, University of Victoria, Journal of Marriage and The Family 54 (November 1992) : 789-797

- MOTHER'S OCCUPATIONAL STATUS AND CHILDREN'S SCHOOLING MATTHIJS KALMIJN - Utrecht University , The Netherlands. American Sociological Review 1994, Vol, 59 (April : 257 - 275)

- Mother's Work hours and Marital Quality: Variations by Family Structure and Family Size STACY J. ROGERS University of Nebraska - Lincoln Journal of marriage and The Family 58 (AUGUST 1996): 606 - 617

- HOUSEWIVES and Employed Wives : Demographic and Attitudinal change, 1972 - 1986 JENNIFER GLASS University of Notre Dame Journal of marriage and Family 54 (August 1992) : 559 - 562

- Home - To - Work spillover Revisited : A Study of Full - Time Employed Women - in Dual - Earner Couples ROSALIND C.BARNETT Wellesley College Journal of marriage and Family 56 (August 1994) : 647 - 656

- Wife's Employment and Quality of marriage DANA VANNOY
university of Cincinnati

WILLIAM W. PHILLIBER State university of NEWYORK.

Jo 54 (may 1992): 387 - 398

- WOMEN'S EMPLOYMENT DURING PREGNANCY AND AFTER
THE FIRST BIRTH: - OCCUPATIONAL CHARACTERISTICS

AND WORK COMMITMENT

SONALDE DESAI The Population Council

American Sociological Review, 1991, Vol. 56 (August: 551 - 566)

ضمائم

بسمه تعالی

دوست عزیز سلام

من دانشجوی رشته علوم اجتماعی هستم و کارما تحقیق در مورد مسائل اجتماعی است. ما در کار خودمان از نظرات و حرف های مردم استفاده می کنیم و به همین خاطر اسم افراد یا مسائل شخصی آنها مهم نیست بلکه نظرات آنها مهم است و سعی می کنیم تا املات دار خوبی برای مردم باشیم. از اینکه وقتان را در اختیار من قرار دادید متشکرم.

اگر موافق باشید می خواستم کمی راجع به خودتان صحبت کنیم.

۱- گفتید که شاغل هستید شغل شما چیست؟

۲- چند سال است که در این کار هستید؟

۳- چند ساعت در هفته کار می کنید؟

۴- آن وقت مزایای کاری و بیمه و بازنشستگی هم دارید؟

۵- چقدر درس خوانده اید؟

۶- سن شما چقدر است؟

۷- هر کدام از خانم هایی که کار می کنند به دلیل خاصی مشغول به کار هستند. شما به چه علتی مشغول به کار هستید؟

۸- بعضی خانم ها می گویند زن باید در هر شرایطی بیرون از خانه کار کند و بعضی دیگر با این مسئله مخالفند. شما تا چه اندازه با کار کردن زن در بیرون از خانه موافقید؟

خیلی کم کم متوسط زیاد خیلی زیاد

۹- تا چه حد به کارتان علاقه دارید؟

خیلی کم کم متوسط زیاد خیلی زیاد

۱۰- از کار و شرایط کاری خودتان تا چه حد راضی هستید؟

خیلی کم کم متوسط زیاد خیلی زیاد

۱۱- بعضی از خانم ها از اینکه هم در خانه و هم بیرون خانه کار کنند احساس خستگی زیادی می کنند و بعضی ها کمتر شما چطور؟ انجام دو کار باهم تا چه حد باعث خستگی جسمی و روحی شما می شود؟

خیلی کم کم متوسط زیاد خیلی زیاد

۱۲- شما تا چه حد با دوستان و اقوام و فامیل ارتباط دارید و به دیدن آنها می روید؟

○-----○-----○-----○-----○

خیلی کم کم متوسط زیاد خیلی زیاد

۱۳- بعضی ها می گویند زنی که کار می کند لزومی ندارد که زیاد به وضع خانه و زندگی خود برسد. بعضی دیگر به این مسئله برعکس می نگرند. شما تا چه حد به تمیزی خانه و نظم کارهای خانه اهمیت می دهید؟

○-----○-----○-----○-----○

خیلی کم کم متوسط زیاد خیلی زیاد

۱۴- درآمدتان در ماه چقدر است؟

۱۵- از درآمدتان تا چه حد راضی هستید؟

○-----○-----○-----○-----○

خیلی کم کم متوسط زیاد خیلی زیاد

۱۶- در بعضی خانواده ها درآمد زن چندان تاثیری در خرج و مخارج زندگی ندارد و در بعضی دیگر از خانواده ها درآمد زن خیلی مهم است. درآمد شما تا چه حد در خانواده تاثیر دارد؟

○-----○-----○-----○-----○

خیلی کم کم متوسط زیاد خیلی زیاد

خوب حالا کمی هم راجع به همسران صحبت کنیم

۱۷- چندسال است که ازدواج کرده اید؟

۱۸- همسر شما هم شاغل هستند؟

۱۹- شغل همسران چیست؟

۲۰- همسران چندساعت در هفته کار می کنند؟

۲۱- تحصیلات همسران چقدر است؟

۲۲- همسران تا چه حد از کار کردن شما راضی است؟

○-----○-----○-----○-----○

خیلی کم کم متوسط زیاد خیلی زیاد

۲۳- بعضی ها می گویند اگر قرار باشد زن در بیرون از خانه کار کند همسرش باید در کارهای خانه بیشتر به او کمک کند بعضی دیگر می گویند انجام کارهای خانه ربطی به مرد ندارد. همسر شما تا چه حد در انجام کارهای خانه کمک می کند؟

○-----○-----○-----○-----○

خیلی کم کم متوسط زیاد خیلی زیاد

۳۹- در مورد کارهای مهم خانواده و کشور چه کارهایی را می‌توانید انجام دهید؟

۱- در مورد کارهای مهم خانواده و کشور چه کارهایی را می‌توانید انجام دهید؟



خیلی کم کم متوسط زیاد خیلی زیاد

۲- در مورد کارهای مهم خانواده و کشور چه کارهایی را می‌توانید انجام دهید؟



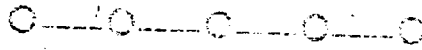
خیلی کم کم متوسط زیاد خیلی زیاد

۳- از زندگی با همسرتان تا چه حد راضی هستید؟



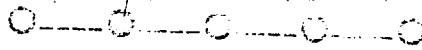
خیلی کم کم متوسط زیاد خیلی زیاد

۴- در مورد کارهای خانه و مسئولیتی که برایتان دارد تا چه حد با همسرتان جرو بحث می‌کنید؟



خیلی کم کم متوسط زیاد خیلی زیاد

۵- در مورد کارهای خانه و مسئولیتی که برایتان دارد تا چه حد با همسرتان جرو بحث می‌کنید؟



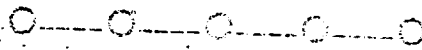
خیلی کم کم متوسط زیاد خیلی زیاد

۶- در مورد خرج کردن پول و درآمد خانواده تا چه حد با همسرتان جرو بحث می‌کنید؟



خیلی کم کم متوسط زیاد خیلی زیاد

۷- در مورد کارهای خانه و مسئولیتی که برایتان دارد تا چه حد با همسرتان جرو بحث می‌کنید؟

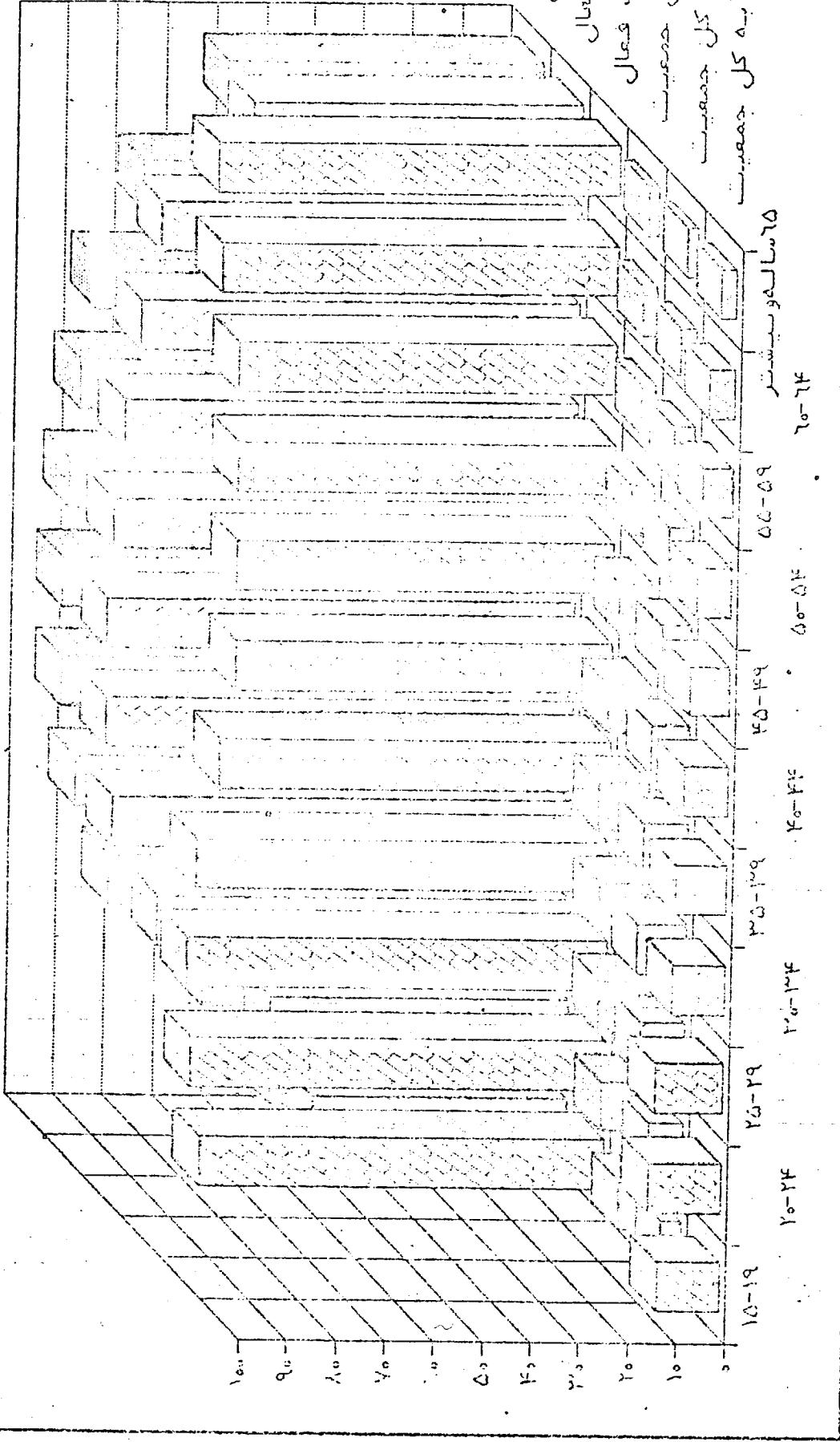


خیلی کم کم متوسط زیاد خیلی زیاد

۸- در آمد همسرتان در ماه چقدر است؟

- ۴۸- اگر زنها در کارهای اجتماعی بیشتر باشند کشور پیشرفت می کند.
- ۴۹- مردم به زن خاتمه دار و زن شاغل احترام یکسان میکنند.
- ۵۰- زن در هر حال باید به خانواده اش بیشتر توجه نماید.
- ۵۱- زنی که کار می کند نمیتواند بچه های زیادی داشته باشد.
- ۵۲- تامین مخارج زندگی به عهده مرد است.
- ۵۳- زن اگر از نظر مالی تامین بشود باید در خانه بماند و به بچه ها و همسرش برسد.
- ۵۴- مردها در کارهای اجتماعی و شغل های مختلف موفق تر هستند.
- ۵۵- مردها دوست دارند همسرشان کار کند.
- ۵۶- زنهايي که کار میکنند در فعالیتهای اجتماعی بیشتر شرکت میکنند.
- ۵۷- زن ها همیشه در خانه کاری برای انجام دادن دارند.
- ۵۸- کار خانه کسالت آور و خسته کننده است.
- بیشتر کشور رطبی به حضور و مشارکت زن ها ندارد.
- مردم برای زن شاغل احترام بیشتری قائل هستند.
- زن شاغل باید به کار و شغل خودش توجه بیشتر کند.
- زن شاغل می تواند بچه های زیادی داشته باشد.
- زن و مرد هر دو باید در تامین مخارج تلاش نمایند.
- زنها در هر شرایطی می توانند به کارشان ادامه دهند.
- زن و مرد هر دو می توانند در کارشان موفق بوده و پیشرفت کنند.
- مردها دوست ندارند همسرشان کار کند.
- زنهای خانه دار در فعالیتهای اجتماعی بیشتر شرکت میکنند.
- با اختراع وسایل جدید کار زن ها در خانه کم شده است.
- کار خانه بهترین کار است و هیچ وقت انسان را خسته نمی کند.

فصلنامه علمی و پژوهشی
 جمعیت و جمعیت‌شناسی، دوره ۱۷، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۵



۱۳۵۵

۱۳۶۵

۱۳۷۵

۱۳۸۵

۱۳۹۵

۱۴۰۵

به جمعیت فعال

به جمعیت فعال

به جمعیت فعال

به کل جمعیت

به کل جمعیت

به کل جمعیت

۶۵-۶۹

۶۰-۶۴

۵۵-۵۹

۵۰-۵۴

۴۵-۴۹

۴۰-۴۴

۳۵-۳۹

۳۰-۳۴

۲۵-۲۹

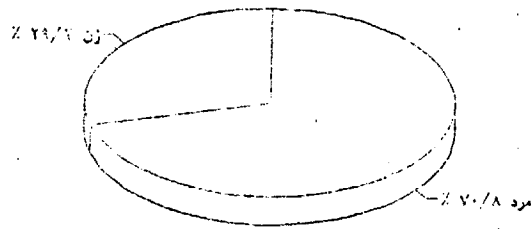
۲۰-۲۴

۱۵-۱۹

۱۰۰
۹۰
۸۰
۷۰
۶۰
۵۰
۴۰
۳۰
۲۰
۱۰
۰

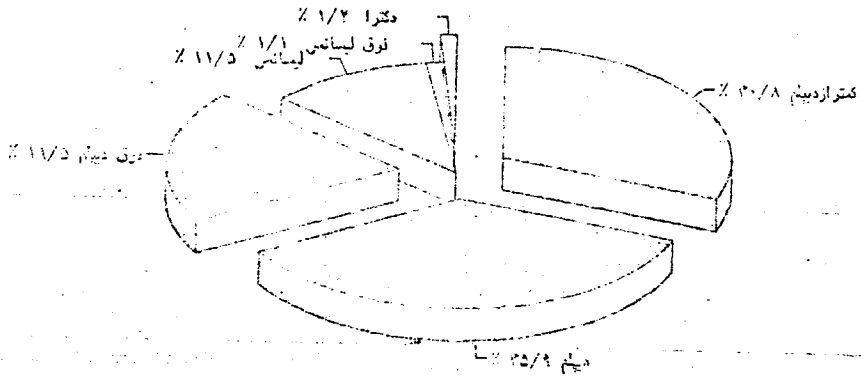
۴- آرزوی انسانی

۴-۳- آرزوی کارکنان دولت در وزارت بهداشت و سازمانهای دولتی و غیرمشمول
 قانون استخدام کشوری بر اساس جنس: ۱۳۷۶

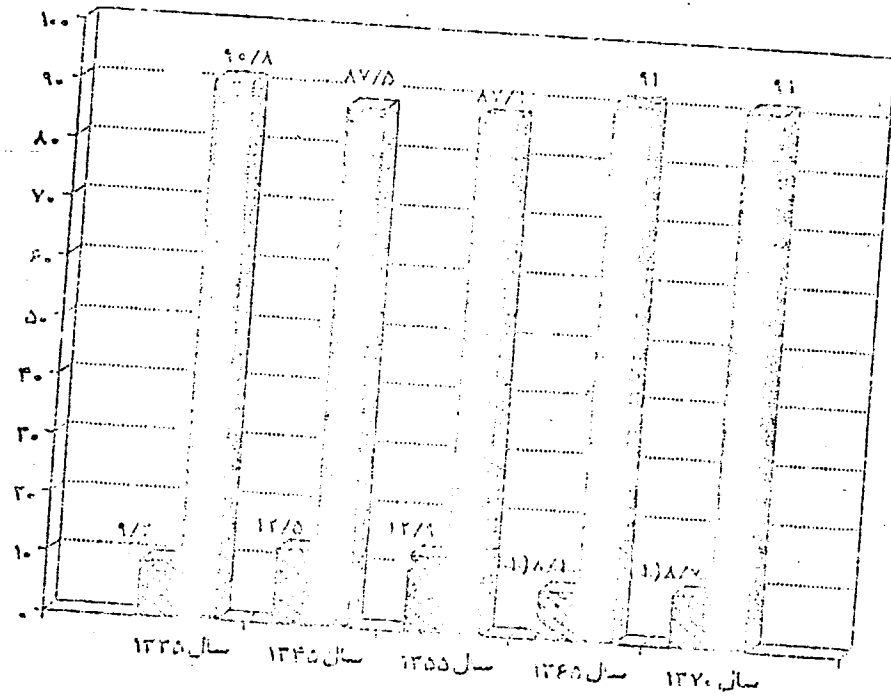


منبع: جدول ۱۵ - ۳ و ۲۲ - ۲

۵-۳- آرزوی کارکنان دولت در وزارت بهداشت و سازمانهای دولتی و غیرمشمول
 قانون استخدام کشوری بر اساس سطوح تحصیلی: ۱۳۷۶

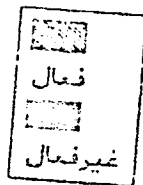


منبع: جدول ۱۷ - ۳ - ۲۲ - ۳

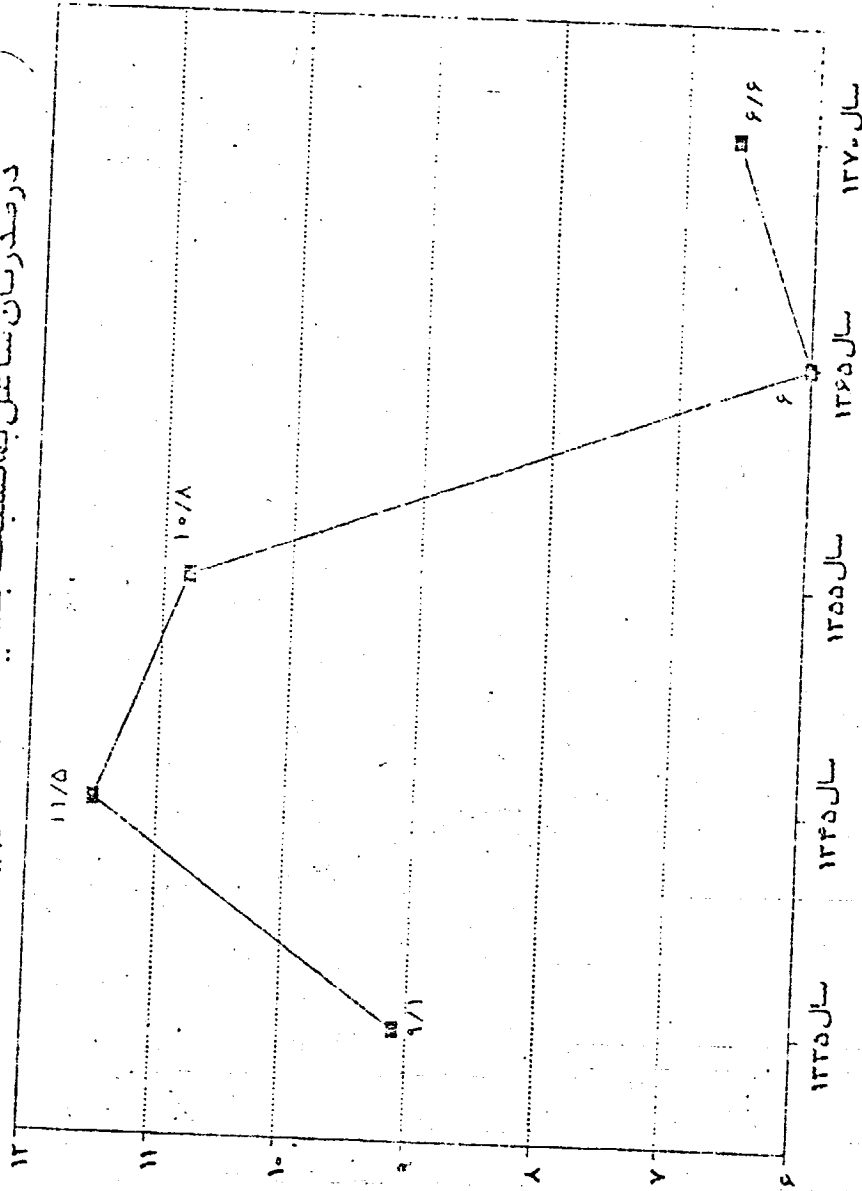


منبع: ستادگاه آماری مرکز آمار ایران سال ۱۳۷۱، ص ۶۶

شماره شمارده



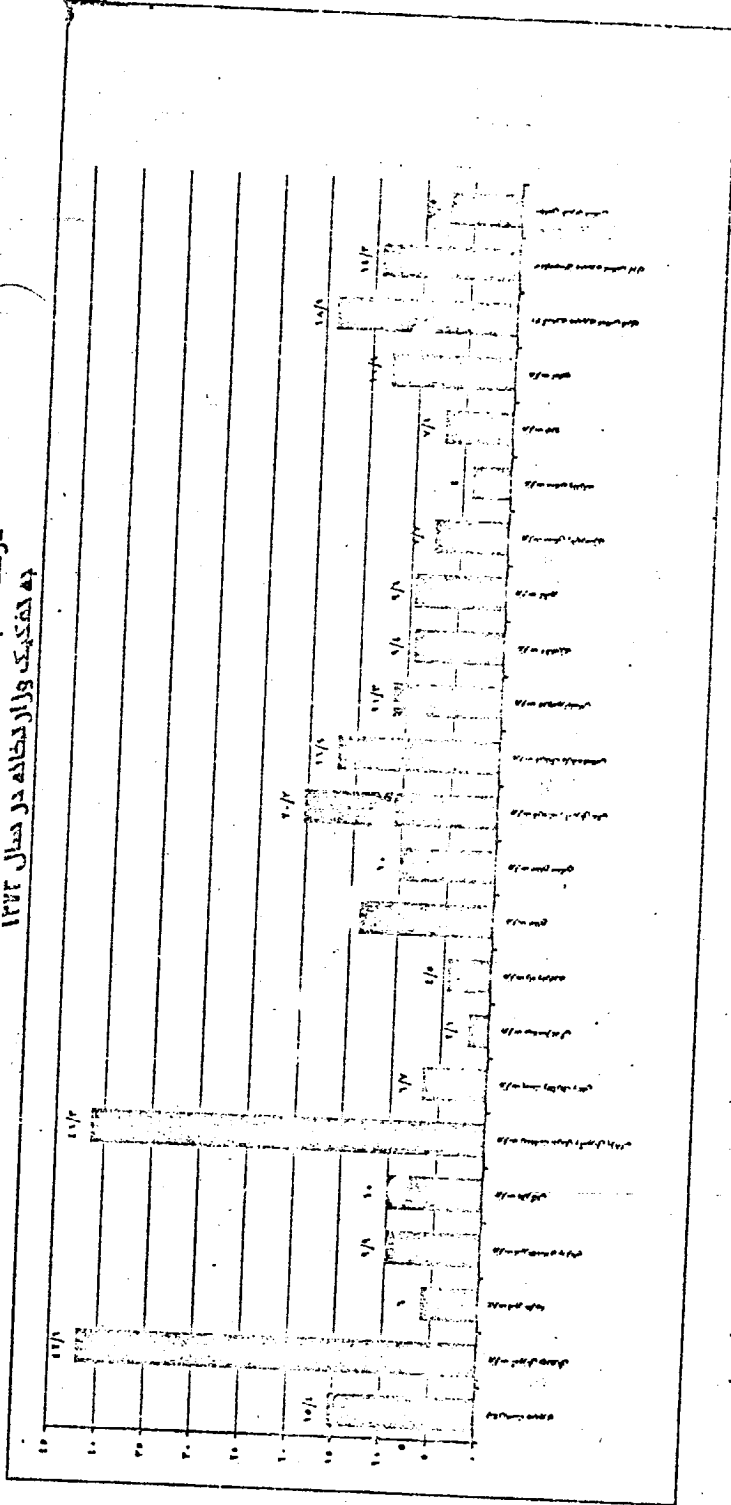
درصد زنان شاغل به نسبت جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر زنان



منبع: سالنامه آماری مرکز آمار ایران سال ۱۳۷۱، ص ۶۶

شماره انتشار ۳۰

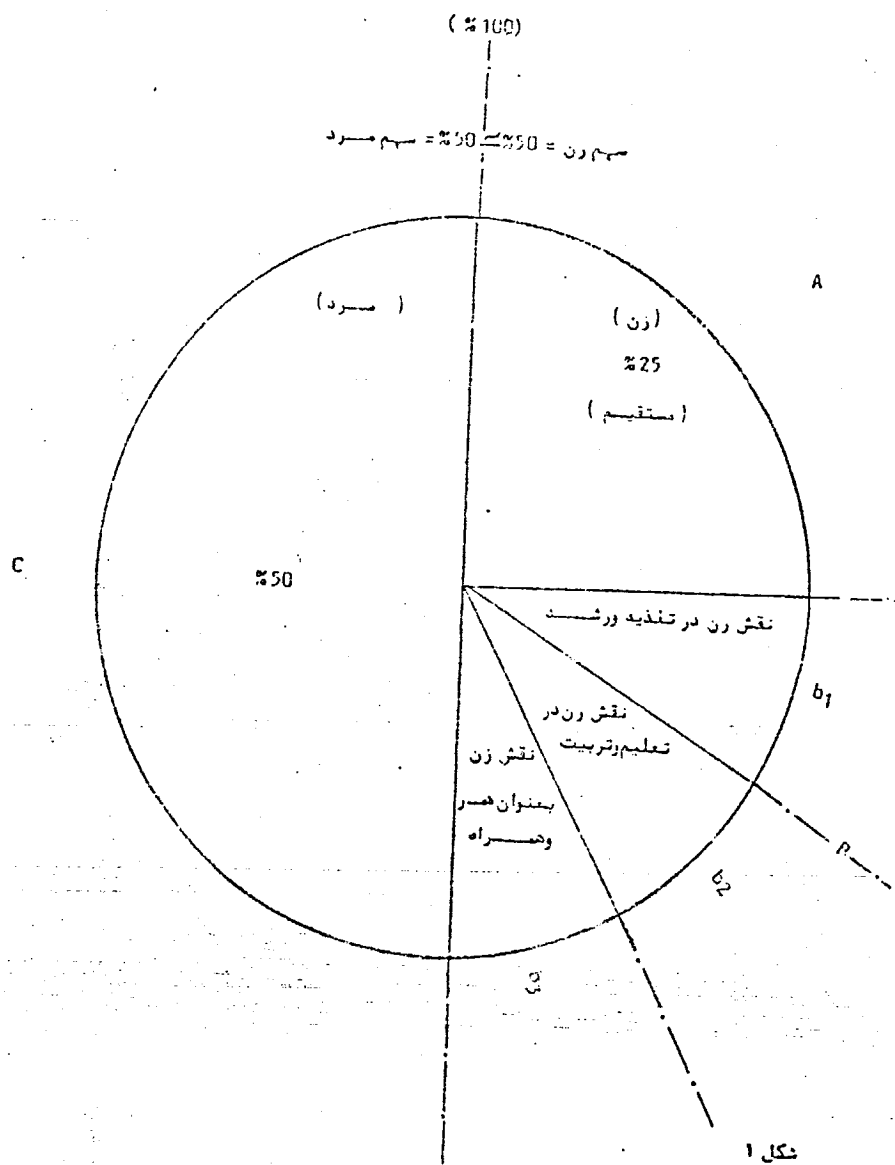
درصد بصیرت اشتغال زنان به کل مخاطبان
به تفکیک وزارت نظام در سال ۱۳۲۲



شماره و ضمیمه ۳

منبع : گزارش بررسی وضعیت اشتغال زنان ، دفتر آمار و برنامه ریزی ، نیروی انسانی ، نشریه شماره ۱۵۸ ، ص ۲۴

« سهم زن ، نصف علم و تکنولوژی »



دست آوردهای علمی ، تحقیقی ، تکنولوژیکی و توسعه در صنعت

جدول شماره ۱۹ - جمعیت شاغل و بیکار و زنان و مردان و جمعیت کل برای سال ۱۳۵۵.۶۵.۷۰

سرشماری ۱۳۷۰			سرشماری ۱۳۶۵			سرشماری ۱۳۵۵			گروه های مشغول
جمعیت شاغل	جمعیت	جمعیت شاغل	جمعیت	جمعیت شاغل	جمعیت	جمعیت شاغل	جمعیت		
۱۱۵۰۰۸۵	۱۴۸۷۵۱۷	۱۵۰۱۱۱۰۲	۹۰۲۷۶۹	۱۱۸۰۰۰۸	۱۲۱۸۲۷۰۸	۱۰۱۳۲۱۶	۱۲۲۹۹۷۲	۹۱۶۱۶۰۱	۲۰-۲۴
۱۷۰۵۹۸	۲۱۶۶۰۹	۱۷۶۰۲۱	۱۵۵۶۰۰	۲۲۹۹۲۷	۲۵۱۸۸۸	۲۲۱۵۱۷	۲۸۰۶۱۸	۱۷۸۱۲۶	۱۵-۱۶
۲۲۸۲۰	۲۲۹۹۱۲	۲۲۶۶۸۸	۱۵۵۶۰۰	۲۵۰۹۷۷	۲۶۰۰۰۶	۲۲۲۲۰	۲۵۸۸۰۲	۱۴۵۱۲۵	۱۰-۱۴
۱۱۲۶۵	۲۲۹۱۵۵	۱۹۹۷۵۵	۱۷۰۲۸۶	۱۰۲۰۲۵	۱۸۱۶۵۸	۱۵۲۵۲۷	۱۷۷۶۱۱	۱۱۰۱۲۰	۵-۹
۱۷۶۳۷	۱۹۲۶۹۰	۱۷۲۶۸۸	۱۵۰۸۲۶	۱۵۱۶۷۸	۱۳۶۶۰۸	۱۰۲۲۲۷	۱۲۲۱۸	۸۶۴۴۴	۱-۴
۱۴۶۰۶	۱۵۱۱۶۱	۱۴۰۴۳۱	۹۶۵۲۱	۱۰۱۵۸۱	۱۰۷۲۶۹۸	۸۱۶۲۷	۱۰۲۱۶۹	۸۰۱۲۷۹	۲۵-۳۹
۸۵۶۲	۸۸۸۲۴	۱۰۱۰۰۱۸	۶۰۸۱۸	۶۶۰۱۲	۸۱۱۶۶۱	۷۰۲۸۵	۹۰۶۶۲	۷۲۶۸۸	۳۰-۳۴
۵۱۱۰۶	۵۲۲۰۲	۷۷۹۶۴	۴۴۸۲۷	۶۶۶۰۵	۷۶۶۱۲۲	۵۵۸۶۵	۶۶۵۵۶	۶۲۸۶۹	۳۵-۳۹
۲۴۶۴۲	۳۷۱۲۹	۲۶۹۰۲۲	۲۷۶۶۲	۳۰۶۱۵	۳۷۷۱۷۸	۲۶۶۱۵	۵۸۱۰۶	۵۱۷۲۷۶	۴۰-۴۴
۲۴۲۰	۲۶۸۴۴	۶۴۹۶۶	۲۷۰۲۲	۳۰۱۱۶	۶۱۱۲۱۸	۱۹۶۵۰	۲۴۸۵۷	۳۰۷۱۸۲	۴۵-۴۹
۱۷۸۲۷	۲۱۲۴۲	۵۸۰۰۷۲	۱۹۲۷۶	۲۶۶۱۱	۵۴۷۶۶۸	۱۵۴۶۱	۱۸۷۱۱	۲۸۲۶۶۷	۵۰-۵۴
۱۸۲۶۴	۲۸۴۴۱	۸۱۲۴۴۰	۱۳۹۷۵	۲۰۵۲۹	۷۲۸۸۰۲	۳۰۸۷۸	۲۵۲۰۶	۵۶۲۰۸۲	۵۵-۵۹
۶۲۷	۸۹۷	۱۹۵۷۲	۲۹۵	۶۲۰	۹۷۱۰	-	-	-	۶۰-۶۴

مجموع کل جمعیت شاغل و بیکار ۱۲۷۰۰۰۰۰

جدول شماره ۲۰ - درصد جمعیت شانزدهین زن، ۱۵ ساله و بیشتر به کل جمعیت و جمعیت فعال در سرشماری ۱۳۷۰ و ۱۳۶۵

گروههای سنی	سرشماری ۱۳۶۵		سرشماری ۱۳۵۵		درصد جمعیت فعال
	درصد جمعیت شامل	درصد جمعیت شاغل	درصد جمعیت شامل	درصد جمعیت شاغل	
جمع	۷/۷	۷۶	۶/۸	۸۳	۱۱/۱
۱۵-۱۹ ساله	۵	۵۲	۴	۸۳	۱۳
۲۰-۲۴	۹	۶۱	۷	۸۵	۱۵
۲۵-۲۹	۹/۶	۸۴	۹	۸۶/۲	۱۳/۹
۳۰-۳۴	۱۰	۹۳/۴	۱۰	۸۶/۴	۱۰/۷
۳۵-۳۹	۱۰/۴	۹۵	۹	۸۰	۱۰/۲
۴۰-۴۴	۸/۴	۹۵	۷/۴	۷۷	۹
۴۵-۴۹	۶/۵	۹۴	۶	۷۷	۸
۵۰-۵۴	۴/۶	۹۲	۵	۷۷	۷
۵۵-۵۹	۳	۸۹	۴	۷۷/۳	۶
۶۰-۶۴	۳	۸۵	۳	۸۱	۵
۶۵ ساله و بیشتر	۲	۶۷	۲	۸۲	۳
سن اظهار نشده	۳	۶	۴	-	-

مقدار درصد زنان شاغل در هر گروه

مقدار	منطقه
۳۴	شهر و روستا
۲۹	شهر و روستا
۴۲	شهر و روستا
۳۴	روستا
۱۸	شهر

۲-۲ - جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر برحسب جنس، گروه‌های سنی و وضع زناشویی

شرح	جمع کل	مرد				
		جمع	دارای همسر	بی همسر بی اثر بی اثر بی اثر	بی همسر بی اثر بی اثر بی اثر	اطینار ازدواج شکرده شکرده
مهر ۱۳۴۵	۲۲۸۷۰۳۴۲	۱۶۸۲۹۲۸۸	۹۱۷۹۱۱	۲۱۸۲۰۱	۶۱۴۷۲	۲۶۸۸۴۲
مهر ۱۳۴۶	۳۸۶۵۵۰۴۹	۱۹۹۹۷۷۷۴	۱۰۲۲۲۸۱	۲۷۲۵۰۹	۵۰۲۱۲	۱۲۴۶۹۷
آبان ۱۳۴۵	۲۵۴۰۱۰۸۲	۲۲۰۲۱۷۲۷	۱۱۸۲۲۴۲۶	۲۳۳۲۰۶	۵۵۹۷۷	۶۶۱۰۸
ساکن در نقاط شهری	۲۸۵۰۴۰۳۲	۱۴۵۶۰۷۸۸	۷۵۲۲۸۸۲	۱۲۹۶۸۸	۲۱۲۷۹	۲۱۸۹۵
۱۰-۱۲ ساله	۵۵۱۹۲۳۹	۳۸۱۵۷۲۹	۸۸۴۲	۱۲۳۲	۱۲۳۲	۱۲۳
۱۳-۱۹ ساله	۲۲۱۲۲۰۱	۲۱۹۲۵۸	۲۱۶۷۹	۱۰۹۲	۱۲۱۷	۱۸۰۰۰
۲۰-۲۴ ساله	۲۱۵۲۵۸۸	۱۵۵۲۵۷۱	۲۵۴۳۲۶	۱۵۲۲	۲۱۰۰	۸۷۵۱
۲۵-۲۹ ساله	۳۰۵۸۷۵۶	۱۵۷۲۳۹۵	۱۰۵۰۳۲۶	۲۲۳۲	۲۷۷۲	۲۵۵۲
۳۰-۳۴ ساله	۲۷۰۹۲۷۹	۱۲۷۰۲۲۷	۱۲۲۲۱۲۵	۲۷۹۸	۵۸۳۷	۱۳۴۲
۳۵-۳۹ ساله	۲۴۲۲۲۴۲	۱۲۵۲۳۹۹	۱۱۹۷۲۲۶	۲۷۰۴	۶۱۰۵	۱۳۲۷
۴۰-۴۴ ساله	۱۹۰۷۱۱۲	۹۷۲۶	۹۷۰۴۹۲	۲۵۶۰	۲۱۰۵	۹۲۲
۴۵-۴۹ ساله	۱۲۲۶۰۳۶	۲۷۱۰۸۱	۶۶۰۵۸۶	۵۰۳۰	۲۵۸۱	۶۸۷
۵۰-۵۴ ساله	۹۷۸۲۱۳	۵۰۸۸۹۸	۲۹۲۸۲۷	۶۲۲۷	۲۰۰۴	۷۶۰
۵۵-۵۹ ساله	۸۳۰۲۰۱	۲۳۰۳۵۲	۸۶۸۲	۸۶۸۲	۲۰۵۷	۵۵۸
۶۰-۶۴ ساله	۷۸۳۵۱۱	۲۱۶۰۴۰	۲۰۴۲۸۲	۱۴۵۲۴	۲۱۳۳	۶۹۱
۶۵ ساله و بیشتر	۱۴۷۰۷۰۰	۷۵۵۲۵۷	۶۶۲۲۲	۷۷۷۱۹	۲۲۶۱	۲۴۸۲
نامشخص	۲۰۶۰۴	۱۲۱۴۴	۵۶۱	۲۲۲	۵۲	۱۱۸۹
ساکن در نقاط روستایی	۲۶۷۳۵۹۶	۸۳۰۰۰۷۰	۲۲۷۱۷۶۷	۱۰۲۸۷۱	۱۲۰۹۷	۲۳۰۴۱
۱۰-۱۲ ساله	۳۵۲۳۵۰۶	۱۷۹۲۱۶۲	۷۷۴۲	۹۹۹	۷۲۷	۸۱
۱۳-۱۹ ساله	۲۷۷۶۷۹۱	۱۲۷۵۲۱۶	۲۶۶۲۵	۵۰۱۶	۷۸۲	۱۱۹۷۰
۲۰-۲۴ ساله	۲۰۴۹۲۷۰	۱۰۰۵۵۳۶	۳۲۲۶۱۸	۱۲۷۸	۱۴۰۲	۵۶۲۲
۲۵-۲۹ ساله	۱۶۳۶۳۲۰	۸۱۶۲۹۷	۱۶۵۱۸۵۲	۱۵۰۰	۲۰۶۲	۱۹۱۷
۳۰-۳۴ ساله	۱۲۶۰۶۷۰	۶۲۸۴۵۱	۵۹۷۱۹۹	۱۵۸۶	۱۷۳۱	۷۲۰
۳۵-۳۹ ساله	۱۱۲۸۹۴۶	۵۵۹۲۵۲	۵۴۵۷۶۸	۲۰۸۵	۱۷۲۶	۲۸۹
۴۰-۴۴ ساله	۸۹۶۸۲۷	۲۲۷۲۹۵	۲۱۸۳۸۱	۲۵۹۱	۲۰۸۰	۳۵۹
۴۵-۴۹ ساله	۶۸۰۷۰۱	۳۰۸۱۰۳	۲۰۱۲۱۱	۲۱۱۲	۷۳۷	۲۷۴
۵۰-۵۴ ساله	۵۴۵۶۱۶	۲۵۷۱۹۱	۲۵۰۲۸۴	۳۸۸۸	۶۵۲	۲۷۶
۵۵-۵۹ ساله	۵۲۳۰۷۰	۲۷۱۲۰۹	۲۶۲۴۷۲	۶۰۳۱	۶۴۲	۲۲۹
۶۰-۶۴ ساله	۵۹۳۹۲۵	۲۲۲۱۱۵	۲۰۸۵۲۷	۱۲۱۵۲	۹۷۲	۲۹۲
۶۵ ساله و بیشتر	۱۱۱۶۷۲۷	۶۲۲۱۵۲	۵۲۸۲۸۷	۶۶۶۰۸	۲۲۹۷	۱۴۸۲
نامشخص	۲۱۹۷	۱۵۹۱	۲۸۸	۲۲	۳	۱۵۷
غیرساکن	۱۲۴۴۵۲	۷۰۸۸۹	۲۶۹۷۷	۷۷۷	۱۰۱	۱۷۲

۲-۲ - جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر بر حسب جنس، گروههای سنی و وضع زناشویی (در تباله)

زن						شرح
اطبار نشد	هرگز ازدواج نکرده	بی همسر بر اثر طلاق	بی همسر بر اثر فوت همسر	داران همسر	جمع	
۲۰۱۶۸۱	۵۱۲۷۷۲۹	۱۰۰۱۱۷	۱۱۲۳۰۸*	۳۳۷۲۵۹	۱۶۰۳۰۱۷۱	میر ۱۳۶۵
۲۰۲۰۳۲	۶۸۲۳۳۶۲	۸۲۰۱۴	۱۱۰۷۲۷۵	۱۰۰۳۲۷۲۱	۱۸۶۵۷۷۷۵	میر ۱۳۷۰
۱۶۴۰۲۵	۸۸۴۸۶۶۸	۱۱۰۸۵۰	۱۲۳۴۶۲۲	۱۱۱۱۱۱۱۱	۲۲۳۷۱۳۳۶	آبان ۱۳۷۵
۱۰۰۰۰۶۱	۵۲۳۴۶۶۱	۸۲۲۲۲	۸۲۶۴۲	۷۵۲۱۵۵۰	۱۲۱۳۳۳۳۵	ساکن در نقاط شهری
۵۱۱۳۲	۲۲۳۳۳۳۳	۱۲۳۳	۱۳۰۳	۲۳۵۰۶	۲۷۰۳۵۰۶	۱۴-۱۴ ساله
۱۷۶۶۲	۱۷۵۵۷۶۲	۲۳۹۸	۱۸۷۲	۲۲۸۶۲۷	۲۱۲۰۱۳۷	۱۵-۱۹ ساله
۸۱۸۵	۶۲۰۳۷۲	۶۳۲۲	۳۰۵۵	۱۶۲۱۷۰	۱۶۰۲۰۱۷	۲۰-۲۴ ساله
۳۸۱۰	۲۰۱۷۲۹	۱۰۰۰۳	۱۹۶۰	۱۲۸۲۳۲۷	۱۵۱۶۰۷۱	۲۵-۲۹ ساله
۱۹۵۷	۸۲۷۱۲	۱۱۳۳۶	۱۱۳۳۶	۱۲۱۳۳۸۱	۱۲۳۳۱	۳۰-۳۲ ساله
۱۳۲۲	۲۱۲۹۷	۱۱۷۱۷	۱۲۱۳۰	۱۰۰۲۲۲۴	۱۱۷۹۷۶۲	۳۵-۳۹ ساله
۱۱۸۰	۲۰۰۲۰	۱۶۱۶	۳۵۱۳۶	۸۲۱۰۶	۹۰۷۷۷۲	۴۰-۴۴ ساله
۱۳۳۵	۱۰۵۸۵	۷۳۳۲	۵۲۳۳۶	۵۷۷۲۶	۶۳۶۹۵۵	۴۵-۴۹ ساله
۱۰۸۰	۵۸۳۵	۵۵۱۶	۶۴۳۵۶	۳۱۲۵۵۸	۳۶۹۲۲۲	۵۰-۵۴ ساله
۱۴۰۲	۳۸۵۲	۲۶۱۲	۸۰۷۹۹	۳۰۳۰۲	۳۸۶۲۳۸	۵۵-۵۹ ساله
۳۰۵۸	۲۶۳۸	۳۰۹۶	۱۱۱۹۷۷	۱۰۱۷۰۳	۳۵۷۲۷۱	۶۰-۶۴ ساله
۸۳۵۷	۸۲۱۲	۷۸۱۲	۳۰۳۶۵۱	۳۸۱۶۱۰	۷۱۵۳۳۳	۶۵ ساله و بیشتر
۷۷۷	۲۱۹۰	۷۱	۷۰۱	۳۷۲۱	۸۴۶۰	نامشخص
۶۳۵۲	۲۳۲۱۹۰	۲۸۶۸۸	۵۰۴۰۷۲	۴۳۳۲۵۳	۸۲۶۲۵۲۶	ساکن در نقاط روستایی
۳۰۱۶۵	۱۶۸۲۲۸۶	۷۷۴	۱۲۲	۲۳۰۹۴	۱۷۳۵۳۴۴	۱۴-۱۴ ساله
۱۲۷۴۲	۱۱۰۸۴۱۹	۱۷۲۰	۱۸۶۷	۱۷۶۷۲۶	۱۳۰۱۲۷۵	۱۵-۱۹ ساله
۷۰۱۰	۲۱۱۹۲۲	۳۷۱۰	۳۷۶۸	۶۱۰۰۵۲	۱۰۰۲۲۷۲۴	۲۰-۲۴ ساله
۳۰۷۷	۱۲۶۶۷	۳۳۸۱	۶۸۳۷	۶۷۰۹۷۱	۸۲۰۰۲۲	۲۵-۲۹ ساله
۱۲۵۵	۲۲۱۱۲	۳۷۱۷	۱۰۱۷۲	۵۷۲۸۸۳	۶۲۲۰۱۱	۳۰-۳۴ ساله
۸۲۸	۱۵۶۶۷	۳۰۵۹	۱۷۷۶۶	۵۲۲۱۵۲	۵۶۹۶۳۲	۳۵-۳۹ ساله
۶۵۲	۶۳۶۷	۲۲۲۲	۳۵۵۰۶	۳۳۶۹۸۲	۲۶۹۴۵۳	۴۰-۴۴ ساله
۵۴۶	۳۰۸۲	۱۶۸۲	۳۰۸۹۸	۳۳۳۳۱۰	۳۷۲۵۱۸	۴۵-۴۹ ساله
۶۱۲	۱۹۵۷	۱۲۱۲	۳۶۱۹۰	۲۴۸۲۵۶	۲۸۸۴۲۵	۵۰-۵۴ ساله
۷۲۹	۱۶۰۹	۱۲۴۰	۳۵۷۵۶	۲۱۱۳۱۷	۲۶۰۷۶۱	۵۵-۵۹ ساله
۱۲۰۳	۱۷۳۳	۱۲۵۶	۷۲۳۳۷	۱۳۲۱۷۰	۲۶۹۸۱۰	۶۰-۶۴ ساله
۳۵۲۲	۲۱۹۸	۲۱۰۸	۲۵۰۸۲۶	۲۲۲۰۷۱	۲۱۲۵۸۵	۶۵ ساله و بیشتر
۱۵	۱۳۵	۵	۷۵	۲۷۶	۶۰۶	نامشخص
۲۲۲	۲۱۹۹۷	۱۴۰	۲۶۰۶	۲۲۳۸۸	۷۲۵۳۵	غیر ساکن

۱ - بر اساس آمار نمونه است.
 ناخذ - مرکز آمار ایران (د.ب.)

قسمت ۵- میزانهای عمده جمعیتی

۲۵-۲- میانگین سنی جمعیت بر حسب جنس در نقاط شهری و روستایی

سال	کل کشور						نقاط شهری		نقاط روستایی	
	جمع		مرد		زن		مرد		زن	
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
آبان ۱۳۴۵ (۱)	۲۲/۴	۲۲/۰	۲۲/۶	۲۲/۲	۲۲/۲	۲۲/۲	۲۲/۲	۲۲/۲	۲۲/۲	۲۲/۲
آبان ۱۳۵۵	۲۲/۶	۲۲/۲	۲۲/۰	۲۲/۲	۲۲/۸	۲۲/۲	۲۲/۲	۲۲/۲	۲۲/۲	۲۲/۲
مهر ۱۳۶۵	۲۲/۷	۲۱/۹	۲۱/۶	۲۱/۲	۲۱/۱	۲۱/۲	۲۱/۲	۲۱/۲	۲۱/۲	۲۱/۲
مهر ۱۳۷۰	۲۲/۱	۲۲/۴	۲۱/۶	۲۱/۲	۲۱/۲	۲۱/۲	۲۱/۲	۲۱/۲	۲۱/۲	۲۱/۲
آبان ۱۳۷۵	۲۴/۰	۲۳/۲	۲۳/۱	۲۳/۷	۲۳/۲	۲۳/۲	۲۳/۲	۲۳/۲	۲۳/۲	۲۳/۲

۱- نقطه شامل جمعیت ساکن است.

مآخذ - مرکز آمار ایران (ز. پ.).

۲۶-۲- میانگین سنی جمعیت بر حسب جنس در نقاط شهری و روستایی

سال	کل کشور						نقاط شهری		نقاط روستایی	
	جمع		مرد		زن		مرد		زن	
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
آبان ۱۳۴۵ (۱)	۱۶/۸	۱۶/۱	۱۶/۸	۱۶/۱	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸	۱۶/۸
آبان ۱۳۵۵	۱۷/۱	۱۷/۲	۱۷/۱	۱۷/۲	۱۷/۱	۱۷/۱	۱۷/۱	۱۷/۱	۱۷/۱	۱۷/۱
مهر ۱۳۶۵	۱۷/۰	۱۷/۰	۱۷/۰	۱۷/۰	۱۷/۰	۱۷/۰	۱۷/۰	۱۷/۰	۱۷/۰	۱۷/۰
مهر ۱۳۷۰	۱۷/۲	۱۷/۲	۱۷/۲	۱۷/۲	۱۷/۲	۱۷/۲	۱۷/۲	۱۷/۲	۱۷/۲	۱۷/۲
آبان ۱۳۷۵	۱۹/۲	۱۹/۲	۱۹/۲	۱۹/۲	۱۹/۲	۱۹/۲	۱۹/۲	۱۹/۲	۱۹/۲	۱۹/۲

۱- نقطه شامل جمعیت ساکن است.

مآخذ - مرکز آمار ایران (ز. پ.).

۲۷-۲- میانگین سن در اولین ازدواج بر حسب جنس در نقاط شهری و روستایی^{۱)}

سال	کل کشور						نقاط شهری		نقاط روستایی			
	مرد		زن		مرد		زن		مرد		زن	
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
آبان ۱۳۴۵	۲۵/۰	۱۸/۲	۲۵/۶	۱۹/۰	۲۴/۴	۲۴/۴	۲۴/۴	۲۴/۴	۲۴/۴	۲۴/۴	۲۴/۴	
آبان ۱۳۵۵	۲۲/۱	۱۹/۷	۲۵/۱	۲۰/۲	۲۲/۷	۲۲/۷	۲۲/۷	۲۲/۷	۲۲/۷	۲۲/۷	۲۲/۷	
مهر ۱۳۶۵	۲۳/۶	۱۹/۱	۲۳/۲	۲۰/۰	۲۳/۶	۲۳/۶	۲۳/۶	۲۳/۶	۲۳/۶	۲۳/۶	۲۳/۶	
مهر ۱۳۷۰	۲۴/۶	۲۰/۹	۲۴/۹	۲۱/۰	۲۳/۵	۲۳/۵	۲۳/۵	۲۳/۵	۲۳/۵	۲۳/۵	۲۳/۵	
آبان ۱۳۷۵	۲۵/۶	۲۲/۲	۲۶/۲	۲۲/۵	۲۴/۵	۲۴/۵	۲۴/۵	۲۴/۵	۲۴/۵	۲۴/۵	۲۴/۵	

۱- میانگین سن در اولین ازدواج با روش های نشان محاسبه شده است.

مآخذ - مرکز آمار ایران (ز. پ.).
- مدیریت آمارهای اجتماعی و اقتصادی خانواده - مرکز آمار ایران.

۲- تیر و آبان

۳-۱- جمعیت آسان و سایر طرح‌های جوانی و جوانی در نقاط ایران و روستایی (هزار نفر)

شرح	جمعیت آسان از نظر اقتصادی		جمعیت غیرفعال از نظر اقتصادی				جمعیت آسان و غیرفعال	جمعیت	شرح
	جمع	شامل	بی‌کار (جویای کار)	سرخ	محل	خارج از محل			
کل کشور:									
مردوزن									
آبان ۱۳۳۵	۱۲۷۸۲	۶۰۶۲	۱۵۹	۵۲۰۸	۱۵۹	۶۰۶۲	۱۲۷۸۲	۱۲۷۸۲	آبان ۱۳۳۵
آبان ۱۳۳۴	۱۲۰۰۰	۷۸۲۲	۲۲۶	۷۱۱۶	۲۲۶	۷۸۲۲	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰۰	آبان ۱۳۳۴
آبان ۱۳۳۳	۱۳۰۰۰	۹۷۶۶	۹۹۷	۸۷۶۹	۹۹۷	۹۷۶۶	۱۳۰۰۰	۱۳۰۰۰	آبان ۱۳۳۳
مهر ۱۳۳۵ (۲)	۱۳۳۸۲	۱۲۸۲۰	۱۸۱۹	۱۱۰۰۲	۱۸۱۹	۱۲۸۲۰	۱۳۳۸۲	۱۳۳۸۲	مهر ۱۳۳۵ (۲)
مهر ۱۳۳۴ (۲)	۱۳۳۸۲	۱۲۷۳۲	۱۴۷۰	۱۲۰۹۷	۱۴۷۰	۱۲۷۳۲	۱۳۳۸۲	۱۳۳۸۲	مهر ۱۳۳۴ (۲)
آبان ۱۳۳۵ (۲)	۱۳۳۸۲	۱۲۷۳۲	۱۴۷۰	۱۲۰۹۷	۱۴۷۰	۱۲۷۳۲	۱۳۳۸۲	۱۳۳۸۲	آبان ۱۳۳۵ (۲)
مرد									
آبان ۱۳۳۵	۶۴۲۱	۵۲۹۱	۱۵۷	۵۲۲۴	۱۵۷	۵۲۹۱	۶۴۲۱	۶۴۲۱	آبان ۱۳۳۵
آبان ۱۳۳۴	۸۷۶۹	۶۸۰۸	۶۶۶	۶۱۷۲	۶۶۶	۶۸۰۸	۸۷۶۹	۸۷۶۹	آبان ۱۳۳۴
آبان ۱۳۳۳	۱۱۷۶۹	۸۳۷۷	۷۶۰	۷۵۸۷	۷۶۰	۸۳۷۷	۱۱۷۶۹	۱۱۷۶۹	آبان ۱۳۳۳
مهر ۱۳۳۵ (۲)	۱۳۳۸۲	۱۲۸۲۰	۱۸۱۹	۱۱۰۰۲	۱۸۱۹	۱۲۸۲۰	۱۳۳۸۲	۱۳۳۸۲	مهر ۱۳۳۵ (۲)
مهر ۱۳۳۴ (۲)	۱۳۳۸۲	۱۲۷۳۲	۱۴۷۰	۱۲۰۹۷	۱۴۷۰	۱۲۷۳۲	۱۳۳۸۲	۱۳۳۸۲	مهر ۱۳۳۴ (۲)
آبان ۱۳۳۵ (۲)	۱۳۳۸۲	۱۲۷۳۲	۱۴۷۰	۱۲۰۹۷	۱۴۷۰	۱۲۷۳۲	۱۳۳۸۲	۱۳۳۸۲	آبان ۱۳۳۵ (۲)
زن									
آبان ۱۳۳۵	۶۴۲۱	۵۲۹۱	۲	۵۲۲۴	۲	۵۲۹۱	۶۴۲۱	۶۴۲۱	آبان ۱۳۳۵
آبان ۱۳۳۴	۸۷۶۹	۶۸۰۸	۹۰	۶۷۷۸	۹۰	۶۸۰۸	۸۷۶۹	۸۷۶۹	آبان ۱۳۳۴
آبان ۱۳۳۳	۱۱۷۶۹	۸۳۷۷	۲۲۷	۸۱۵۰	۲۲۷	۸۳۷۷	۱۱۷۶۹	۱۱۷۶۹	آبان ۱۳۳۳
مهر ۱۳۳۵ (۲)	۱۳۳۸۲	۱۲۸۲۰	۲۲۷	۱۱۰۰۲	۲۲۷	۱۲۸۲۰	۱۳۳۸۲	۱۳۳۸۲	مهر ۱۳۳۵ (۲)
مهر ۱۳۳۴ (۲)	۱۳۳۸۲	۱۲۷۳۲	۲۲۷	۱۱۰۰۲	۲۲۷	۱۲۷۳۲	۱۳۳۸۲	۱۳۳۸۲	مهر ۱۳۳۴ (۲)
آبان ۱۳۳۵ (۲)	۱۳۳۸۲	۱۲۷۳۲	۲۲۷	۱۱۰۰۲	۲۲۷	۱۲۷۳۲	۱۳۳۸۲	۱۳۳۸۲	آبان ۱۳۳۵ (۲)
نقاط شهری:									
مردوزن									
آبان ۱۳۳۵	۲۱۸۷	۱۸۹۲	۸۶	۱۸۰۷	۸۶	۱۸۹۲	۲۱۸۷	۲۱۸۷	آبان ۱۳۳۵
آبان ۱۳۳۴	۶۷۶۶	۲۷۶۸	۱۵۸	۲۶۱۰	۱۵۸	۲۷۶۸	۶۷۶۶	۶۷۶۶	آبان ۱۳۳۴
آبان ۱۳۳۳	۱۱۳۳۸	۴۲۲۶	۲۱۲	۴۱۱۴	۲۱۲	۴۲۲۶	۱۱۳۳۸	۱۱۳۳۸	آبان ۱۳۳۳
مهر ۱۳۳۵ (۲)	۱۳۳۸۲	۱۲۸۲۰	۱۰۷۲	۵۹۵۲	۱۰۷۲	۱۲۸۲۰	۱۳۳۸۲	۱۳۳۸۲	مهر ۱۳۳۵ (۲)
مهر ۱۳۳۴ (۲)	۱۳۳۸۲	۱۲۷۳۲	۸۸۰	۱۲۰۹۷	۸۸۰	۱۲۷۳۲	۱۳۳۸۲	۱۳۳۸۲	مهر ۱۳۳۴ (۲)
آبان ۱۳۳۵ (۲)	۱۳۳۸۲	۱۲۷۳۲	۸۸۰	۱۲۰۹۷	۸۸۰	۱۲۷۳۲	۱۳۳۸۲	۱۳۳۸۲	آبان ۱۳۳۵ (۲)
مرد									
آبان ۱۳۳۵	۲۱۸۷	۱۷۰۶	۸۶	۱۶۲۱	۸۶	۱۷۰۶	۲۱۸۷	۲۱۸۷	آبان ۱۳۳۵
آبان ۱۳۳۴	۶۷۶۶	۲۷۶۸	۱۵۸	۲۶۱۰	۱۵۸	۲۷۶۸	۶۷۶۶	۶۷۶۶	آبان ۱۳۳۴
آبان ۱۳۳۳	۱۱۳۳۸	۴۲۲۶	۲۱۲	۴۱۱۴	۲۱۲	۴۲۲۶	۱۱۳۳۸	۱۱۳۳۸	آبان ۱۳۳۳
مهر ۱۳۳۵ (۲)	۱۳۳۸۲	۱۲۸۲۰	۱۰۷۲	۵۹۵۲	۱۰۷۲	۱۲۸۲۰	۱۳۳۸۲	۱۳۳۸۲	مهر ۱۳۳۵ (۲)
مهر ۱۳۳۴ (۲)	۱۳۳۸۲	۱۲۷۳۲	۸۸۰	۱۲۰۹۷	۸۸۰	۱۲۷۳۲	۱۳۳۸۲	۱۳۳۸۲	مهر ۱۳۳۴ (۲)
آبان ۱۳۳۵ (۲)	۱۳۳۸۲	۱۲۷۳۲	۸۸۰	۱۲۰۹۷	۸۸۰	۱۲۷۳۲	۱۳۳۸۲	۱۳۳۸۲	آبان ۱۳۳۵ (۲)
زن									
آبان ۱۳۳۵	۲۱۸۷	۱۷۰۶	۱	۱۶۲۱	۱	۱۷۰۶	۲۱۸۷	۲۱۸۷	آبان ۱۳۳۵
آبان ۱۳۳۴	۶۷۶۹	۲۷۶۸	۱۲	۲۶۰۷	۱۲	۲۷۶۸	۶۷۶۹	۶۷۶۹	آبان ۱۳۳۴
آبان ۱۳۳۳	۱۱۳۳۸	۴۲۲۶	۲۱۲	۴۱۱۴	۲۱۲	۴۲۲۶	۱۱۳۳۸	۱۱۳۳۸	آبان ۱۳۳۳
مهر ۱۳۳۵ (۲)	۱۳۳۸۲	۱۲۸۲۰	۱۰۷۲	۵۹۵۲	۱۰۷۲	۱۲۸۲۰	۱۳۳۸۲	۱۳۳۸۲	مهر ۱۳۳۵ (۲)
مهر ۱۳۳۴ (۲)	۱۳۳۸۲	۱۲۷۳۲	۸۸۰	۱۲۰۹۷	۸۸۰	۱۲۷۳۲	۱۳۳۸۲	۱۳۳۸۲	مهر ۱۳۳۴ (۲)
آبان ۱۳۳۵ (۲)	۱۳۳۸۲	۱۲۷۳۲	۸۸۰	۱۲۰۹۷	۸۸۰	۱۲۷۳۲	۱۳۳۸۲	۱۳۳۸۲	آبان ۱۳۳۵ (۲)

۱- تغییراتی اقتصادی

۳- جمعیت، مساله و مسائل و جمعیت جنس و وضع فعالیت در نقاط شهری و روستایی (دنیاله) (هزار نفر)

شرح	جمعیت ساله و بیشتر	جمعیت و زمان از نظر اقتصادی			جمعیت غیر فعال از نظر اقتصادی			سایر
		جمع	شاعل	بیکار (جویای کار)	جمع	محمل	خانواده دار	
نقاط روستایی:								
آبان ۱۳۳۵	۸۵۹۲	۲۱۷۳	۴۱۰۰	۷۳	۴۲۱۲	۱۶۶	۲۴۱۲	۱۰۴۸
آبان ۱۳۳۵	۱۰۲۵۲	۵۰۷۲	۳۵۰۵	۵۶۸	۵۱۸۰	۵۷۷	۲۸۲۲	۱۲۰۰
آبان ۱۳۳۵	۱۱۵۷۵	۵۶۶۰	۴۶۸۷	۷۷۴	۶۱۱۴	۱۲۷۵	۲۴۲۲	۱۶۰۰
مهر ۱۳۳۵ (۲)	۱۲۴۳۸	۵۷۲۷	۳۵۸۸	۷۲۰	۸۶۲۷	۲۴۹۵	۵۱۲۹	۱۶۵۰
مهر ۱۳۳۵ (۲)	۱۵۹۲۲	۶۱۰۰	۵۲۰۰	۷۴۶	۹۶۱۵	۲۵۳۷	۵۲۷۵	۵۰۰
آبان ۱۳۳۵ (۲)	۱۶۷۵۲	۶۳۰۶	۵۷۱۱	۵۹۶	۱۰۲۵۷	۲۸۱۹	۵۲۲۲	۶۵۰
مرد								
آبان ۱۳۳۵	۴۲۷۰	۲۷۸۵	۲۷۱۳	۷۲	۵۸۲	۱۴۹	X	۲۴۵
آبان ۱۳۳۵	۵۲۵۷	۳۳۵۹	۳۸۶۹	۴۸۹	۸۹۸	۲۹۲	X	۴۰۵
آبان ۱۳۳۵	۵۷۹۹	۳۵۰۱	۳۱۳۵	۵۶۶	۱۲۷۸	۱۹۵	X	۱۱۴
مهر ۱۳۳۵ (۲)	۷۲۵۱	۵۱۶۵	۴۵۴۱	۶۲۴	۲۱۵۹	۱۵۵۶	۷۳	۴۲۲
مهر ۱۳۳۵ (۲)	۸۲۰۹	۵۲۸۹	۴۹۳۱	۵۵۸	۲۶۴۸	۲۱۸۰	۸۸	۳۲۵
آبان ۱۳۳۵ (۲)	۸۲۹۰	۵۴۱۲	۴۹۴۵	۴۶۷	۲۸۶۲	۲۱۱۴	۷۸	۳۹۷
زن								
آبان ۱۳۳۵	۴۳۲۲	۲۸۸۰	۳۸۷	۱	۳۸۲۱	۱۷	۲۴۱۲	۲۰۹
آبان ۱۳۳۵	۴۹۹۷	۷۱۴	۶۲۶	۷۸	۴۲۸۲	۸۴	۲۸۲۲	۳۶۶
آبان ۱۳۳۵	۵۷۹۶	۳۶۰	۷۵۲	۲۰۸	۴۸۳۶	۳۷۹	۴۲۲۲	۸۵
مهر ۱۳۳۵ (۲)	۷۰۸۹	۵۶۲	۴۴۶	۱۱۶	۶۲۷۷	۸۲۹	۵۰۵۶	۵۲۲
مهر ۱۳۳۵ (۲)	۷۲۲۵	۶۶۲	۴۷۴	۱۸۱	۶۹۸۸	۱۳۵۷	۵۱۴۷	۴۵۶
آبان ۱۳۳۵ (۲)	۸۲۶۳	۸۹۴	۷۶۶	۱۲۸	۷۲۹۵	۱۶۴۵	۵۱۷۶	۴۲۲

۱- در برآوردی که تلاشت - " درج شده است، آمار مربوط به درختون " سایر " منظور شده است.
 ۲- در سرشماری ۱۳۳۵، ۱۳۳۷ و ۱۳۷۵، جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر غیر ساکن فقط در کل کشور شده است.
 ولی در سرشماریهای قبل از ۱۳۳۵، علاوه بر کل کشور، در نقاط روستایی نیز ملحوظ شده است.
 ۳- اختلاف جمعیت با اجزای آن ناشی از تعداد افرادی است که وضع فعالیت آنان " اظهاری نشده " می باشد و در جمع کل منظور شده است.
 ۴- در سال ۱۳۳۵ افراد دارای درآمد بدون کار فقط شامل افرادی است که دارای حقوق بازنشستگی یا حقوق تشییع بوده اند.
 ماخذ - وزارت کشور، اداره کل آمار عمومی، (د.ب).
 مرکز آمار ایران، (د.ب).

۴- نیروی انسانی

۲-۲- جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر نیروی کار و همکارانی مانی و وضع فعالیت در نقاط شهری و روستایی: آبان ۱۳۷۵ (در اثنای)

شرح	جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر (۱)	در حال اشتغال		در دسترس		سایر
		جمع	شاغل	جمع	محدود	
کل کشور (۲)	۴۵۰۰۱	۱۶۰۲۷	۱۶۵۷۲	۱۴۵۶	۲۸۸۲۲	۱۶۹۸
۱۴-۱۰ ساله	۹۰۸۱	۲۶۸	۲۶۵	۱۰۲	۸۶۰۱	۲۵۵
۱۹-۱۰ ساله	۷۱۱۶	۱۵۷۷	۱۱۸۲	۳۶۶	۵۷۷۶	۲۲۹
۲۴-۱۰ ساله	۵۲۲۲	۲۲۲۲	۱۸۸۱	۳۶۳	۲۸۵۷	۲۷۰
۲۹-۱۰ ساله	۲۷۰۹	۲۲۶۷	۱۹۸	۲۱۳۲	۱۹۰	۱۱۵
۳۴-۱۰ ساله	۲۸۰	۲۱۶۷	۲۰۷۱	۹۶	۱۹۳	۵۹
۳۹-۱۰ ساله	۲۵۷۲	۱۹۲۱	۱۹۰۲	۷۰	۱۰۷۸	۲۲
۴۴-۱۰ ساله	۲۸۱۲	۱۵۳۸	۱۶۸۸	۵۰	۹۷۸	۲۲
۴۹-۱۰ ساله	۲۰۱۲	۱۰۲۰	۹۸۵	۳۵	۹۸۷	۲۶
۵۳-۱۰ ساله	۱۵۲۱	۷۱۵	۶۸۶	۲۹	۸۱۰	۲۸
۵۹-۱۰ ساله	۱۳۶۲	۶۱۸	۵۸۷	۳۱	۷۵۳	۲۷
۶۴-۱۰ ساله	۱۳۸۲	۵۸۰	۵۶۵	۳۵	۷۹۸	۶۹
۶۵-ساله و بیشتر	۲۵۹۵	۷۸۲	۷۰۵	۷۹	۱۷۹۹	۲۲۲
شامل:	۲۲	۸	۸	//	۱۱	۲
نقاط شهری	۲۸۸۰۱	۹۶۵۵	۸۷۹۹	۸۵۵	۱۸۲۸۸	۸۹۸
۱۴-۱۰ ساله	۵۵۱۶	۱۰۱	۹۲	۲۸	۵۱۷۳	۷۴
۱۹-۱۰ ساله	۲۶۱۹	۶۸۵	۵۰۷	۱۷۸	۲۷۱۸	۲۰۴
۲۴-۱۰ ساله	۲۱۵۳	۱۲۳۶	۱۰۲۲	۲۱۴	۲۱۳۹	۱۵۹
۲۹-۱۰ ساله	۲۰۵۶	۱۵۹۰	۱۳۱	۱۳۷۹	۱۶۲	۷۴
۳۴-۱۰ ساله	۲۲۰۹	۱۲۸۷	۱۳۲۰	۶۷	۱۲۰۷	۶۰
۳۹-۱۰ ساله	۲۳۲۲	۱۳۶۸	۱۳۱۹	۳۹	۱۰۵۶	۶۰
۴۴-۱۰ ساله	۱۹۰۷	۱۰۷۶	۱۰۴۰	۳۶	۸۶۵	۲۱
۴۹-۱۰ ساله	۱۴۲۶	۶۸۹	۶۶۲	۲۵	۶۲۲	۲۷
۵۴-۱۰ ساله	۹۷۸	۴۴۲	۴۲۲	۲۲	۵۲۱	۱۷
۵۹-۱۰ ساله	۸۳۰	۴۲۲	۴۲۰	۲۲	۴۰۸	۲۴
۶۴-۱۰ ساله	۷۸۲	۲۸۱	۲۵۵	۲۶	۳۹۹	۴۱
۶۵-ساله و بیشتر	۱۷۷۱	۳۳۸	۳۲۲	۵۶	۱۳۱۵	۱۹۷
شامل:	۲۱	۷	۶	//	۱۱	۲
نقاط روستایی	۱۶۷۰۱	۶۲۰۶	۵۷۱۱	۵۹۶	۱۰۵۳۴	۷۹۰
۱۴-۱۰ ساله	۳۵۲۲	۲۶۰	۱۸۶	۷۴	۳۲۱	۱۷۷
۱۹-۱۰ ساله	۲۷۷۷	۸۵۱	۶۶۵	۱۸۶	۱۸۵۷	۲۲۲
۲۴-۱۰ ساله	۲۰۴۹	۹۹۸	۸۵۰	۱۴۸	۱۰۱۳	۱۱۰
۲۹-۱۰ ساله	۱۶۲۶	۸۷۰	۸۰۲	۶۷	۷۵۵	۳۱
۳۴-۱۰ ساله	۱۴۶۱	۶۷۵	۶۲۶	۴۹	۵۸۱	۱۹
۳۹-۱۰ ساله	۱۱۲۹	۵۹۹	۵۷۸	۲۰	۵۲۷	۱۴
۴۴-۱۰ ساله	۸۹۷	۳۵۷	۳۲۲	۱۳	۴۷۸	۱۱
۴۹-۱۰ ساله	۶۸۱	۲۲۸	۲۱۸	۹	۴۵۲	۹
۵۳-۱۰ ساله	۵۲۶	۲۶۸	۲۶۰	۷	۲۷۷	۱۰
۵۹-۱۰ ساله	۵۳۲	۲۷۲	۲۶۲	۸	۲۶۹	۱۴
۶۴-۱۰ ساله	۵۶۲	۲۱۶	۲۰۶	۱۰	۲۹۷	۲۸
۶۵-ساله و بیشتر	۱۱۱۷	۲۲۲	۲۰۹	۲۲	۹۸۱	۱۳۵
شامل:	۲۱	۱	۱	//	۱	//

۱- اختلاف سرجمع با اجزای آن ناشی از تعداد افرادی است که وضع فعالیت آنان " نامشخص " می باشد و در جمع کل منظور شده است.
 ۲- ارقام مربوط به جمعیت غیر ساکن، فقط در ستونهای مربوط به کل کشور منظور شده است.
 صادر - مرکز آمار ایران (و. پ.)

۲-۱- شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر در صنایع شهری و روستایی : آبان ۱۳۷۵ (هزار نفر)

۲-۱- شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر در صنایع شهری و روستایی : آبان ۱۳۷۵ (هزار نفر)

وضع شغلی	کل کشور (۱)			نقاط شهری		نقاط روستایی	
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
جمع کل	۱۳۵۷۲	۱۳۸۰۶	۱۷۶۵	۷۸۰۸	۹۹۱	۲۹۴۵	۷۶۶
بخش خصوصی	۱۷۹۲	۸۸۱۲	۹۸۰	۴۸۰۲	۳۰۹	۳۱۶۱	۶۶۲
کارفرمایان	۵۳۸	۵۱۱	۱۶	۲۷۶	۹	۱۳۵	۷
کارکنان مستقل	۵۱۱۹	۴۸۵۲	۲۴۲	۲۴۰۹	۱۲۶	۲۴۰۸	۲۱۹
مردود حقوق بگیران	۳۲۷۰	۳۰۲۱	۲۵۰	۱۳۴۹	۱۳۰	۱۰۶۸	۱۱۹
کارکنان فاسدین بدون مزد	۷۹۷	۲۳۱	۳۶۷	۶۹	۴۲	۳۵۰	۲۱۷
مزدود حقوق بگیران بخش عمومی	۴۲۵۸	۳۵۶۰	۶۹۸	۲۷۳۵	۶۲۷	۸۲۲	۷۱
مزدود حقوق بگیران بخش تعاونی	۵۷	۲۸	۹	۲۲	۲	۱۵	۵
اظهاری نشده	۲۶۲	۳۸۴	۷۹	۲۴۸	۵۲	۱۳۵	۲۷

۱- ارتقاء در سربزه به جمعیت غیر ساکن و تعداد در سرتیقای سربوه به کل کشور منظور شده است.

مآخذ - مرکز آمار ایران (د. پ.)

۲-۱-۰ شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر بر حسب سطح سواد و وضع شغلی : آبان ۱۳۷۵ (هزار نفر)

سطح سواد	جمع کل	بخش خصوصی						
		جمع	کارفرمایان	کارکنان مستقل	مردود حقوق بگیران	کارکنان فاسدین بدون مزد	بخش عمومی	بخش تعاونی
جمع	۱۳۵۷۲	۱۷۹۲	۵۲۸	۵۱۱۹	۳۲۷۰	۷۹۷	۲۲۵۸	۲۶۲
بیا سواد	۱۱۴۴۸	۶۹۶۳	۲۲۰	۳۳۲۹	۲۵۱۲	۶۰۲	۴۰۵۸	۳۷۸
ابتدایی	۳۷۳۳	۲۹۴۶	۱۵۳	۱۶۹۰	۹۹۱	۲۱۲	۶۶۱	۱۱۲
راهنمایی	۲۶۵۹	۱۸۱۲	۵۲	۸۵۲	۷۶۷	۱۶۴	۷۳۱	۱۰۲
متوسطه	۲۶۲۷	۱۱۶۱	۱۰۶	۵۵۰	۲۳۰	۲۲	۱۳۶۲	۹۰
پیش دانشگاهی	۱	//	//	//	//	//	۱	//
عالی	۱۴۰۳	۲۱۹	۴۸	۶۹	۱۱۱	۲	۱۱۳۱	۲۷
حوزه های شیمی و علوم دینی	۳۰	۱۵	۱	۹	۶	//	۱۳	۱
سواد آموزی	۶۱۷	۳۸۷	۱۶	۲۵۵	۱۲۷	۷۸	۱۱۱	۱۶
غیر رسمی	۲۳۲	۲۶۰	۱۸	۲۰۹	۶۱	۲	۲۴	۷
نامشخص و اظهار نشده	۵۸	۲۹	۲	۱۶	۱۰	۲	۲۴	۲
بی سواد	۳۱۲۲	۳۸۳۱	۱۰۸	۱۷۷۰	۷۵۹	۱۹۵	۲۰۰	۸۴

مآخذ - مرکز آمار ایران (د. پ.)

بازرسی اسناد

۱۳۳۵ - جمعیت بیکار (جویای کار) بر حسب سطح مواد و دیگر در نقاط بیرونی و درستی : آبان ۱۳۳۵

سطح مواد	کل کشور (۱)					
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
جمع	۱۱۸۴۰۸۶	۷۱۱۳۶۳	۷۱۲۳۹۶	۱۲۱۳۶۳	۱۱۸۴۰۸۶	۷۱۱۳۶۳
باصواد	۹۵۹۸۳۷	۵۳۸۸۲۷	۵۳۸۸۲۷	۵۳۸۸۲۷	۹۵۹۸۳۷	۵۳۸۸۲۷
استادایی	۲۸۷۱۱	۱۳۸۲۳	۱۳۸۲۳	۱۳۸۲۳	۲۸۷۱۱	۱۳۸۲۳
راهنمایی	۲۸۲۰۱	۱۳۸۲۳	۱۳۸۲۳	۱۳۸۲۳	۲۸۲۰۱	۱۳۸۲۳
متوسطه	۲۶۹۲۱	۱۳۸۲۳	۱۳۸۲۳	۱۳۸۲۳	۲۶۹۲۱	۱۳۸۲۳
پیش دانشگاهی	۷۹۶	۳۹۸	۳۹۸	۳۹۸	۷۹۶	۳۹۸
عذلی	۲۸۹۸۷	۱۴۴۹۳	۱۴۴۹۳	۱۴۴۹۳	۲۸۹۸۷	۱۴۴۹۳
دوره های تکمیل و نهم دینی	۱۰۶۹	۵۳۴	۵۳۴	۵۳۴	۱۰۶۹	۵۳۴
مواد آموزی	۲۱۵۳۷	۱۰۷۶۸	۱۰۷۶۸	۱۰۷۶۸	۲۱۵۳۷	۱۰۷۶۸
تسویجی	۱۸۱۳۷	۹۰۶۸	۹۰۶۸	۹۰۶۸	۱۸۱۳۷	۹۰۶۸
نامشخص و اثبات نشده	۲۸۳۳	۱۴۱۶	۱۴۱۶	۱۴۱۶	۲۸۳۳	۱۴۱۶
بی مواد	۲۳۳۳۹	۱۱۶۶۹	۱۱۶۶۹	۱۱۶۶۹	۲۳۳۳۹	۱۱۶۶۹

۱ - ارقام مربوط به جمعیت بیکار ساکن فقط در محدوده ای مربوط به این کشور منظور شده است.

مکان - مرکز آمار ایران - (ر. پ) .

میزان رشد سالانه عماد هر فرد اشتغال (درصد)		میزان اشتغال در کار				کشاورزی		توسعه اشتغال		شماره
۱۹۸۰-۶۰	۱۹۷۰-۶۰	۱۹۹۰-۹۲	۱۹۶۵	۱۹۹۰-۹۲	۱۹۶۵	۱۹۹۰-۹۲	۱۹۶۵	۱۹۹۰-۹۲	۱۹۶۵	
-۰/۲	...	۵۲	۳۰	۲۹	۳۱	۱۷	۲۸	۳۲	۲۲	توسعه اشتغال
۲/۹	۶/۲	۸۱	...	۱۱	...	۷	...	۲۸	۶۶	۲۰
...	...	۶۲	۳۱	۳۵	۵۳	۱	۶	۳۷	۵۰	۲۲
۷/۳	۱۰/۰	۲۷	۳۰	۳۶	۱۵	۱۷	۵۵	۲۰	۶۱	۲۶
-۱/۸	...	۷۲	۵۱	۲۲	۲۹	۵	۲۰	۲۱	۲۵	۲۲
-۰/۷	...	۵۷	۳۵	۳۳	۳۵	۱۰	۲۰	۳۶	۳۹	۲۳
...	...	۹۱	...	۲	...	۵	...	۲۷	۳۵	۲۵
-۰/۸	-۱/۵	۵۳	۳۸	۳۳	۳۳	۱۲	۱۸	۲۸	۳۸	۲۶
-۱/۰	۸/۲	۵۵	۲۳	۲۶	۲۹	۱۹	۲۷	۳۲	۳۸	۲۷
-۲/۲	...	۲۸	۳۳	۲۷	۲۹	۲۵	۳۷	۳۰	۲۷	۲۸
۵/۰	۳/۰	۶۵	۶۷	۳۵	۲۷	(۱)	۶	۲۰	۶۵	۲۹
-۵/۲	۳/۸	۶۲	۲۶	۳۵	۲۲	۱۳	۳۰	۳۲	۳۷	۲۴
۲/۲	۰/۲	۵۹	۳۸	۱۲	۱۶	۲۷	۲۶	۲۹	۲۸	۲۶
۱/۶	-۰/۲	۶۶	۳۳	۲۲	۲۱	۱۰	۲۵	۲۲	۲۵	۲۷
۳/۸	...	۷۳	۶۲	۲۶	۳۳	...	۲	۲۲	۲۹	۵۰
-۳/۹	۱/۲	۳۸	۲۹	۲۹	۲۲	۲۳	۲۹	۳۱	۳۸	۵۱
۲/۷	...	۳۹	۱۶	۳۵	۱۱	۲۶	۷۲	۳۹	۵۰	۵۲
۱/۶	...	۲۱	۲۹	۲۱	۱۸	۳۸	۵۳	۲۲	۲۱	توسعه اشتغال متوسط
۵/۹	۱/۰	۲۲	۱۳	۱۱	۵	۲۷	۸۲	۲۷	۵۶	بدون حین
...	...	۶۹	...	۲۸	...	۳	...	۷	۲۲	۵۳
۲/۶	۲/۰	۲۶	۲۹	۲۸	۱۳	۲۶	۵۸	۳۶	۳۸	۵۵
...	...	۸۲	...	۱۲	...	۳	...	۱۸	۳۵	۵۶
۱/۱	۱/۸	۵۲	۳۸	۳۰	۳۵	۱۶	۱۷	۲۰	۲۱	۵۷
...	...	۵۷	۲۷	۳۸	۳۲	۵	۲۱	۶	۵۰	۵۸
۳/۸	۲/۰	۲۷	۳۱	۳۵	۲۰	۳۵	۲۹	۳۶	۲۲	۶۰
...	...	۵۶	...	۱۳	...	۳۱	...	۲۲	۳۸	۶۱
-۰/۸	-۰/۲	۵۰	۳۳	۲۲	۲۰	۲۶	۳۷	۲۷	۳۵	۶۲
...	...	۱۷	۲۱	۱۴	۱۱	۳۸	۶۸	۷	۲۹	۶۳
-۲/۲	۶/۱	۳۳	۱۲	۳۰	۱۱	۲۷	۷۵	۳۱	۳۷	۶۴
...	۶۵
-۵/۳	۲/۸	۳۸	۲۸	۲۹	۲۰	۲۳	۵۱	۱۸	۲۸	۶۶
-۱/۵	۳/۳	۳۸	۲۶	۱۹	۱۶	۳۳	۵۵	۲۶	۳۵	۶۷
...	۶۸
...	...	۵۰	۳۸	۳۰	۲۱	۲۰	۲۱	۲۹	۲۰	۶۹
-۰/۸	۲/۲	۲۰	۲۹	۳۳	۲۱	۲۶	۵۰	۲۱	۳۰	۷۰
...	۷۱
...	...	۳۱	۲۶	۲۱	۲۰	۲۸	۵۲	۲۱	۲۲	۷۲
...	...	۶۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۱	۲۲	۷۳
-۸/۲	...	۳۳	۳۵	۲۶	۲۶	۳۰	۲۹	۱۰	۲۶	۷۴
-۵/۵	۲/۶	۶۱	۸	۱۱	۰	۳۸	۸۸	۳۸	۲۳	۷۵
...	۷۶
...	...	۲۷	۲۲	۲۹	۳۵	۲۲	۳۳	۳۳	۳۲	۷۷
۱/۸	...	۲۰	۳۰	۲۱	۱۲	۲۹	۵۶	۲۲	۲۲	۷۸
...	...	۲۹	۲۳	۲۲	۱۵	۲۹	۶۲	۸	۱۸	۷۹
۰/۲	۲/۷	۶۲	۳۸	۳۵	۳۰	۱۳	۲۲	۳۹	۳۸	۸۰
۳/۵	...	۱۳	۱۱	۱۴	۸	۳۳	۸۱	۲۳	۵۹	۸۱
-۳/۵	...	۵۳	۳۲	۱۲	۱۹	۳۵	۲۹	۳۹	۲۰	۸۲
-۲/۳	-۱/۱	۳۹	۲۷	۱۵	۱۲	۲۶	۵۹	۱۵	۳۰	۸۳
۳/۶	...	۶۲	۳۷	۱۲	۱۶	۱۰	۲۷	۱۰	۲۳	۸۴
۵/۶	-۳/۷	۳۸	۲۶	۱۶	۱۶	۳۵	۵۸	۲۷	۵۶	۸۵
...	...	۶۷	۳۰	۱۹	۲۰	۱۲	۵۰	۶	۲۲	۸۶
...	...	۲۷	۲۰	۳۰	۲۲	۲۳	۵۷	۲۶	۲۵	۸۷
...	...	۳۹	۲۶	۲۱	۲۰	۳۰	۵۲	۲۵	۲۶	۸۸
...	...	۵۹	۲۷	۲۷	۲۲	۲۹	۲۷	۲۷	۳۰	۸۹
...	۹۰
۵/۱	۵/۰	۲۰	۲۱	۱۲	۹	۵۶	۷۰	۲۰	۲۲	۹۱
-۱۰/۰	...	۳۸	۲۸	۱۶	۱۶	۲۶	۵۶	۳۳	۳۵	۹۲
...	...	۳۷	۲۷	...	۲۱	۲۶	۹۳
-۱/۹	-۲/۲	۳۲	۲۱	۱۸	۱۵	۵۰	۶۲	۲۶	۲۳	۹۴
...	...	۲۹	۲۶	۳۳	۱۷	۱۸	۵۷	۲	۲۲	۹۵
۳/۱	۲/۱	۳۷	۳۰	۲۱	۱۵	۲۱	۵۵	۲۹	۳۱	۹۶
-۲/۵	...	۲۹	۲۲	۲۵	۱۵	۲۶	۶۱	۲۶	۲۲	۹۷
-۳/۲	۲/۲	۲۶	۲۶	۲۳	۱۶	۱۱	۵۸	۲۵	۲۱	۹۸
-۶/۲	(۱)	۱۱	۱۲	۱۹	۲۰	۲۷	۵۳	۲۱	۳۸	۹۹

جدول شماره ۱ - شاخص های توسعه انسانی

درصد کرسی های اشتغال شده در پارلمان توسط زنان	کار مدیریتی و اداری بالای زنان	درصد زنان در عديم و مهندسی	زنان شاغل درصدی از کل شاغلین	میانگین سالهای مدرسه	سطح بالای توسعه
۱۹۹۱	۱۹۸۰-۸۹	۱۹۸۸	۱۹۹۰	۱۹۹۰	
۲	۷	۷	۵	۹۸	ژاپن
۱۳	۳۵	۳۰	۳۳	۹۸	نروژ
۶	۳۸	-	۴۲	۱۰۲	امریکا
۷	۳۰	۲۷	۳۸	۹۹	استرالیا
۶	۹	-	۳۷	۱۰۲	فرانسه
					سطح توسعه متوسط بجز چین
۲۱	۱۱	-	۴۳	۶۰	چین
۲	-	۱۰	۱۸	۶۸	ایران
۱۲	۷	۲۱	۲۰	۵۸	اندونزی
۱۱	-	۲۸	۶	۶۹	عراق
				۶۳	کره
					سطح توسعه پایین
۱	-	-	۱۱		پاکستان
	۳	-	-		افغانستان
۱۶	-	۱۷	۴۸	۸	سودان

* در شاخص اول زنان نسبت به مردان در نظر گرفته شده اند.

استخراج از: Human Development Report 1993